

۹۴

۹۵



فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۴۴۵
رده بندی دیوبی:	گت / م ۷۸۳ و ۹۱.
سرشناسه:	ون دایک، کورنلیس ون آلن، ۱۸۱۸ - ۱۸۹۵ م
عنوان قراردادی:	[المرآة الوضیة فی الکرة الارضیة. ناسی]
عنوان:	کشف القناع عن احوال الاقالیم والبقاع
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر:	بمبئی ناشر: مطبع مزار حسن تاریخ نشر: [بنا]
صفحه شمار:	۲۲۰ ص مصور <input type="checkbox"/> درسی <input type="checkbox"/> گراور یا افست <input type="checkbox"/>
زبان:	فارسی ابعاد: ۲۱ x ۱۳ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی <input type="checkbox"/> اهدایی <input type="checkbox"/> خریداری <input type="checkbox"/> ارسالی <input type="checkbox"/>
توضیحات:	نام علم تاریخ ثبت: بهمن ۱۳۶۲
یادداشتها:	۱. در ابتدا ریاضی آمده است. ۲. مندرج به فهرست
	اسامی اقالیم و ممالک و بلاد و مدن به اختلاف لغات
موضوع (ها):	۱. جغرافیا - سون قدیمی تا قرن ۱۷.
شناسه (های) افزوده:	الف. طبایعی، مخبر الدین بن ابی القاسم، مبرمج
	ب. عنوان:
فهرستگار:	اسرار
تاریخ فهرستنگاری:	خرداد ۱۹





سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

### اداره مخطوطات

نام کتاب کشف القناع عن احوال الاقالیم والبلدان

مؤلف محمّد بن ابی القاسم کلایکانی

موضوع جغرافیا زبان فارسی

سال چاپ محل چاپ بمبئی

شماره عمومی ۱۸۶۴۱ کتابخانه / بخش

وقفی / خریداری تاریخ ۶۲

طول ۲۱ عرض ۱۲ شماره صفحه ها ۲۲۵

ملاحظات

شماره سند ۱۴۶۵

۱- مایطها : ج. تاریخ تألیف کتاب : ۱۸۵۲ م هجری  
شماره سند : ۱۴۶۵



هو الله تعالى شانه

کتابخانه آستان قدس

هیزه کتاب

۹۱۰

۷۸۲۴

۱۵۵



کتاب

کشف القناع

عرجو الالاقالیم

البقاء فی ترجمه کتاب

الوضیة فی الكرة الارضیة

من الیفات مستر کرنیلو

فندیک امریکانی طبع

فی معجزة بمبئی

بعو الله

وفیق

کتابخانه آستان قدس

۱۸۶۴

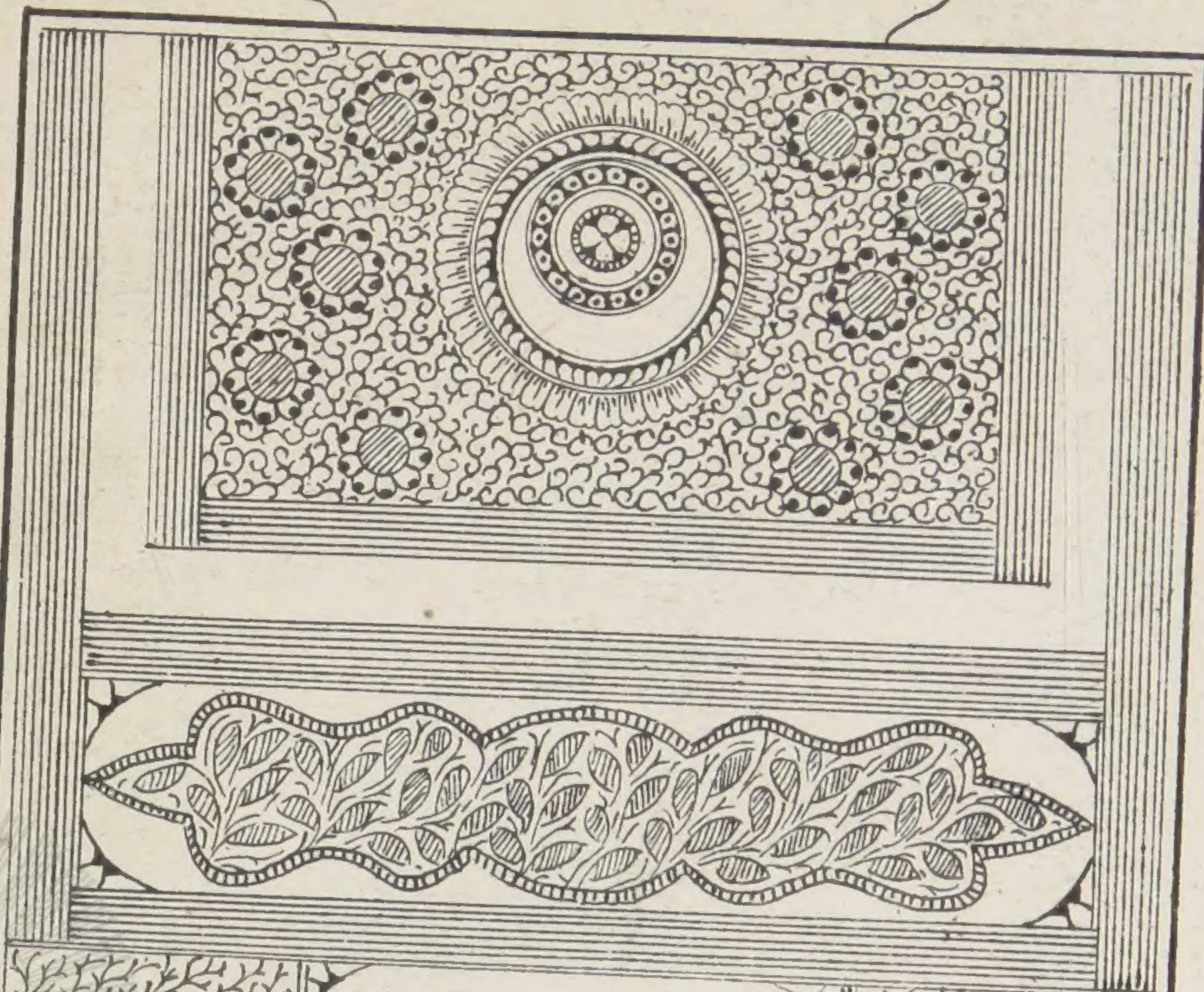
۱۶



سید

۱۸۵۲





بسم الله الرحمن الرحيم

جواهر زواهر محد و سپاس درگاه حضرت احدیتی دایق و سزااست که  
قبه چرخ مقربین را به الت خشت و کل برافراشته و طاق رواق انرا بنشسته  
زین خورشید و صور سیمین ماه نکاشته و ایند خانه رجا جرات بنفش  
اختران راسته و نشیمن خال که عمارت زیرین فلال است جلال تو  
بهجت پیراسته کرمی که بجار موج عطایش را انتهای و عیون جاریه  
رحمتش را زوالی و اهر منشعبه احسانش را انفادی نه صناعی که  
سطح مستدیر ارض از خطوط تذکره جلالش نقطه و رشک استخا و نفحات  
صبا از کل زار صنعتش و رقی است مبدعی که خاک تیره را بمواهب  
سنیه جمع غرائب و مظهر بدائع صنائع ساخته و از قاموس محیط  
مرحمت و اوقیانوس مکرمت در معانی لطیفه بساحل ظهور آورد  
تا هر کس بحسب استعداد خود فوائد جلیله عظیمه از ان بردارد و

درود نا محدود و بر نور پاک و نیر تابناک شمس فلک رسالت و اختر  
برج جلال و نبالت حضرت سید الاصفیاء و خاتم الانبیاء محمد  
المبعوث بالایات الباهرات و البیّنات الطاهرات علیه من الصلوات کثیرا  
و من التحیه انماها و وصی بلا فضل انحضرت امیر البرره و قاتل الکفره  
یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین الشهاب الثاقب علی بن ابی طالب  
علیه السلام و دراری طیبه طاهره او باد و بعد چنین گوید  
بنده فانی فخر الدین بن ابی القاسم الکلیا یکانی محتدا و الا صفهانی  
مسکنا که بر ضمیر منیر ارباب دانش و بینش مخفی و پوشیده مباد که  
ز غرافیا علم نیست مطلوب و مرغوب و از جمله علوم منیفه و فنون  
شریفه معدود و محسوب پیوسته موجب از یاد مرآت مدنیست  
و مایه حصول هیئت اجتماعی بشریت و صاحبان ان در هر عصر و زمان  
مقبول اهل معانی و منظور عالی و ادانی بوده اند و چونکه کتاب حراة  
الموضیة فی الکرة الارضیة از تالیفات جناب فحامت نصاب مستر  
کرنیلوس فندیک امریکانی که در این علم کتابی است کافی و و ابلیغت  
عربی مبین و براکش ناس غیر مستبیین بود لذا بخاطر فائز رسید که  
محض خدمت بهم و طنان بترجمه این نسخه شریفه قیام نمایم و لکن بواسطه  
حوادث روزگار و تقلبات لیل و نهار و لحاظ تعجیم موضوع مقاله  
لازم التهدید من صنف فقداستهدف این امر خطیر در عهده تعویق  
و تاخیر افتاد تا این ایام نجسته فرجام که بعضی از دوستان جوانان  
روحانی که تحلف امرشان را فرض محال میشمرده مهیج خیال و محرک  
این شکسته بال گردیدند چاره ندیده جز آنکه بمضمون لما مؤمعد  
بأنجام این خدمت کوشم و چشم از نعمت همکنان پوشم رجا از نکته



پردازان فصاحت شعار و سخن سنجان بلاغت دثارانکه این ضعیف  
نخیف داهد فسهام ایراد و اعتراض ننمایند و اگر غلط واضحی یا خطاء  
لائی مشاهده نمایند از حسن طوئیت و صفای طینت خود بقلم عفو و  
اغماض با صلاح شرکوشند و من الله استمد و به استعین و هو<sup>حسی</sup>  
و نعم المعین مقدم بدانکه این علم بد و قسم منقسم میشود طبیعی و  
وصفی اما اول مداران سطح زمین و آنچه روی آنست و کره هوائی است  
که بان احاطه دارد بدو نالتفات باقسام زمین و متعلقات آن و اما  
در قسم دوم بلدان و محالک و نسبت بعضی از اقسام سطح زمین بعض  
دیگر ملاحظه میشود و لکن در این رساله بعضی از متعلقات ژغرافیا  
طبیعی را اولاً ذکر مینمایم و بعضی دیگر با متعلقات ژغرافیا و صفی  
بیان میشود **فصل اول** در حقیقت این علم و بعضی اصطلاحات آن  
بدانکه ژغرافیا علم است که از هیئت و اقسام سطح زمین و انواع اهل  
آن و حاصلهایش و امثال اینها در آن بیان میشود اما زمین جسمی است  
مستدیر بشکل کره عظیمه و کمی از دو جهت قطب جنوبی و شمالی مسطح  
است یعنی قطران از شرق بغرب مقدار ۲۰ میل از قطران از شمال  
بجنوب طولانی تر است و اما استداره زمین از عهد فیثاغور و سقراط  
پانصد سال قبل از مسیح تا حال متفق علیه فلاسفه است و ادله  
آن بسیار است از آنجمله ظهور کروییت سطح دریا است از برای کسی که  
در کنار آن می ایستد و دیگر ظاهر شدن عالی اشباح بعیده است  
قبل از اسافل آنها اگرچه این اسافل بحسب جرم بزرگتر باشد و دیگر  
آنکه بسیاری از اهل سیاحت از شرق یا غرب از یک جهت مسافرت  
اختیار کرده اند و بدو ن آنکه برگردند سفر آنها همان مکانیکه اولاً

آن حرکت کرده بودند منتهی شده و بدان که هرگاه خط مستقیم  
میان نقطه شمالی و جنوبی زمین کشیده شود پس ناچار بر گران باید  
بگذرد و آنرا محور زمین میگویند و طرف شمالی آنرا قطب شمالی و طرف  
جنوبی را قطب جنوبی میگویند و هرگاه دور زمین خطی بمسافات بعد  
آن از قطب شمالی و جنوبی کشیده شود دایره حادث میشود و بواسطه  
آن زمین بدو نصف میشود شمالی و جنوبی و این دایره را خط استواء  
مینامند و هرگاه دور زمین خط دیگری از جهت شمال بموازات خط  
استواء بمسافت ۲۳ درجه و ۲۸ ثانیه از آن و یکی دیگر مثل آن از جهت جنوب  
کشیده شود و دایره حادث میشود و شمالی آنها را خط سرطان  
جنوبی را خط جدی و جزئی از سطح زمین که میان آنهاست منطقه  
خارده مینامند و هرگاه بموازات یکی از دایره مذکوره و بمسافت ۲۳  
درجه و ۲۸ ثانیه از قطب شمالی دایره کشیده شود پس آن دایره شمالی  
است و مثل آن جنوبی است و جزئی از سطح زمین که میان خط سرطان  
و دایره شمالیه است منطقه معتدله شمالیه و جزئی که میان دایره  
شمالیه و قطب شمالیست منطقه بارده یا متجمده شمالیه و میان خط  
جدی و دایره جنوبیه منطقه معتدله جنوبیه و میان دایره جنوبیه  
و قطب جنوبیه منطقه بارده نامیده میشود پس زمین بملاحظه اینها به پنج  
منطقه منقسم میشود اما دایره پس هر دایره به ۳۰ درجه و در  
به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه منقسم میشود و درجه در خط  
استواء ۶۰ میل از میلهای جغرافیه و ۹۰۲ میل از میلهای  
اعتیادیه است و هم چنین دایره هائیکه دور زمین از شمال بجنوب  
کشیده میشود مگر اینک دایره مواری خط استواء است نیز



شدن بجهت قطب شمالی و جنوبی کوچک میشود تا آنکه در پیش  
 آنها متلاشی میکرد پس واضح شد که هر قدر که دائره کوچک میشود  
 درجه نیز کوچک میگردد و بدانکه خطوطیکه در زمین از شمال جنوب  
 کشیده میشود دو اثر تامه نیستند چه که زمین چنانچه گشت  
 تامه نیست و لکن فرق بسیار است و ملاحظه آن مگرد بعضی از  
 حسابهای دقیقه فلکیه مثل حساب کسوف و امثال آن نمیشود  
 و از برای زمین دو حرکت است یکی یومی که بدوران زمین در محور  
 خودش از غرب بشرق در هر بیست و چهار ساعت یک مرتبه تمام می  
 شود و آن علت تتابع شب و روز است و دیگری سنوی که بدوران  
 زمین دور افتاب از مغرب بمشرق در هر سال که عبارت از ۳۶۵  
 روز و ۵ ساعت و ۴۲ دقیقه و چند ثانیه است یک مرتبه تمام میشود  
 و از جمله علتهای تتابع فصول است و هرگاه صورت زمین  
 یا صورت جزئی از آن را در روی کاغذی بکشند بترتیبی که اقسام  
 حدود آن و نسبت بعضی ببعض دیگر از حیثیت قریب و بعد و امثال  
 آن معلوم گردد آنرا در اصطلاح اهل این علم خارته میگویند و اعلا  
 آن شمال و اسفلش جنوب و بیشتر شرق و بیشتر غرب محسوب  
 میشود و این چهار جهت را نقطه اصلیه مینامند و جهت متوسطه  
 میان شمال و شرق شمال شرقی است و میان جنوب و شرق جنوب  
 شرقی و میان شمال و غرب شمال غربی و میان جنوب و غرب جنوب  
 غربی است و این جهات را نقطه فرعی مینامند و میان نقطه اصلیه  
 و فرعی نقطه های دیگری است که بدقت کردن در تفصیل جهات  
 استنباط میشود و عرض عبارت از دور بودن موضعی

از خط استواء شمالی یا جنوبی و طول عبارت از دور بودن موضعی  
 از یکی از خطوطیکه میان دو قطب را در روی زمین بیکدیگر وصل  
 میکند و خطوط مذکوره را خطوط نصف النهار مینامند و طول را  
 هر یکی از این خطوط مذکوره میتوان حساب کرد مگر اینکه نزد هر قومی  
 عادت جاری شده که آنرا از خط نصف النهار که بقصبه بلادشان  
 میگذرد حساب میکنند پس اگر از آنرا از خط لندن و اهل فرانسه از  
 خط پاریس حساب میکنند و علی هذا القیاس فصل دوم در  
 ارض یابسه و اقسام آن بدانکه مسافت سطح زمین مقدراً ۲۰۰۰۰۰۰  
 میل مرتعست و بدو قسم منقسم میشود یکی یابسه که خشکی است و  
 دیگری آب و قسم بزرگتر آن آب است که مقدار دو ثلث کره را فرا  
 گرفته اما ارض یابسه با اقسام مختلفه تقسیم میشود قسم اول ارض  
 قاره است و آن قسم وسیعی از زمین است که بمالک متشتمل  
 است و قارات شش است چهار از آنها در نصف کره شرقی واقع است  
 و آن اروپا و آسیا و آفریقا و اوسترالیا است و دو قاره دیگر در  
 غرب واقعست و آن امریکا شمالی و جنوبی است و دوم مملکت است  
 و آن قسم وسیعی از قاره است که در تحت حکومت واحد داخل است  
 مثل مملکت چین و فرانسه و عثمانیه و امثال اینها و گاهی مملکت بایالت  
 و ایالت بولایت و ولایت بقطعه و هم چنین تا برود تقسیم میشود  
 سییم جزیره است و آن قطعه از زمین است که از جمیع جهات آب بآن  
 احاطه دارد مثل قبرس و کریه و مالطه و امثال اینها و جزایر بحسب  
 مساحت مختلف اند چنانچه جزیره که در اوقیانوس اتلانتیک شمالی  
 است محیطش ۱۵۰ ذراع است و جزیره اوسترالیا مساحتش مقدراً

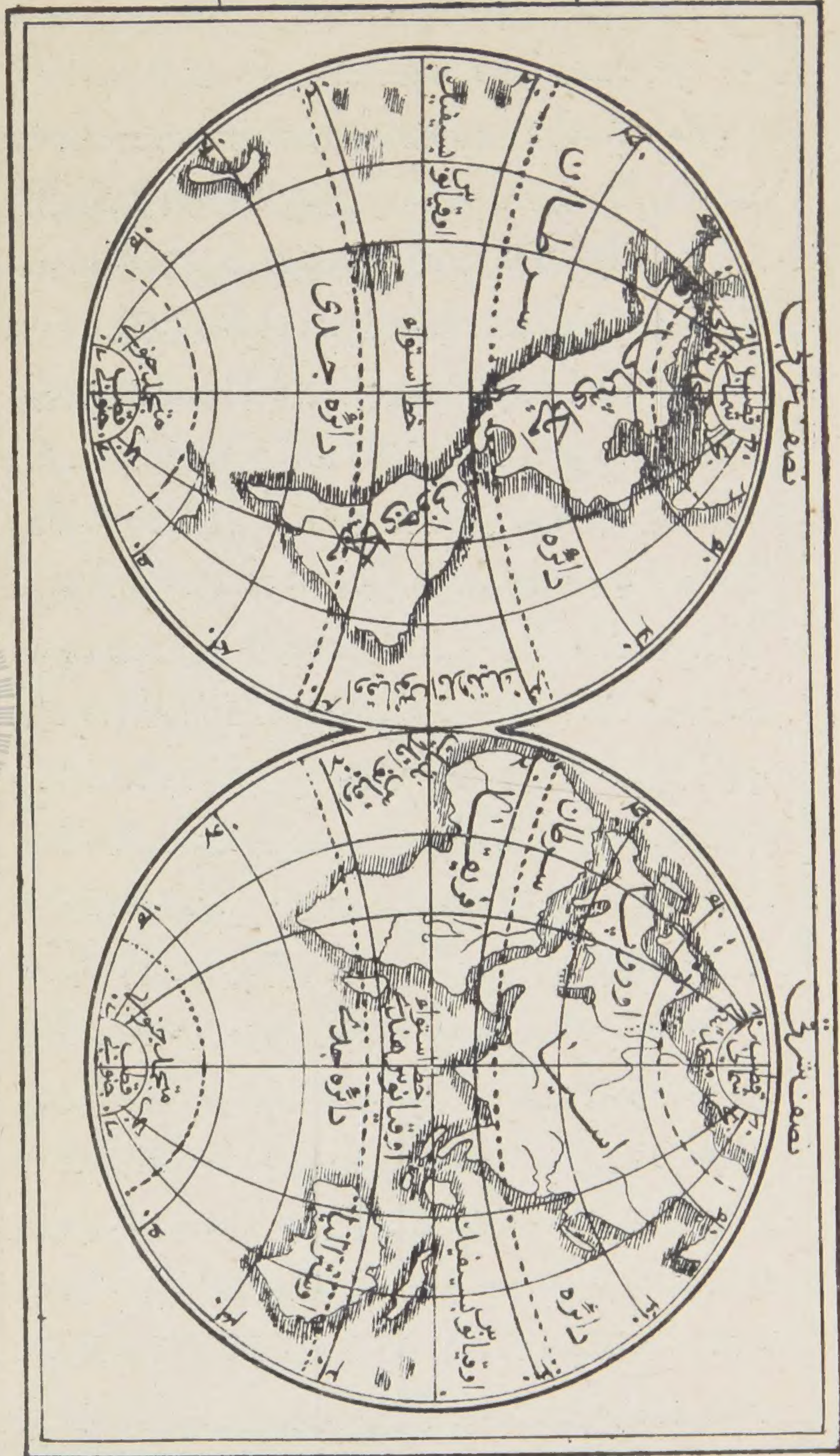


۳۰۰۰۰۰ میل مرتفعست و بعضی از جزائر مثل قبرس منفرد و بعضی  
در سلسله واقعند مثل جزائر آلوتیان که میانه امریکای شمالی و آسیا  
واقعست و بعضی مجتمعند مثل اوقیانوس محیط و هرگاه جزائر بسیار  
در دریائی واقع شده باشد آنرا از خیل مینامند مثل از خیل  
رومی و از خیل هند عرب و بعضی از جزائر در اصل بزرگان بوده و  
بعضی همیشه بزرگان بوده است مثل جزیره ستر مبولی چهارم  
شبه جزیره است و آن قطعه از زمین است که از سه جهت با آنرا  
اطاقه کرده و از یک جهت بخشکی محدود است مثل موره و قمر و  
ملقا پنجم راس است و آن جزئی از کوه یا از زمین مرتفعی است که  
داخل در دریا باشد ششم انف یا لسان است و آن جزئی از زمین  
است که داخل دریا باشد هفتم برزخ یا مختق است و آن قطعه  
زمین تنگی است که میانه دو دریا محصور شده باشد هشتم  
جبل است و آن جزئی از قشر زمین است که از سطح آن بسیار مرتفع است  
و اگر کمی ارتفاع داشته باشد آنرا هضبه یا تل میگویند و در هر جا  
که کوهها بیکدیگر متصل باشند و بمسافت بعیده امتداد داشته  
باشند آنرا سلسله جبال مینامند و ناچار میانه دو کوه زمین  
پستی واقع است پس اگر کوچک باشد آنرا شعبه میگویند و اگر بزرگ  
باشد وادی مینامند و اگر تنگ باشد در میانه سنگهای سختی  
که از دو جانب قائمند آنرا مضیق میگویند نهم سهل است و آن بی  
است که سطح آن مستوی باشد پس اگر کوچک باشد و از چشمها  
سیراب شود آنرا مرج میگویند و اگر وسیع باشد و از آب باران  
سیراب شود و گیاه در آن روئیده باشد و درخت نداشته باشد

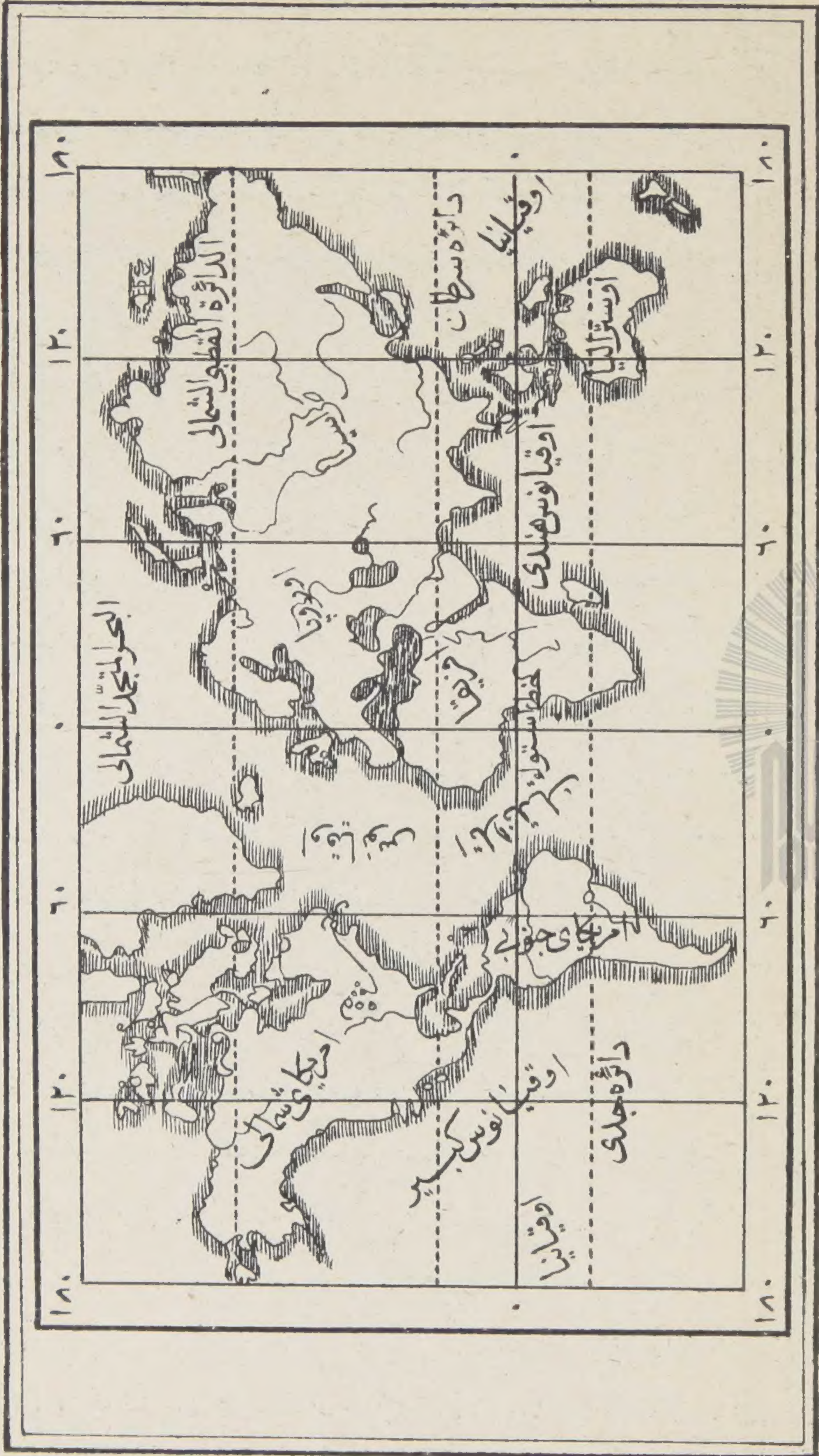
انرا بقعه مینامند و اگر ریک زار باشد و نباتات در آن روئیده  
نباشد بادیه یا صحرا مینامند و گاهی در صحراها قطعه هائی یافت  
میشود که آب باران از اطراف در آن جاری است و باین واسطه  
زمین با آنما میشود پس آنرا روضه میگویند و اگر آب نهر یا چشمه در آن  
جاری باشد و درختهای بسیاری داشته باشد آنرا غوطه مینامند  
از جمله آنها غوطه دمشق است و هم جبل نارا است که آنرا بزرگان بایلقا  
میگویند و آن کوهی است که در اوقات معینه یا غیر معینه آتش و دود  
و خاکستر و سنگهای آب شده یا نشده و معدنهای آب شده که به  
اطراف کوه جاری میشوند و پس از سرد شدن منجمد میگردد و آنرا  
خارج میشود و در روی زمین مقدار پانصد کوه از این قبیل یافت  
میشود و آنها را بزرگه نیز میگویند فصل سیم در آب و آن دو  
نوع است شور و شیرین و باعتبار وسعت و نسبت آن بخشکی به  
اقسام مختلفه منقسم میشود قسم اول دریای محیط است که  
آنرا اوقیانوس میگویند و آن قسم عظیمی از آب شور است که بیشتر  
روی کره زمین را فرا گرفته مثل محیطی که میانه امریکا و آسیا است  
طول آن از شرق بغرب قریب دو وزده هزار میل است و عرضش از مضیق  
بیرین تا ۵۵ عرض جنوبی قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس  
اتلانتیک که میانه عربی و اروپا و آفریقا و شرقی امریکا و شمالی و  
جنوبی است و معظم عرض آن از شرق بغرب ۵۰۰۰ میل و کمتر عرض  
میانه شمالی و اروپا و شمالی امریکا ۴۰۰۰ میل و طولش از شمال به  
جنوب قریب ۹۰۰۰ میل است و مثل اوقیانوس هندی که میانه  
شرقی آفریقا و جنوبی آسیا و شمالی اوسترالیا و غربی انست و مثل



# خارته کره زمین



# نشیط کره زمین





اوقیانوس شمالی که در شمال اروپا و آسیا و آمریکا است و اوقیانوس  
جنوبی که در جنوب آمریکا و آسیا و استرالیا است و بعضی از این  
اقسام ببعض دیگر متصل است و اما تسمیه آنها با سماعی مذکور محض  
سهولت و صف و قرب تحدید است و بدانکه قعر دریا مثل خشکی  
پستی و بلندی و کوه و بیابان و وادی دارد و معدّل عمق اوقیانوس  
قریب هفت میل است و قریب بجز استوان قسم عظیمی از آب شور است  
که کمتر از اوقیانوس است مثل بحر متوسط و بحر روم که میانه اروپا  
و آفریقا است و اکثر دریاها اجزاء اوقیانوس یا متصل بآنند مگر بحر  
خزر و بخرادال که در آسیا است که آنها از اوقیانوس منفصل اند  
سیّم خلیج است و آن جزء بزرگی از بحرها و اوقیانوس است که داخل  
در بر است و چون نیز از این قبیل است و لکن از خلیج کوچکتر است و  
از اخور نیز میگویند چهارم بوغاز است و آن جزئی از آب است که  
میانه دو بیابان محصور شده باشد و در دریا را بیکدیگر وصل کند  
مثل بوغاز کوه طارق که بحر متوسط و اوقیانوس اتلانتیکی را بیکدیگر  
وصل میکند پنجم بجره است و آن قطعه از آب شیرین استاده است  
که از جمیع جهات زمین بان احاطه دارد و آنچه نیز از این قبیل است و  
لکن کوچکتر از بجره است و معروف به بُرکه است و آب بعضی از این بحرها  
و برکه ها بواسطه داخل شدن نهری یا مهاجاری است مثل بجره طبریه  
و بعضی جاری نیست مثل بجره مرج ثشم هراست و آن مجرای  
عظیمی از آب شیرین است که بعد از جاری شدنش بمسافتی در بحر  
یا بجره ریخته میشود و حد و ل کوچکتر از آنست و آنرا نیز میگویند  
و آن نه کوچککی است که در نه در دیگری ریخته میشود و مکان داخل

شدن یکی از اینها را بدیگری ملتی الخمرین و مکان داخل شدن آنرا  
بدیامصّب میگویند و مکان خارج شدن آنرا از زمین عین یا ینبوع  
مینامند و زمینی که آب آن بدریائی جاری میشود آنرا حوض این دریا  
میگویند و وادی که آب از جوانب آن بفریا نهی جاری میشود آنرا  
حوض این نهی یا نهی میگویند و خطیکه میانه دو حوضی را که بیکدیگر  
متصل اند فصل میگویند آنرا خط تقسیم میانه میگویند و جایی که نهی یا  
حد و ل از مکان عالی سر اشیب میگردد مثلاً له یا خواره حادث می  
شود مثل شلالات نیل هفتم ترعه است و آن نهی مصنوعی عمیقی  
است که میانه دو دریا یا دو نهی را جمع میکند و بعضی از آن برای عبور  
کشتیهای بزرگ و بعضی برای زور قهای فقط صلاحیت دارند  
فصل چهارم در احکام وادیان اما احکام مختلف است و لکن  
حصران در سه نوع ممکن است اول حکم ملکی مطلق که زمام امر و نهی در  
کف کفایت شخص واحد باشد و بشرایع و قوانین مقید نباشد و دوم  
حکم ملکی مقید که حکم سلطان از روی قوانین و شرائع مملکت باشد و  
از آن تجاوز نتواند بکند سیّم حکم جمهوری است که زمام امر و نهی در  
دست اشخاصی باشد که رعایا آنها را اختیار میدنایند و بحسب احکام  
انها سلوک میکنند و اما ادیان در چهار نوع مختص است اول  
دیانت یهودیه است و آن مبنی بر اسفار عهد عتیق و تفاسیر و اضافات  
است که از کتاب تلمود باها شده و دوم دیانت مسیحیه است و آن  
مبنی بر اسفار عهد عتیق و جدید است و اتباع آن بسه قسم منقسم  
است اول رومی که عقائد و طرق آنها بحسب قوانین مجامع و اقوال  
اسلافتشان است دوم باباویّه که پای پای روحی را رئیس کنیسه



نائب مناب مسیح میدانند و او را از غلط و اشتباه در امور دینیّه معصوم و مقدّس می پندارند سیم پروتستانیّه که عقائدشان بر اسفار مقدّسه فقط مبنی است و بقول دیگری اصلاً التفات ندارند و اما ارمن و یعاقبه و اقباط و سناطره از مروج رومیّه اند که در رتبه سابقه از ایشان جدا شده اند سیم اسلام است و ان مبنی بر قرآن مجید و سنت است و اهل ان بچهار قسم منقسم است سنی و شیعه و هابیه و صوفیه اما در رتبه و نظریه و اسماعیلیّه اگر چه در ظاهر مدعی اسلام اند و لکن فی الحقیقه هر طائفه از انها عقائد مخصوصه دارند که از عقائد مجوسیه و اسلامیّه و مسیحیه ممزوج و مخلوط است **چهارم** و ثنیّه است و ان چند نوع است که از جمله انها بر هیئه است انهابیک خداوند که او را ضابط کل میدانند معتقدند و میگویند که او سه خدا از جانب خود نصب کرده بر همه و و کشن و سیوا و در تحت اینها خدایان بسیاری قائمند که عدد انها بچهار صد هزار میرسد اهل این مذهب بچهار مرتبه منقسم اند که نه وجود و تجار و اهل صنایع و هیچ یک از این مراتب بدیگری مخلوط نمیشود و کسی که در یکی از انها از مادر متولد میشود بغیر ان انتقال نمی تواند کرد و این دیانت بیشتر در بلاد هند وستان شائعست و لکن حال بسیاری از ایشان در خطّ تمدن و تربیت داخل شده اند و باین رتبه ها اعتنائی ندارند و بادیگران که در رتبه دیگر متولد شده اند مخالطه میکنند و دیگران انواع دیانت و ثنیّه بودنیّه است و انها معتقدند که اول ماصدرا ماده عقل است و انرا بوده مینامند و بعد هیولی و سایر موجودات از اینها تکوین شده اند و از جمله عادات این طائفه آنست که اسلاف

اعقاب خود را عبادت میکنند و بیشتر شیوع این دین در چین و سیام و برما و شرق هند وستان و جزائر جاپان است و دیگران انواع و ثنیّه فتنشیّه است و این طائفه هر چه را که نافع و ضار است عبادت میکنند و این مذهب بغیر از میانه سودان در واسط افریقا یافت نمی شود و عدد اصحاب این مذاهب از این قرار است که ثبت میشود

اهل عالم تقریباً	۱۲ . . . . .
و ثنیّه	۶۶ . . . . .
مسیحیه	۳۷ . . . . .
مسلمانان	۱۶۵ . . . . .
یهود	۵ . . . . .

جدول عدد اصحاب ادیان		
بودیّه	۳۵ . . . . .	۱۰۰
برهمنیه	۱۶ . . . . .	
فتنشیّه و بیبا انواع	۱۵ . . . . .	
سنی	۱۱ . . . . .	۱۰۰
شیعه	۵ . . . . .	
هابیه	۴۹ . . . . .	
صوفیه	۱ . . . . .	
روم	۹ . . . . .	۱۰۰
پروتستانیّه	۹ . . . . .	
سناطره و ارمن و اقباط و غیره	۱ . . . . .	



فصلک پنجم در اقسام بشر و لغات آنها چون بعضی از اجناس حیوانا  
از قبیل اسب و سگ و امثال اینها را ملاحظه نمایم می بینیم که آنها  
با اتفاقشان در فصل قریب با انواع بسیاری منقسم اند که هر  
نوعی از آنها از غیر خود بهیئت مخصوص و تکوینی مخصوص ممتاز است  
از این راه میتوان استدلال کرد باینکه اصل آنها یکی است و اختلافی  
که در میان آنهاست عرضی است که از اختلاف اقالیم و اطعمه و امثال  
اینها حادث شده و هم چنین هرگاه در جنس بشر ملاحظه شویم  
میگردد که با اتفاق کلی در جوهریات که مقوم جنس اند با تو اختلاف  
منقسم اند و آن فرق که میان حیوانات است در آنها نیست و اختلاف  
آنها از حیثیت رنگ و شکل و هیئت با اتحاد اصل آنها منافی نیست  
آنها سه قسم منقسم اند اول سفید یا قوقاسی باندشابان به  
قوقاس یا قوه قاف یعنی کوه قاف که در بلاد جرکس میانه بحر خزر و بحر  
اسود است و این قسم از غیر خود سفیدی اندام و نرخی مو و بلند  
جبهه و نازکی دماغ و سفیدی صورت ممتاز اند مثل اهل اورپا  
و نسل آنها در امریکا و سگان غرب آسیا یعنی عرب و فرس و یهود  
و سریان و یمن و زرد یا مغول باندشابان بمغول که قسمی از ترک است  
و بعضی گفته اند که اصل آنها از کوهها آلتائی است که در شمال چین  
واقعست و این قسم از اقسام دیگر بر زردی بشره و کمی و زبری موی  
و استواء صورت و تنگی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز اند  
و این قسم بحسب قامت از قسم اول کوتاه تر اند مثل اهل چین و جاپان  
و شمالی آسیا و شمالی بلاد مسکوب در اورپا و شمالی امریکا و گن  
سگان شمالی امریکا که معروف با سگمو هستند فی الجمله رابطه با نوع

سیم دارند حتی اینکه بعضی گمان کرده اند که آنها از نتایج قسم دوم  
سیم اند که در ازواج اختلاط کرده اند سیم سیاه و این قسم  
سایر اقسام بسیاری بشتره ممتاز است و از برای آن سه فرع است  
اول ملکی بدنسبت دادن آن بشبه جزیره ملقا و آن برنگ زیتونی  
و سیاهی و زیادتی موی با پیچیدگی کمی و تنگی سر و بزرگی دماغ  
ممتاز است مثل ساکنین ملقا و جزایر بحر محیط و جزیره ماداگاسکار  
دوم امریکائی و آن برنگ نحاسی و سیاهی موی و تنگی ریش و  
پستی جبهه و ارتفاع استخوان صورت ممتاز است مثل ساکنین اصلیه  
امریکا سیم و تنگی و آن بشدت سیاهی بشتره و پیچیدگی و سیاهی  
موی و پستی جبهه و ضخامت لب و فراخی دهان ممتاز است مثل  
بیشتر ساکنین واسط افریقا و جنوبی آن و این اقسام در بعضی از بلاد  
با یکدیگر درازد و ازواج مختلطه کردند و مزوج بسیار و نتایج بیشمار  
از آنها پیدا شد که ملکی ساختن آنها را با اصلشان بسیار مشکل است  
اما لغات دنیا ادله بسیار با اتحاد اصل آنها دلالت میکند و لکن  
لغت اصلیه بالفعل مفقود است چه که بمرور ایام و تمادی جیا  
اندک اندک از میان رفته و اقرب لغات بان لغت چین و سالی لغت  
است که از دور حرف مرکب اند پس لغات بحسب نسبت آنها بدلت  
اصلیه سبه فرع تقسیم میشوند اول لغات طورانیه و از جمله آنها  
لغت چینیه و ترکیه است که از جمله آن ترکیه و جرکسیه و مجاریه  
و لغات قبائل شمالی روسیا و سیدیریا است و دوم لغات اریانه  
و از جمله آنها لغات هندی و فارسی و یونانی و لاتینی و مسکوب  
و عسارویه و مزوعات آنها مثل ایطالیانیه و فرانساویه و



۱۴۴۸

فصل ششم

اسپانیولی و انگریزی است سیم لغات سامیه یعنی ارامیه و از جمله آنها عبرانی و سریانی و عربی و قبطی و حبشی و آشوری و بابلی و بربری و مزوع اینهاست **فصل ششم در قاره آسیا**

آسیا قاره آسیا از سایر قارات بزرگتر و وسیعتر و ساکنین آن زیادتر است و در حسن اراضی و تنوع غلات از قارات دیگر اعتباراً کمتر نخواهد بود و از جمله چیزهایی که مزید اعتبار است آنکه خداوند عز و جل آدم را از خاک آن خلق فرمود و از نسل نوح و اولاد او بعد از طوفان این سلسله تجدید شد و از آنجا بقارات دیگر متفرق و پراکنده شدند و در سنوات قدیمه اهل آن بمقامات عالی و درجای سامیه از علوم و صنایع و تربیت و تمدن ارتقا جستند و اهالی قارات دیگر در بحرها و خرافت شناور بودند اما حد و دین قاره از جهت شمال بجز متحد شمالی و از شرق باوقیانوس سیفیکی و از غرب ببقاره اور و پیا و بحر متوسط و بحرها و جنوب باوقیانوس هندی محدود است و مساحت آن ۴۰ میلیون متر مربع است که هر متری یکدراع و ثلث آن میشود و سکنان آن مقدار ۸۰۰ میلیون نفر است و واسط این قاره بمقدار ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ قدم از مساوات دریا مرتفع است و کوههای بلندی که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۲۸۰۰۰ قدم میرسد احاطه باها دارد چنانچه از جهت شمال سلسله کوههای آلتای میانه چین و سیدریات و از جنوب کوههای هالیاد در شمال هندوستان و این سلسله از جهت غرب ممتد است تا اینکه بحال کوه قاف و کوههای آسیا صغری میرسد و بدانکه بحر خزر و بحر ارال از سایر دریاهای

منفصل

در قاره آسیا

منفصل اند و مخرجی ندارند اما بحر ارال طول آن مقدار ۲۷۰ میل و عرضش میانه ۱۰۰ و ۳۰ میل است و آب آن شور است و مردمان پس از تخفیف آبش نمک از آن استخراج میکنند و در بیا باهای مجاور آن اسب و حمار و وحشی و کرک و اهویافت میشود و اما بحر خزر که از آن بحر قرین و بحر دیلم و بحر جرجان و بحر طبرستان نیز میگویند طول آن مقدار ۷۵۰ میل و عرضش مقدار ۲۵۰ میل است و آبش بواسطه امتزاج بنفط تلخ و شور است و در آن انواع بسیاری از ماهی و در کناره های آن بسیاری از پرندگان آب یافت میشود و عبور کشتی بواسطه شدت طوفان آن بسیا خطرناک است و این قاره بچند اقلیم که در هوا و حاصل مختلف است تقسیم میشود چه که در جهات شمالیه سیدریا برودت شدت دارد و هرها از ماه ایلول تا ماه حزیران منجمد میمانند و در جنوبی آن برودت اندکی تلخیف میشود پس هرها از ماه تشرین اول تا ماه ایار منجمد میمانند و در جهات متوسطه قاره در کوهها برودت شدت دارد و بعضی از آنها در آتیا سال خالی از برف میمانند و اما هوای بیا باها و وادیها در اکثر اوقات معتدل است و اما جهات جنوبیه که در منطقه خاره واقعست از ماه نیسان تا ماه تشرین دوم فصل زمستان و بقیه سال فصل تابستان است و بجز این دو فصل فصلی ندارد و در این قاره اجناس بسیاری از حیوانات بریه یافت میشود چنانچه یوز و پلنگ و شیر و کرکدن و در بلاد هندوستان و هند در هرها آن و اصناف بسیاری از مار و هوام در آنجا یافت میشود و در جهات متوسطه روبا و کفتا و کرک و اهو و نوعی از یوز که از یوز هند و سنا کوچکتر است و چنین

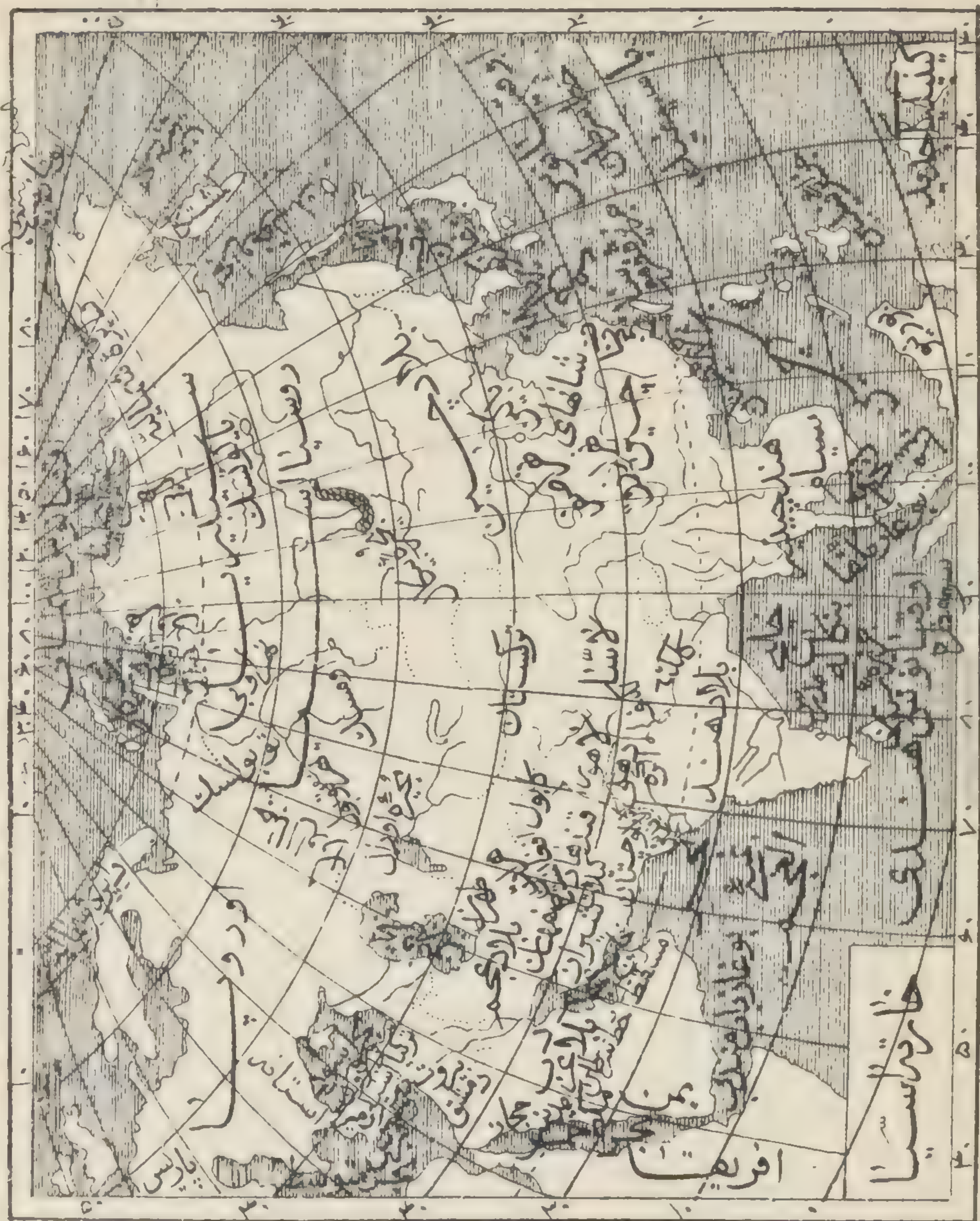


خرس در بعضی از کوهها یافت میشود و در بینا باهای بلاد ترو  
سیدیر یا غزال مشک و انواع دیگر از اهوان و در کوههای سیدیر یا  
نوعی از روباه که پوست آن از پوست روباه جنوب نرم تر است یافت  
میشود و در آنجا سمور و سنجاب بسیار است و اهل آن آنها را صید  
میکنند و گاهی میشود که پوست سنجاب را هزار و پانصد غروش  
و زیاده میفروشند و در بلاد عرب اسبهای خوب و شتر تاحد  
۵۵ عرض شمالی و چهار وحشی تاحد ۴۰ یافت میشود و در این  
قاره انواع طيور از قبیل بخام و طاووس و دره و باز و بوم و انواع  
دیگر یافت میشود و در آن از اشجار و نباتات غیر مالوفه درخت قهوه  
در جنوبی بلاد عرب و قافله و فلفل و زنجبیل و نارچیل و جوز طیب  
و انواع کل و ریاحین و نیشکر در هندوستان و از عقاقیر اینون و  
راوند و خر و صبر و مصطکی و خنظل و کافور و بسیاری از اشجار  
مثل خرما و بلوط و تمهندی و صنوبر و سر و صفصاف و کزوبه  
و بادام و انجیر و غیر اینها یافت میشود و در هندوستان درخت  
تیک که چوب آن از برای ساختن کشتی خوب است و خیزران و صندل  
و درخت بنیان که شاخه های آن بر زمین سر اشیب میشود و در آنجا  
ریش میزند و هر شاخه درختی میگرد یافت میشود و بعضی از  
اهل سیاحت ذکر کرده که یکی از این درختها را مشاهده کرده که قریب  
سیصد شاخه داشته که هفت هزار نفر در زیر سایه آن میتوانند  
که راحت کنند و پودر و اما معادن اینقاره اگرچه قلیلی از آنها کشف  
شده و لکن بسیار است چنانچه بلور در جاهای بسیاری از آن  
یافت میشود و زبرجد در کوههای اورال و لا جورد در نزدیکی

بحره بیکال که در سیدیر یا است و یا قوت در جزیره کیلان و جزع  
در بلاد فارس و خاک خرف چینی در چین و جاپان و الماس در هند  
و لؤلؤ در دریای هند مخصوص در دریای عمان و بحرین و بھرما  
و فیروزج و دیگر معدنهای طلا و نقره و سرب و مس و زغال سنگ  
و نمک و نفط و زیتق و قلع و سنگ مغناطیس و غیر اینها یافت  
میشود و بدانکه بلاد آسیا در زمان قدیم معدن علوم و صنائع  
بوده و لکن حال از حیثیت تمدن و تربیت و هیئت اجتماعی از بلاد  
اوروپا پست تر است مگر اینکه از جهة بعض صنائع مخصوص از باب  
بعضی از چیزهایی که در آنها بافته میشود و منشأ تجارت کلی است ممتا  
است و در تفصیل این قاره از ابده قسم تقسیم میکنیم اول املاک  
روسیا یا بلاد مسکوب در آسیا در قیام بلاد ترک یا مملکت ال  
عثمان در آسیا سیم بلاد عرب چهارم بلاد فارس غربیه پنجم بلاد  
فارس شرقیه یا افغانستان ششم بلاد تتر هفتم هندوستان  
هشتم هند چینیه نهم چین دهم جزایر فصل هفتم در املاک  
روسیا یعنی بلاد مسکوب که در آسیا واقعست و آن از جهت شمال  
بجای متحد شمالی و از شرق ببلوغاز بیرین و بحر کشتکاو و بحر و خوستک  
و از جنوب بکوههای آلتائی و بلاد تتر و جزئی از بلاد عجم و بلاد ترک  
که در آسیا است و بحر اسود و از غرب بحر اسود و هندوکوهها  
اورال محدود است و این را ضی بحسب مساحت از قاره اوروپا  
بزرگتر است چه که مساحت آنها مقدار ۸۰۰۰۰۰ میل مربع و  
مساحت قاره اوروپا مقدار ۸۰۰۰۰۰ میل مربع است و آنها  
بسه قسمت کبری تقسیم میشوند اول بلاد سیدیر یا در قیام بلاد



کوه قاف یعنی بلاد کرج و قرق سیم جزائر قسم اول از آنها  
 بلاد سیبیر یا است و این قسم مقدار ۳۰۰۰ ۵۰۰ میل مربع است  
 و آن مشتمل بر جمیع اراضی است که سابقاً ذکر شد سوای جزائر و جزئی  
 که از جهت شرق میانه خزر و رال و بحر خزر و از جنوب میانه بلاد عجم و بلاد  
 ترک و از شمال و غرب میانه بحر اسود و خرد و ن و نهر و لکا و امتست  
 این جزو تا او اخر جیل ۵ آکه اهل روسیا بجهة تجارت داخل آن شدند  
 مجهول بود و از آنوقت حکم مسکوی بتدریج در آن جاری شد تا اینکه  
 از ناحیه شرق باقصای اینفاره رسید و سگان بلاد سیبیر یاد آن  
 وقت بیشتر از صد قبیله متوحشه بودند که طباع و عادات و لغات  
 و ادیان جمیع مختلف بود و مشهورترین آنها تر بودند که در نواحی  
 خزر ساکن میشدند و بعضی از آنها بت پرست و بعضی مسلمان بودند  
 و در نواحی جنوبیه منغول ساکن میشدند و آنها نوعی از دیانت  
 بودیه بودند و در کناره های خزلینا و خرنینسی و خرمونند  
 ساکن میشدند و دین آنها بت پرستی بود و در جهات شمالیه فین  
 ساکن میشدند و آنها نیز بت پرست بودند و در شمال غربی میانه  
 خرنینسی و خزلینا سمواید ساکن میشدند و آنها بت پرست  
 و بریت بودند و در در و جانب خزلینا یا کوت ساکن میشدند  
 و بیشتر بت پرست مواشی اعتنا داشتند و در طبیعت شبیه تر  
 و در دیانت بمنغول شباهت داشتند و در ناحیه شمال شرقی  
 کناره های خزانادیر کوریاک ساکن میشدند و اهل کشتکادزه  
 جزیره کشتکاسکی داشتند و بعد از آنکه مسکوب این بلاد را  
 شد بسیاری از اهل روسیا و هند وستان و ارمن و یهود و مسلمان





داخل آنها شدند و حکم مسکونی بعضی از اهالی اصلیه آنها را الزام کرد که بدیانت مسیحیه بمذهب کنیسه شرقیه متدین شوند و لکن بیشتر آنها بدیانت خود باقی ماندند و عدد سگان روسیاد در

اسیا از غرباء و اهالی اصلیه آن را اینقرار است

اهل روسیا و غرباء	۷۵۱۶۰۰۰
قبائل بلاد کوه قاف	۸۰۸۰۰۰۰
تر	۱۸۰۰۰۰۰۰
منغول	۳۰۰۰۰۰۰۰
مندشور	۸۰۰۰۰۰۰۰
فین	۶۳۰۰۰۰۰۰
سمواید	۳۰۰۰۰۰۰۰
کوریاک	۳۴۰۰۰۰۰۰
اهل کشتکا	۶۰۰۰۰۰۰۰

مجموع

۸۲۲۴۰۰۰۰

اما عدد آنها باعتبار مذاهب یمنیه از اینقرار است

نصارا از هر طائفه	۸۲۲۴۰۰۰۰
مسلمانان	۱۶۰۰۰۰۰۰
بودیه و غیر آنها	۱۴۴۰۰۰۰۰۰

مجموع

۱۱۲۶۴۰۰۰۰

و در این بلاد سلسله کوههای بسیاری ممتد است که از جمله آنها

کوههای اورال است که میانه سیدیریا و روسیا فاصله است و اول آنها از راس بحر کارا در ۸۱ عرض شمالی است و بعضی گفته اند که اول آنها از جزیره زمبلائی جدید است و این سلسله از جهت جنوب مایل بغرب بمسافت ۱۲۰۰ میل ممتد است و از جمله کوههای سیدیریا سلسله آلتائی است که میانه آن و چین واقعست و شعبه های آن از جهت واسطه قاره ممتد است که از جمله آنها کوههای بیکال است که بحیره بیکال و جنال داور که از جهت شمال شرقی میانه مخرج هرا لینا و هضر عامور ممتد است و ببوغاز بیرین منتهی میشود و احاطه دارد و هضرها این بلاد از اعظم هضرهای آسیا است و از جمله آنها هضر کارا است که از کوهها اورال بیرون میاید و بجهت شمال غربی جاری میگردد و در بحر کارا ریخته میشود و دیگر هضر او با است که از کوههای آلتائی در ۸۱ عرض شمالی و ۹۶ طول شرقی بیرون میاید و بجهت شمال غربی جاری میگردد و در خلیج او بی ریخته میشود و طول آن مقدار ۲۶۰۰ میل است و چند هضر در آن ریخته میشود که اعظم آنها هضر ایرتیش است و طول آن مقدار ۲۲۰۰ میل است و در نزدیکی شهر سمرقود داخل هضر او بی میشود و از جمله هضرهای بزرگ سیدیریا هضر پینیی است که مخرج آن از کوههای آلتائی است و بجهت شمال جاری میگردد و در بحر متجدد شمالی ریخته میشود و طول آن مقدار ۱۹۰۰ میل است و هضرهای بسیار از شرق و غرب در آن ریخته میشود و از جمله هضرهای این بلاد هضر لینا است که از کوههای اورال بیرون میاید و در بحر متجدد شمالی ریخته میشود و طول آن مقدار ۲۰۰۰ میل است و از جمله هضرهایی که بجهت شرق جاری میشود هضر انادیرا است که از کوههای



استنوفوی بیرون میاید و در دریای نادیر ریخته میشود و دیگر  
هزاره است که در دریای او خوشک ریخته میشود اما هزاره  
از کوههای او را بیرون میاید و بجهت غرب جاری میشود پس بجهت  
جنوب بر میگردد و در بحر خزر ریخته میشود و در هر جهت از جهات  
این بلاد بجزرات بسیار است که اعظم آنها بجزیره بیکال است که در قطعه  
ایرکوتسک است و طول آن ۴۰۰ میل و عرضش میانه ۲۰ و ۵۰  
میل است و آب آن شیرین و ایستاده است و در جهت شمالی آن  
جزیره ایست که آنرا جزیره اولکھون میگویند و طول آن ۴۰ میل  
و عرضش مقدار ۱۷ میل است و سگان آن بفلاحه و تربیت  
مواشی اعتماد دارند و در این بحیر چند کوه کوچک که از کوههایی که  
محیط بالست بیرون میاینند ریخته میشود و از جمله بجزرات سیدیریا  
بجزیره جانی است که طول آن مقدار ۱۰ میل است و در نزدیکی آن  
بجزرات و بیشه های بسیاری است و جمیع آنها در بنایان و سیعی که  
آنرا سهل برآب میگویند واقعست و طول آن مقدار ۷۰۰ میل و  
عرضش میانه ۶۰ و ۱۹۰ میل است و این بلاد باعتبار هوا بچهار  
اقلیم قسمت میشود اول اقلیم زمهر که هوای آن بسیار سرد است  
آنرا ضعیفی است که از عرض ۶۷ درجه شمال واقعست و در این  
اقلیم برف روی زمین را میپوشاند و هر ماه مقدار نه ماه بسته است  
در قیما اقلیم باران میانه ۶۰ و ۶۷ عرض شمالی واقعست و در  
برای آن دو فصل است زمستان و تابستان و بجز این دو فصل  
فصلی ندارد سیم اراضی ایست که میانه ۵۰ و ۶۰ عرض شمالی واقع  
است و آنها هر چهار فصل را دارند چهار اراضی ایست که در عرض

۵۰ شمالی واقعست و این اقلیم معتدله است اما در جهات  
شرقیه و شمالیه از شدت برودت و فرط رطوبت احراض غددیه و  
هم چنین در در چشم بواسطه تابش افتاب برف بسیار است و اهل  
انجا بواسطه دفع این مرض برف میاندازند و از جمله حیوانات  
بلاد سیدیریا حمار وحش است که در نواحی بحر خزر یافت میشود و  
رو باده سیاه و غیر آن از انواع این جنس که در کوههای او را یافت می  
شود و دیگر کرکته ببری و سمور و سنجاب و خرس سفید است و در بحر  
شمالی بعضی از اصناف ماهی و در کشتکاکرک دریائی یافت میشود و  
در این بلاد انواع بسیاری از پرندگان نیز یافت میشود و اما  
زنبور عسل در سیدیریا یافت نمیشود و لکن انواع هوام و پیشه  
انواع ماهی در هرهای آن بسیار است و اما اشجار و بناق سیدیریا  
از جمله آنها بلوط و صنوبر است که تا حد ۶۰ عرض شمالی میروید و  
خورد و صفصاف که در کناره ها میروید و در جهات متوسطه  
جنوبیه حبوب بدون عیب ثم می رسد و بنا بر آنچه که حسنا کرده اند  
سه خمس بلاد سیدیریا اصلا قابل فلاحه و زراعت نیست و اما  
مخادن و سنگهای قیمتی و جواهرات این بلاد بسیار است چنانچه  
زبرجد و الماس و بلاتین در کوههای او را و بلور و لاجورد در  
کوههای التائی و نفط و طلا و نقره و سنک مغناطیس و مس و زرنج  
و غیر اینها در جایهای بسیاری از آنها یافت میشود و اما حال صنایع  
سیدیریا چنانچه باید و شاید نیست و لکن بسیاری از آلات  
اهنی و اقمشه صوف و کتان در آن بافته میشود و اما تجارت این بلاد  
بیشتر از راه بنایان بواسطه قافله هائی است که مسافتهای بعیده



طی میکنند و سرمایه تجارت آنها بیشتر پوست و موی و پیه و  
چهارپایان است و با اهل چین بقاشهای صوف و معادن و بار و  
و جوب و مواشی تجارت میکنند و در عوض حریر و پنبه و تن  
و راوند و مشک و غیر اینها از عاقیر میگیرند و این بلاد بچند  
قطعه مختلفه قسمت میشود که از جمله آنها قطعه تو بولسک است و  
ان در جانب شرقی فزاریش است و سگان آن مقدار ۲۰۰۰۰  
نفس است و دیگر قطعه تو موسک است و اهل آن مقدار ۱۰۰۰۰  
نفس است و دیگر قطعه ایرکوتسک است که در جهت غربی بحیره بیک  
واقعست و اهلش مقدار ۱۵۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای  
این قطعه شهر کیاخت است که محل اجتماع تجار مسکوب و اهل چین  
و بعضی از انرا مسکوب و بعضی دیگر اهل چین بنا کرده اند و انرا  
میمامین نیز میگویند و دیگر قطعه اوخوتسک است و اهل آن مقدار  
۱۵۰۰ نفس است و دیگر قطعه شبیه جزیره کشتکاست و اهل  
اصلیه آن تندخو و وحشی اند و بیشتر اعتماد آنها بصید حیوانات  
است که در بلادشان بسیار است و هم چنین ماهیانی که دریا  
از آنها پر است و عدد آنها بمقدار ۲۷۰۰ نفس میرسد و اما اهل  
روسیا که انجا متوطن شده اند مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است و  
در تمام املات مسکوب و روسیا اراضی ایست که از جهت شرق  
میان کوههای اورال و هزارال و بحر خزر و از جنوب میان بلاد  
عم و بلاد ترک در آسیا و بحر اسود و از غرب و شمال میان بحر سو  
و هزارون و هزار و لکا واقعست و این قسم بچهار قطعه قسمتی  
شود کاسان و اورنبرج و استرخان و کوه قاف اما قطعه کاسان که

که از کازان نیز میگویند در جانب هزار کما و هزار و لکا واقعست و  
از جمله شهرهای مشهوره آن کاسان است که میان آن و هزار و لکا  
مسافت سه میل است و سگان آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است  
که ۱۲۰۰۰ نفس از آنها تراس است و تجارت آن بابتورسبرج و  
ارکانکل و استرخان و تو بولسک و موسکو و اورنبرج است و  
تجارتش کندم و عسل و شمع و صابون و پوست و اسب است و  
اما قطعه اورنبرج در زمان قدیم قصبه آن شهر اورنبرج بوده  
و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرهای آن اوقاست  
که مقدار ۶۰۰۰ نفس در آن ساکن است و آن حال قصبه آن  
قطعه است و اما قطعه استرخان قصبه آن شهر استرخان است  
در آن چند کارخانه از برای ساختن قماشهای پنبه و بارود و استخراج  
نمک و رنگ کردن نقشه موجود است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰  
نفس است و سرمایه تجارتش پوست بز و پیه و شراب و کاه و ماه  
است و آن مرکز تجارت و سیعی است میان روسیا و بلاد عم و  
بخارا و اما خاکش چندان مرغوب نیست و لکن کندم و تن و توت  
بدون عیب در آن ثمر میرسد و میوه هایش مشتمی و مقوی است  
و در کناره های هزارها و جزائر هزار و لکا مرتعهای بسیاری است  
اهل این قطعه مقدار ۱۹۰۰۰۰ نفس از اسباط مختلفه مثل  
روس و ارمن و تر و کلوت و قرق و هنود و کوچ است و از جمله  
این قطعه هزار و لکا است که طول آن مقدار ۲۵۰۰ میل است و  
کشتیها و زورقها مقدار ۲۰۰۰ میل در آن بالا میروند و دیگر  
هزار و لکا است که طولش مقدار ۴۵۰ میل است و دیگر هزار



کوماست و آن نهر کوچکی است و اما قطعه کوه قاف هوا و حاصل آن  
مختلف است چه که برودت در کوهها شدت دارد و بعضی از آنها  
مثل البرز که مقدار ۵۰۰ قدم ارتفاع دارد در مدت سال خالی از  
برف نیست اما جهت جنوبیه و وادیها و بیا باها هوای آنها معتدل  
جمع غله های اقالم معتدله در آنها یافت میشود و این قطعه بچند  
قسم مختلف تقسیم میشود که از جمله آنها بلاد کرج است در جهت  
جنوبیه کوه قاف و هوای این بلاد معتدل و خشک است و از جمله  
میوه های آنها بادام و زردالو و کلانی و انجیر و انار و انگور است و  
از جمله معادن آنها مس و قلع و آهن است و از جمله نهرهای آنها نهر کور  
و نهر رس است و اما اهل آنها مقدار ۲۳۸۰۰۰ نفر از طوایف  
کرج و ارمن و تراک و یهود است و از شهرهای مشهوره این قسم  
تفلیس است و اهلیش بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسد و در زمان  
قدیم تفلیس و ایروان و قریه های آنها تابع قسمی از بلاد عجم بوده و  
در سنه ۱۸۲۹ تابع مسکوب گردید و از جمله اقسام این قطعه  
قسمی است که آنرا ایمیر پتیا مینامند و حدود آن از شمال کوه قاف  
و از شرق بلاد کرج و از جنوب بلاد ترک و از غرب بحر اسود است  
این قسم در زمان قدیم جزئی از بلاد خلیجس بوده و حاصلهای آن  
مثل کرجستان است و اهل آن مقدار ۱۶۵۰۰۰ نفر است  
در جهت شمال این قسم قبیله اباسیه اند و ایشان صاحب مکر و  
حیل و شر و فتند و با ارمن و تراک بوست و رو باه و غسل  
و شمع و چوب بفس تجارت میکنند و دیگر اقسام این قطعه بلاد  
جورکس است که در جهت شمالیه جبال کوه قاف است و نهر کوبان

که در بحر اسود ریخته میشود و نهر ترک و نهر کوما که در بحر خزر  
ریخته میشوند در این بلاد جاری میکردند و اهل این قطعه بقیه  
مختلفه منقسم اند و جمیع مقدار ۴۷۰۰۰۰ نفر اند که بظن  
در تحت حکم مسکوب و فی الحقیقه اکابرشان بر آنها حکومت دارند  
و ایشان بسیا صاحب مکر و حیل و خباثت اند و بیشتر اعتماد  
باسب و چهارپایان است و بسرقت و هب و غارت اشتغال دارند  
و دیگر اقسام این قطعه بلاد داغستان است و اهل آن مقدار  
۲۰۰۰۰۰ نفر از جرکسیه و ترکمان و ارمن و یهود است و از  
جمله نهرهای آن نهر سمورا است و از جمله شهرهای آن دربند است  
و دیگر بلاد شروان است و حدود آنها از جهت شمال داغستان  
و از شرق بحر خزر و از جنوب قطعه کیلان و از ربا یحان و از غرب  
کرجستان است و عدد اهل آنها از فرس و ارمن و ترکمان و یهود  
مقدار ۱۲۰۰۰۰ نفر است و سرمایه تجارت آنها تنبا و زعفران  
و ایون و نفت و ماهی است و از اصول شهرهای این قسم باکو است  
و تجارت آن در اشیاء مذکوره بخصوص در نفت و تسبیح است  
جوس فرس و هند از شهر مقدس میدانند و بواسطه فوآرت نفطی که  
در آنست قصد آن مینمایند و اهالی اصلیه این قطعه بحسن و جمال  
مشهور اند و از آنجا بسیاری از کنیزان و غلامان را میگیرند و در  
بلاد عثمانیه و فارسیه میفروشند قسم سیما از بلاد مسکوب  
در آسیا جزا است و از جمله آنها جزا ژسیدریای جدید است که  
در بحر شمالی واقعست و کسود راها ساکن نیست و بعضی از جزیره  
های کوچک که در بوغاز پیرین است و سلسله جزا ژا کوتیان و



جزائر غالب که میانه کشتکاست و جزائر کوریل که در جهت جنوب  
کشتکاست و بمقدار ۲۶ جزیره مشتمل است و بزرگترین آنها  
که جنوبی آنهاست تابع مملکت جاپان است **فصل نهم**  
**بلاد ترک و ان عثمانیه** است در آسیا بدانکه املاک وسیع  
از دولت عثمانیه در آسیا واقعست و آنها از جهت شمال بجزر  
و بحر اسود و جزئی از کرهستان و از شرق نیز بجزئی از کرهستان  
و مملکت عجم و از جنوب بخلیج عجم و بادیه شام و بلاد عرب و بحر رو  
و از غرب نیز بجزر روم و بحر مرمر و بوغاز کلیبولی که در دنیای  
میگویند و بوغاز قسطنطنیه محدود است و معظم طول این بلاد  
مقدار ۱۰۰۰ میل اعتیادی و معظم عرض آنها مقدار ۹۲۰ میل و  
مساحت آنها ۱۰۰۰۰۰ میل مربع و سکن آنها ۱۰۰۰۰۰۰  
نفس است و این مملکت بشش قسم تقسیم میشود اول آسیای  
صغری و آن براناضول است در قیمازمیدیا و آن بلاد ارمن است  
سیم کردستان و آن بلاد اگراد است چهار جزیره که میانه  
خرات و دجله است پنجم عراق عربی که نزد راس خلیج عجم است ششم  
سوریه و فلسطین که آنرا بر شام میگویند قسم اول آسیا صغری  
و جزائر تابعه آنست و آنرا براناضول مینامند و حد و آن از  
جهت شمال بجزر مرمر و بحر اسود است و از غرب بوغاز قسطنطنیه  
و بحر مرمر و بوغازیکه آنها را بیکدیگر وصل میکند و از جنوب بحر رو  
و از شرق خط مفروضی از راس خلیج اسکندرون بجهت شمال شرق  
تا جاییکه کوه لکام و کوه کورین که قلهاء آنرا کوه طور و سیاکوه ثور  
نامیده اند بیکدیگر میرسند و از آنجا بسراپین کوهها تا ثغر نوش و

نزدیکی خرافات و از آنجا بکوههاییکه تالی غربی خرافات است تا نزدیکی  
۴۰ عرض شمالی و ۴۲ طول شرقی تا اینکه بحد بلاد ارمنیای غرب  
برسد و حد شرقی بحر اسود منتهی گردد و عرب این بلاد را ارض روم  
نامیده بواسطه آنکه تابع قیصر روم و قسطنطنیه بوده و در این  
ایام شهرهاییکه در نزدیکی حد ما بین املاک مسلمان و املاک روم  
واقعست ثغور شام و جزیره مینامند و از جمله آنها ملطیه و حدث و  
مرعش و هارونیه و عین زربه و اذنه و طرطوس است و ابواسحق  
اصطخری در کتاب قایلیم ذکر کرده که در شام ثغوری است که بعض  
انها ثغور شام معروف و بعض دیگر ثغور جزیره موصوف و هر دو  
از شامند بواسطه آنکه هر چه ما وراء آنست از شام محسوب میشود  
و آنرا که این بلاد را بسه قسم تقسیم کرده اند اول اناضولی در شمال  
عربی و دوم قرمان در جنوب شرقی سیم ارض روم در شمال شرقی و  
هم چنین بایالتهای مختلفه نیز تقسیم شده مثل ایالت اناضول و قرمان  
و سیواس و طرابزون و قونیا و مرعش و اذنه و پنیون و بدانکه در بلاد  
اسکیا صغری سلسله کوههای بلندی ممتد است که از جمله آنها سلسله  
کوه ایداست در جهت شمال غربی که ترکها آنرا قره طاغ مینامند و دیگر  
سلسله کوههای طور و ساست که از جهت شرق در جهات جنوبیه  
ممتد است و میانه این سلسله و دریای روم بیا بانی فاصله است  
و این سلسله بکوه لکام که از جنوب در سوریه ممتد است متصل  
میشود و در شمالی این سلسله سلسله دیگری است که بحسنه  
طاغ منتهی است و اما از کی طاغ که بمسافت ۱۱۰ میل در جنوبی شهر  
قیساریه است بلندترین کوههای اسکیا صغری است چه که ارتفاع



ان مقدار ۱۳۱۰۰ قدم است و از دور بمسافت ۱۵۰ یا ۱۸۰ میل نمایان میشود و اما کوه اولبوس که در کتب قدما مشهور است در نزدیکی شهر برسانست و حال آنرا اناضولی طاغ مینامند و ارتفاع مقدار ۹۱۰۰ قدم است و اما اراضی که میانه هر سکاریا و قزل ارمق واقعست بکوهها و شعبه هائیکه به الکس طاغ نامیده میشود مشتمل است و در این نواحی زلزله بسیار واقع میشود چنانچه بعضی ذکر کرده اند که در ایام طبیار یوس قیصر بواسطه زلزله سیزده شهر را میکا صغری در یکدور خراب شد و از کوههای این بلاد نهرها بسیار بدیاهائیکه احاطه با آنها دارند سر اشیب میکرد و لکن بیشترین نهرهای کوچک است و بزرگترین آنها بطرف شمال جاری میشود و آن نهرها لیس است که حال بقزل ارمق موسوم است و از دوهنر مجتمع است که یکی از آنها شرقی و دیگری جنوبی است که در نزدیکی شهر بستان از حسن طاغ بیرون میاید و اول بطرف غرب در وادی بستان جاری میشود تا اینکه بنهر ابرکلی میرسد پس بجهت شمال بر میگردد اما مخرج شرقی در شمال شرقی سیواس است و بطرف غرب جاری میشود تا اینکه بجنوبی میرسد و از آنجا میآید کوهها جاری میشود تا اینکه در ۲۵۲۳۴۱ عرض شمالی ۴۵۱۱۴۱ طول شرقی در بحر اسود ریخته میشود و طول آن با قطع نظر از انحراف مقدار ۴۰۰ میل است و اما نهر ابرکلی که حال به پیشیل ارمق مستمی است از نهرها لیس کوچکتر است و از التقاء سه نهر مجتمع است که دو نهر آنها از جنوب نزدیک شهر اما سینا بیکدیگر میرسند و سیم در وقت جریان از شرق نزدیک شهر شکم با آنها میرسد پس

بجهت شمال مائل بشرق جاری میشود و در نزدیکی شهر سمسون در بحر اسود ریخته میشود و طول آن از مصبش تا مخرج نهر شرقی که در نزدیکی قره حصار است مقدار ۲۰۰ میل است و اما مخرج نهر فنیسا در کوههائی است که میانه آنها نیکه بفرات و بحر اسود جاری میشود فاصله است و بیشتر جریان آن در جهت شمال غربی بمسافت ۱۶۰۰ میل است و در بحر اسود ریخته میشود و اما نهر سکاریا مخرجش در اواسط بلاد است و اول بجهت شمال غربی جاری میشود و پس از آن بشمال شرقی و در بحر اسود ریخته میشود و طولش مقدار ۲۵۰ میل است و نهرهای کوچک بسیاری بان میرسد و از جانب غربی مراد طاغ نهرهای بسیاری سر اشیب میکرد و در بحر روم ریخته میشود و از جانب غربی قره طاغ چند نهر در بحر مرمر ریخته میشود اما نهر هائیکه در بحر روم ریخته میشود اعظم آنها نهر میاندراست که حال غریم کلی نامیده میشود و دیگری بونک مندر است که مخرجش در مراد طاغ است و بجنوب غربی جاری میکرد و در نزدیکی ۲۰۷۲۰ عرض شمالی در بحر روم ریخته میشود و نهرهای کوچک بسیاری از شمال و جنوب بان میرسد اما نهر هائیکه بجهت جنوب جاری میشود اعظم آنها نهر سیحون است که مخرجش در وجه شمال کوه طوروس است و در بحر روم ریخته میشود و اما هوای این بلاد خوش و اعتدالش از هوای بلاد اوروپا که در عرض معادل آنها بیشتر است و این بواسطه آنست که کوهها گرمی هوای تابستان و دریاها سردی هوای زمستان را تلطیف میکنند مگر اینکه در اماکن جنوبی حرارت شدت دارد و در نواحی بحر اسود رطوبت



زیاده است و در آسیای صغری در نزدیکی طوقات و قونیا و کثر  
خانه تا جنوبی طرابزون معدنهای مس و نقره یافت میشود و لکن  
حال زیاده از ثلث آنچه قبل از آن استخراج میکردید استخراج  
نمیشود و در جمیع کوههای مجاوره فرات و بحر اسود دلائل  
و آثاری بر یافت شدن مس در آنها مشهود است و در نزدیکی شهر  
کیر معدنهای طلا و نقره یافت میشود و در کتاب عزقیال بعین  
مذکور است که تجارت قوم توبال و مساخ در ظروف مس بوده  
و آنها در این زمین ساکن بوده اند و دیگر معدنهای آهن که اهالی  
انجا فولاد از آن میسازند نیز یافت میشود و در زمان قدیم و بحیر  
در افاضولی و طلا در لیدیا و بلور در فنتوس و انواع مرمر در جهات  
متوسطه یافت میشده و لکن بعضی از این معادن در این ایام خالی  
بعضی دیگر بواسطه عدم اعتناء دولت و اهالی بیفائده است و  
در زمان قدیم سنک مغناطیس در لیدیا یافت میشده و این  
اسم از مغنیط اخذ شده و آنها قومی بودند که در نواحی شهر غنیشیا  
ساکن میشدند و در انجا سنک لیدیا که سنک محلی است نیز  
یافت میشود و از جمله حاصله های این بلاد جمیع انواع  
حبوب و مصطکی و تهرندی و رز و پنبه و سر و صنوبر و نوعی  
زبلوط است که عفت از آن چیده میشود و آن دوائیست قابض  
و مجفف که اعضاء سست را محکم میکند و دیگر زردالو و شفتالو  
و سیب و درخت بق که از ابوقیصانیز می نامند و برگی قره اغاح  
میکوبند و درخت و شیخ و صفصاف و گرد و لیمون و پرتقال و  
انار و انواع خربزه و امثال اینهاست و بعضی ذکر کرده اند که

شاخه درخت رز در آن کاهی با اندازه غلظت جسم انسان میشود  
و در جنگلها و بیشه ها بد درختها بالا میرود و این بلاد با وجود این  
که خاکش خوب و اشجار و نباتات و جمیع انواع حبوب راها یافت  
میشود مع ذلك محروبه و ساکنین آنها بالنسبه بوسعت و برکت  
و فراوانی نعمت آنها کم است و از جمله حیوانات آسیا صغیر اسب  
تو کمانیه و کاسیا و کوسفند و بز است و در نواحی شهر انکورا  
نوعی از بز یافت میشود که مویش دراز و در نازکی و لطافت شبیه  
حریر است و از آن شالهایی بافته میشود که معادل شالهای  
کشمریست و در انجا نیز نوعی از کوسفند یافت میشود که پشمش  
خوب ممتاز است و در هر سال دو مرتبه انرا میبرند و دیگر نوعی  
از کوبه که جثه اش بزرگ و مویش بسیار نرم است و در کوهها  
آن بسیاری از حیوانات و پرندگان بیابانی یافت میشود و  
اما تجارت این بلاد از طرف بر و بحر هر دو میشود و لکن بیشتر  
تجارت طرف دریا با فرنگها و رومیهاست و اما طرف خشکی با  
ارمن است و بیشتر مرکز آن شهر از میراست و سرمایه تجارت  
آن حریر و انجیر و موی بز و پشم کوسفند و شتر و پنبه و پوست  
بز و باغی شده و عفت و کهرباء و لاجورد است و دیگر بعضی از  
عقاقیر مثل فیون و مشک و راوند و قنّه که بلغت فارسیه  
انرا برزد میکوبند و بعضی از چیزهایی که بافته میشود مثل طنا  
و فرش و از آن میرقا ایدین در داخل بلاد خط آهن کشیده شده  
و بواسطه آن تجارت آنها بسیار وسیع است و در شهر برسا  
مناسب حریر و در شهر ماسیا مناسب کتان فراهم و مهیاست



واهل اسياى صغر ترك وارمن وروم و تركمان و كوداند و هرگاه  
 بلاد ارمن بان اضافه شود مقدار سه خمس اهلى ارمن و روم اند  
 وارمن زياده تر از روم است و بعل تجارت مشغول و محبت مال  
 منال موصوفند و اما روميها بعضى از آنها تجارت امور معاش خود  
 ميكنند و بالفطره صاحب مكر و حيله و دروغ و كينه اند و هر  
 وقت كه مرد صالحى در ميانه ايشان ظاهر شد بقتل يا نفي او قيام  
 كردند چنانچه بسقراط حكيم و ارستيدس و غير آنها نمودند و آنها  
 خوردن گوشت را در روز جمعه مذموم دانسته و كمال تحاشى از  
 آن دارند و اما تركها بعضى از آنها بعل زراعت و بعضى بخر و صنايع  
 اشتغال دارند و در عمل مس و فولاد يدي طولى دارند و اما تركها  
 قبائل مختلفه اند و از براى هر قبيله شيخ يا اميرى است كه بر ديكران  
 استيلا دارد و اعتماد آنها با سبب موافقى است و نى الحقيقه آنها  
 ترك اند كه بحالت اصليه خود كه در نواحى بلاد تر بوده اند باقى  
 مانده اند و در زدى از ايشان كمتر ديده ميشود بخلاف اگر اكراد كه  
 مشهورترين خصلت آنها سرقت و هب و غارتست و بيشتر آنها  
 در نواحى مرعى و حدود جزيره ساكنند و اما شهرها  
 اسيا صغرى از معروفيت سابقه تنزل نموده و جانب عظيمى از آن  
 خراب و ويران است چنانچه افسس و لاذقيه و سرديس و مليطوس  
 كه از شهرها مشهوره بوده اند بغير از آثار مندرسه چيزى از  
 آنها باقى نيست و مشهورترين شهرهاى آن در اين ايام شهر ازمير  
 است كه در رأس خليج ازمير واقعست و مولد هومير و سس  
 يونانيست و يكي از هفت كنيسه كه در سفر و زيارت كوداست

اين شهر واقعست و اين شهر قريب ده مرتبه بواسطه زلزله و جنگ  
 خراب شده و حال ساكنين آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفر است كه مقلد  
 ۵۰۰۰ از آنها ترك و ۳۵۰۰۰ روم و ۱۰۰۰۰ ارمن و ۱۰۰۰  
 نفر فرنگ است و سرمايه تجارت آن حرير و پنبه و پشم و موى بز  
 طناب و فرش است و ديكر انجیر و مويز و بعضى از عقاير و بعضى  
 از جواهرات و در جنوبى از مير شهر افسس قديم واقعست و از آن  
 سواى بعضى آثار و بعضى پلها كه هيكل ارطاميس در روى آنها  
 بنا شده چيزى باقى نمانده و اما شهر غزل حصا همان شهر مغنيسيا  
 قديم است رحال محيطش مقدار ۴ ميل است و تجارت پنبه و  
 غزل در آن وسيع است و آثار هيكلى با سبب ارطاميس در آن باقى  
 مانده و بوستانهايش وسيع و بدرخت سرو و پرتقال مشحون  
 است و اما شهر مديطس قديم در نزديكى مصب نهر ميندر در  
 جانب جنوبى آن واقعست و حال بغير از بعضى آثار چيز ديكر از  
 آن باقى نيست و در جهت شرقى از مير بمسافت ۵۰ ميل  
 بلده ايسست كه انرا سرت ميگويند و اين بلده همان سرديس قديم  
 است كه قصه مملكت ليديا بوده و از آثار قديمه آن كه حال باقى  
 مانده معلوم ميشود كه زمان قديم بلاد عظيمى بوده و در جهت  
 شمالى سرديس قريه اق حصا واقعست و اين همان شهر ثياتيره  
 قديم است و طول آن ۲۷۳۸۱۵ شرقى و عرضش ۳۹۵۱۰  
 شمالى است و در آن مقدار ۱۰۰۰ خانه است كه مقدار ۳۵۰  
 از آنها روم و ۲۵۰ يا ۳۰ ارمن و باقى ترك اند و در جهت شرقى  
 سرديس قريه الله شهر واقعست و اين همان شهر فيلادلفياست



قدیم است و اهلش در عمل صباغت مشهور و معروفند و بواسطه  
آنکه در یکی از طرق از میر واقعست تجارتش کم نیست و در جنوب  
شرقی الله شهر شهر لا ذقیه قدیم است که حال آنرا اسکی عصارمی  
نامند و در نزدیکی آن شهر در نزولواست که غوطه شبیه بغوطه دمشق  
دارد و در سنه ۱۷۸۵ بزلزله عظیمی که مقدار ۱۲۰۰۰ نفس در آن  
هلاک شدند خواب گردید و در این وادی علامات ۲۰ آثار بزرگ  
بسیاری است و بواسطه کثرت حدوث زلزله در این اراضی آنها را  
بلاد محترقه نامیده اند و در جهت شرقی اسکی حصا بمسافت چند  
میل شهر کولوسایس قدیم واقعست و در جهت شمالیه از میر شهر  
برخا واقعست و این همان شهر برغاموس قدیم است و اهالی آن مقدار  
۵۰۰۰ نفس از ترك و ارمن و روم و یهود است و در آن جامع  
بزرگی است که بعضی گفته اند کنیسه بشارائی است که یوحنا  
کاتب و معلم آنها بوده و در زمان قدیم کتابخانه در آن بوده که  
بمقدار ۲۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل بوده و بحسب آنچه مشهور و  
معروف است جالینوس حکیم در این شهر تولد یافته و اما شهر بربا  
طولش مقدار ۲۷۸۵ شرقی و عرضش مقدار ۲۷۲۴  
شمالیست و در طرف جنوبی شرقی وادی یا بقعه واقعست که  
طولش مقدار ۲۰ میل و عرضش مقدار ۴ میل است و بناهای  
این شهر زیچوب است و از این جهت غالباً آتش میگیرد و بازارها  
آن تنگ و اهلش مقدار ۴۰۰۰ و بعضی ۶۰۰۰ نفس ذکر کرده اند  
و در زمان سابق پای تخت سلاطین عثمانیه بوده و در آن کار  
خانه های بسیاری است که قماشهای حریر را آنها بافته میشود

و اما شهر نیقیای قدیم که حال آنرا از نیک مینا مند در طرف شرقی  
بحیره که متصل بخلیج جنوبی بحر مر است واقعست و از سنگهای  
شهر قدیم بنا شده و قابل ذکر نیست و در طرف شرقی خلیج دیگری  
که از بحر مر امتداد است شهر نیکومیدیا قدیم واقعست که حال  
آنرا از نیکید مینا مند و قسطنطین ملک در آن وفات یافته و بم  
مقدار ۷۰۰۰ خانه مشتمل است و در جهت شمال غربی آن شهر  
خلکیدون قدیم واقعست و حال در آن غیر از بوستانها و درخت  
در چیزی نیست و اما شهر اسکودار که متجه قسطنطنیه است  
اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و قافله هائیکه از داخل بلاد  
میانند و بقسطنطنیه میر و نوازان عبور میکنند و اما شهر هائ  
که در ریف بحر اسود واقعست از جمله آنها شهر سمسون است که  
در ۳۸ طول شرقی و ۴۳ عرض شمالیست و اهلش مقدار ۳۸  
نفس است و دیگر شهر طرابزون است که اهلش مقدار ۲۵۰۰۰  
نفس است و آنرا ادریانوس ملک بنا کرده و سلطان سلیم اول  
مدتی در آن اقامت داشته و از جمله شهر هائیکه در ریف بحر روم  
یا نزدیکی آن در جنوبی بلاد واقعست شهر اذنه است و بوسط  
وسیعته که از جمله اشجار آنها رز و توت و زرد الو و انجیر و زیتون  
است احاطه بان دارد و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و  
ابو الفداء ذکر کرده که احمد کاتب گفته که این شهر از بناهای رشید  
است که طرطوس را نیز بنا کرده و شاید که مقصود احمد از بنا  
اصلاح و تعمیر باشد چه که آنها پیش از زمان رشید بنا شده اند  
و یا قوت در مشترک ذکر کرده که اذنه شهر مشهوری است







شهر قدیم خرابه های هیکل جو بتیر و هیکل دیگری باقی است و  
اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفس از مسلمان و ۵۰۰۰ از نصاری  
و ۲۰۰۰ از یهود است و هر سال مقدار ۵۰۰۰۰ اقه پشم و  
مقدار زیادی مصطکی و صمغ و شمع و عسل و پوست بز از  
انجا ببلاد دیگر میرود و از جمله شهرهای آسیای صغری شهر  
اماسیاست در طول شرقی ۲۶۱۲ و عرض شمالی ۴۰۲۰ و  
در وادی که در دو طرف نهر اریس است واقعست و پوستها  
بسیاری دارد که باد لولوها را آب میدهند و اهلش مقدار ۵۰۰۰  
نفس است و بیشتر آنها نصاری هستند و استرابون مشهور  
که در جغرافیا صاحب مؤلفات کثیر است در آن تولد یافته و از  
جمله شهرهای آن توقات است در عرض ۵۵۹۳ شمالی و طول  
۳۶۳ شرقی و بمسافت ۱۸ ساعت از اماسیاد در جهت جنوب  
شرقی واقعست و تجارت بریه آن وسیع است و سرمایه اش سینه  
الآت و اقمشه حریر و پوستهای بز است که بزرگ نبود و باغی  
و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است و از امهات شهرها آسیا  
صغری سیواس است که در جهت جنوبی توقات بمسافت ۴۰ میل  
در نزدیکی یکی از مخزنها ی نهر فرات واقعست و اهلش به  
تربیت اسب اعتماد دارند اما شهر قدیم آن به در جهت جنوب  
غربی سیواس بمسافت ۳۹ ساعت واقعست و اهلش مقدار  
۲۵۰۰۰ نفس است که ۵۰۰ از آنها ارمن و ۳۰۰ روم و  
۵۰ یهود و مابقی ترک است و این شهر مرکز تجارت و سیاحت  
بخصوص در پنبه و آنچه از آن بافته میشود و اما شهر ملطیه در

نزدیکی فرات و مصب نهر قره صو واقعست و اهلش مقدار ۱۱۰۰۰  
نفس است که ۱۰۰۰ از آنها اسلام و ۳۰۰۰ ارمن است و  
در زمان قدیم از شهرهای مشهوره بوده و لکن حال از عظمت  
قبل بسیار تنزل کرده و ابوالفداء ذکر کرده که آن شهر بیست و  
اشجار و میوه ها و نهرها و در نزدیکی کتخا و کر و شمالی زبطه  
واقعست و مسافت میان آن و کتخا و کر کرد و منزل و میان آن  
و زبطه منزل بزرگ است و از برای ملطیه قناتهای بسیاری  
است که داخل آن میشود و در خانه ها و کوچه ها میکند و کوهها  
بعیده بان احاطه دارد انقی و ابواسحق صطری ذکر کرده که  
ملطیه شهری بزرگ و از بزرگترین ثغور و ستور است و کوهها  
بسیاری که کرد و و سایر میوه های آنها فراوان و بیصاحت  
بان احاطه دارد انقی و ظاهر آنست که موقع حالیه آن غیر از  
موقع قدیمی است و در جنوب ملطیه شهر سمیلساط و در غربی  
سمیلساط شهر مرعش و در جنوب غربی مرعش عین زربه واقع  
است و جمیع اینها از جمله ثغور و ستور اند و بعضی آنها را از شکار  
و بعضی از اسبها شمرده اند و لکن بحسب حدیثیکه در اول  
این فصل ذکر شد از اسبها شمرده اند و لکن بحسب حدیثیکه در اول  
در این قسم ذکر شد : اما جزا اثر تابعه این قسم از املاک  
عثمانیه در آسیا جزیره مرمر و جزیره اردا کوی و غیر اینهاست  
که در بحر مرمر واقع است و دیگر جزیره تیندوس است که در  
نزدیکی مدخل بوغاز در دنیل است و بواسطه آنکه در اشعار  
هومیر و س یونانی و فرجیلیوس رومانی ذکر شده مشهور و معروفست



وایشان آنرا بغنی و برکت و فراوانی نعمت و صف کرده اند و دیگر جزیره متلینواست که آنرا السبوس نیز میگویند و از زمان قدیم به خوبی شراب و حسن زنان و خوش اوازی مغنیان مشهور و تا حال هم بهمین منوال باقی است و هوایش بسیار خوبست بقسمی که گویا تمام سال فصل بهار است و در آن درخت رز و زیتون و مصطکی و دیگر انواع میوه ها بسیار است و زمینش بچشمه ها و جویهای بسیاری که از کوهها سرایش میشود سیراب میگردد و طول این جزیره مقدار ۳۶ میل از میلهای جغرافیه است و عرضش مقدار ۲۵ میل و محیطش مقدار ۱۰۰ میل و اهالش مقدار ۴۰۰۰۰ نفر است و دیگر جزیره شیواست که بواسطه زیادتی مصطکی آنرا جزیره مصطکی نیز میگویند و در آن انواع میوه های بسیار میشود و دیگر جزیره ساموس است که مولد فیثاغورس فیلسوف معروف است و بمسافت ۴۲ میل در جنوب شرقی شیو واقع است و طولش مقدار ۲۴ میل و عرضش مقدار ۱۲ میل و محیطش ۷۰ میل است و در آن دو سلسله کوهست که ارتفاع بعضی آنها بمقدار ۴۷۵۲ قدم میرسد و از جمله حاصلهای آن حبوب و انکور و انجیر و انواع خرزهره و انار و امثال اینهاست و اهالش مقدار ۶۰۰۰۰ نفر است و در جهت غربی آن جزیره نیکاریاست و اهالش فقیر و بی بضاعت و صاحب کبر و نخوت و خودشانرا از سلاله قسطنطین ملک میدانند و از آن دو دماغه میشمارند و مثل معروف که میگویند از استر سؤال کردند که پدر تو کیست جواب داد که حصان خالوی من است در حق آنها

صادق است و عدد آنها مقدار ۳۰۰۰ نفر است و دیگر جزیره ستانکیواست که مولد بقراط طبیب مشهور است و دیگر جزیره بطس است و آن جزیره ایست که یوحنا ی رسول را بان نفی کردند و کتاب رؤیا را در آنجا نوشت و دیگر جزیره کرید است که آن را قریطش نیز میگویند و طول آن مقدار ۱۷۲ میل و عرضش مقدار ۲۵ میل و محیطش ۵۰۰ میل است و میوه و چوب و سایر حاصلهای آن بخصوص زیتون بسیار است و از جمله شهرها آن کانیا است که در جهت شمال غربی واقعست و اهالش مقدار ۱۵۰۰۰ نفر است و دیگر جزیره کنديا است که در جهت شمالیه واقعست و اهالش مطابق کانیا است و در زمان قدیم قومی از عرب داخلان شدند که تا هنوز در ریوای کوه ایدا باقی اند و بلغت عربیه تکلم میکنند و بیشتر اهل این جزیره ترک و روم و مردمان جاهل و نادانند و دیگر جزیره رودس است که طولش مقدار ۴۰ میل و عرضش مقدار ۱۵ میل و محیطش مقدار ۱۲۰ میل است و هوایش خوش و معتدل و خاکش خوب و مرغوب و در زمان قدیم حاصلهای آن بسیار بوده و حال کنونی آن بسیار از لوازم معیشت محتاج بخارج است و لکن شراب و بعضی میوه ها در آن یافت میشود و نشیمن آن شهر رودس است که در جهت شمال شرقی واقعست و اهالش مقدار ۵۰۰۰ نفر است و ترک و ۱۰۰۰ نفر از یهود است و دیگر جزیره قبرس است که از حیثیت و سعت سیاهی جزائر بحر متوسطست و طولش مقدار ۱۴۰ میل و معظم عرضش ۶۰ میل است و ساکنین حالیه آن مقدار ۷۰۰۰۰ نفر است و از جمله



شهرهای آن نيقوسیه یا فقسیه است و آن در اواسط جزیره  
در بیا با نیکه کوهها بان احاطه دارد واقعت و زمان قدیم  
ملوک قبرس بوده و دیگر شهرهای نیکه است که در جنوب شرقی  
واقعت و مقرقوسوهای دول خارجه است و از جمله حاصلها  
قبرس توت و زیتون و سر و صنوبر و اس و شقائق نغان و حبس  
و خشخاش و انواع بسیاری از میوه ها و حبوب و پنبه است  
شرابش مشهور و معروف و حریرش خوب و بسیاری از حیوانات  
و طیور اهلیه و چند نوع از طیور بریه و از حیوانات بریه روباه و  
خرگوش در آن یافت میشود و مارش بسیار است و زهر بعضی  
از آنها مهلك است قسمی هم از املاک عثمانیه در آسیا  
ارمینیه یعنی بلاد ارمن است و آن از جهت شمال بحر اسود  
و کرجهستان و از شرق بکرجهستان و جزئی از بلاد عجم و از جنوب  
بکردستان و جزیره و از غرب با سیای صغری محدود است  
اما مملکت ارمینیه قدیمه و سعتش از مملکت حالیه زیاده تر بود  
ولکن قبل از تاریخ مسیحی مبدت کی جانبی از آن بمملکت رومانیه  
اضافه شد و بعد از آن استقلال یافت و با استقلال خود باقی  
بود تا اینکه ترکها از املاک شدند پس جزئی از آن ببلاد عجم  
اضافه شد و کوههای بلند بسیاری در آن ممتد است چنانچه میانه  
شهر ارز روم و طرابزون پنج سلسله بمجاذات یکدیگر ممتد است  
و در جهت شرقی آن کوه اراراط است که کشتی نوح بان قرار گرفته  
و آن فی الحقیقه دو کوه است که یکی از آنها بزرگتر از دیگر است اما  
آنکه بزرگتر است ارتفاعش مقدار ۱۷۳۰۰ قدم است و سرش

در ۳۹۴۲ عرض شمالی و ۵۵۵۵ طول شرقی است و اما کوچکتر  
ارتفاعش مقدار ۱۴۵۰۰ قدم است و در ۳۹۳۹ عرض شمالی  
و ۵۲۲۰ طول شرقی در جهت جنوب شرقی کوه بزرگتر واقعت و  
میانه آنها وادی عریض و وسیع است و بعضی از سیاهها بعتر  
و مشقت بالای آن رفته و ابواسحق اصطحی این دو کوه را قابع  
بلاد از زبان بجان قرار داده و آنها را حرث و خویرث نامیده  
چنانچه گفته که در ارمینیه کوههای بسیاری ممتد است که از  
جمله آنها کوه بزرگی است که از حرث می نامند و بالا رفتن بان  
بسیار مشکل است و هیچ وقت خالی از برف نیست و پائین آن  
کوه کوچکتر است که خویرث نامیده میشود البته و کوه بزرگتر  
بمسافت بسیاری از دور دیده میشود و در سفح شمالی آن  
بیشه های وسیعی است که خنزیرهای بزی و طیور در آن مسکن  
میکرند و در آن مغاره ها بسیاری است که مأوای دزدانها  
اگراد است و از جمله نهرهای این بلاد فرات است و آن از دور  
مجموع است که مخرج یکی از آنها نزدیک شهر ارز روم است و قره  
صونا میده میشود و مخرج دیگری در کوهها جنوب غربی دارد  
است و مراد صونا میده میشود و بجهت جنوب غربی جاری می  
گردد و نزدیک شهر کبان بیکدیگر میرسند و از آنجا بجنوب شهر  
درین جاری میشوند و از آنجا نهر بجهت جنوب بر میگرد و  
تا نزدیک ملطیه میرود و میانه جزیره و آسیا صغری فاصله می  
شود و دیگر نهر رس است که از کوهها شمالی ارز روم بیرون  
آید و بجهت شرق جاری میشود و در بلاد کرجهستان میگذرد



و ذکر آن پیش گذشت و از جمله بحیرات آن بحیره و آن است که در  
حدود ارمینیه و کردستان است و آنرا بحیره ارجیش نیز مینامند  
طولش مقدار ۳۰ میل و عرضش میان ۹ میل و ۱۲ میل است  
دیگر بحیره نزول است که در شمالی بحیره و آن است و میانها  
سلسله کوههای بلند است اما هوای این بلاد سرد و بعض  
کوهها آنها در ایام سال خالی از برف نمیماند مگر کاهی در قاح و برف  
و تموز که برف آن زایل میشود و لکن در ناحیه حدود جزیره هوا  
معتدل و مرتعش خوب و مواشی بسیار و حبوب و گرد و سیب  
آن فراوان است و در شطهای فرات درخت رز و زیتون  
یافت میشود و از جمله معدنهای آنها آهن و مس است اما سنگ  
ارمینیه از من و ترک و ترکان و کرد است و ساکنین اصلیه آن  
از من اند که در سال ۴ دین مسیحی را قبول کردند و از جمله شهرها  
ارمینیه از روم است که آنرا از روم نیز میگویند و در آن  
بیابان وسیعی است که از مساوات دریا بمقدار ۷۰۵ قدم  
مرتفع است و اهالش مقدار ۵۰۰۰ نفس است و ابوالفدا  
ذکر کرده که این همان شهر است که در بعضی از کتب عربیه آنرا قالی  
قلانامیده اند و دیگر شهر ایازید است که نزدیک کوه ادا را ط  
در جهت شمال غربی حدود بلاد عجم بمسافت ۵۰۰ میل واقعست  
اهالش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر موش است که  
در جهت جنوبیه قره صو واقعست و شهر و آن که در جهت شرقیه  
و آن است قسم سیم از املاک عثمانیه در آسیا کوچک است  
است و آن در جهت شمال بارمینیه و از شرق بسلسله کوهها که

میان آن و بلاد عجم فاصله میشوند و از جنوب بخراباصغرو  
از غرب بخرابله محدود است و بیشتر اهالی آن کواد و نسا طره  
اند و بیشتر نسا طره در کوهها شمال شرقی موصل قاحد بحیره  
که در بلاد عجم است ساکنند و در چند سال آنرا با آنها هجوم آورد  
و جماعت بسیاری از آنها را کشتند و اسیر کردند و ایشان قبائل  
متفرقه بودند که اکابرشان بر آنها حکومت داشتند و بعد از آن  
که نسا طره را مخدول و منکوب کردند دولت عثمانی سپاه خود را  
فرستاد و بر آنها ظفر یافت و جمیع را در تحت طاعت خود آورد  
و از جمله نهرهای این بلاد خابور است که از کوههایی که میانشهر  
تبلیس و بحیره و آن واقعست بیرون میاید و بجنوب غربی جاری  
میشود و از تبلیس و سرعت میگذرد و در نهر دجله بمسافت  
۵۰۰ میل از شهر زاخو رنخته میشود و دیگر نهر زاب اعلی است که  
از کوهها حدادز با بجان بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میشود  
و نزدیک موضعی که آنرا سن میگویند در دجله رنخته میشود  
بواسطه حداد و شدت جریان آنرا زاب مجنون نیز مینامند و اما  
حاکم این بلاد خوب و مرغوب و انواع حبوب و میوه ها در آنها  
بشر میرسد و بیشتر کوهها آنها بد رخت بلوط که علف از آن  
چیده میشود مکتبی است و فقراء آنرا از این بلوط بجهت خود  
نانی طبع میکنند و دیگر از شهرها کردستان تبلیس یا بدلیس است  
که در غربی بحیره و آن نزدیک محل التقاء د و نهر که نهر خابور  
آنها مجتمع است واقعست و آن از شهرها قدیم و مقرا اء آنرا  
بوده و اهالی آن مقدار ۱۲۰۰۰ نفس است که نصف آنها از من اند



و این شهر در ۲۵۰ طول شرقی و ۳۷۳۰ عرض شمالی واقع است و میانمان و بحیرة وان مسافت ۲۰ میل است و دیگر شهر سمرقند است که بمسافت ۵۴ میل در جنوب غربی تبتلیس در بیابانی که از نهر خابور سیراب میشود واقعست و اهلیش به مقدار ۳۰۰۰ نفس از اکراد وارمن و یعقوبیه و سناطره میرد و عرضش ۳۱ شمالی و طولش ۴۲۴۰ شرقی است و در نزدیکی آن درخت ناز و انجیر و رز بسیار است و تمام آنها از آب باران سیراب میشوند و دیگر شهر ذاکو است که بمسافت ۵۱ میل از مصب خابور در دجله واقع است و زمینهای اطراف آن خصیب و میوه های آنها بسیار است و دیگر شهر حمادیه است که به مسافت ۳۳ منزل در شمال شرقی موصل واقعست و در آن قلعه است که ابجاری از زیر آن میکزدد و بدیشتر ساکنین حالیه آن یهود و سناطره اند و در عرض شمالی ۴۷۲۹ واقعست و ارتفاعش از مساوات دریا مقدار ۴۲۶۵ قدم است و بدیشتر خانه هایش منهدم و بازارهایش مخروبه است و در شمال شرقی آن در یکی از وادیهای که داخل وادی ذاب اکبر است شهر حار واقعست که از اجلا مرک میکوبند و مقر بطریق سناطره است قسم چهارم حار از املاک عثمانیه در آسیا جزیره است بدلا که اراضی واقع بینا فرات و دجله بدو قسم منقسم است یکی جنوبی که عراق عرب نامیده میشود و دیگری شمالی و انجزیره است که از جهت شمال بار میدینه و از شرق بگردستان و از جنوب بعراق عرب و از غرب با سکیا صغری و سوریا و بادیه شام

محدود است و در توریه ما بین النهرین نامیده شده و بعضی ذکر کرده اند که بواسطه آنکه قبیله ربیعیه و بکر و مضرا زمین را حلق کردند و در شمالی ما بین النهرین ساکن شدند این نواحی را دیار بکر و ربیعیه و مضر میگویند و از جمله نهرهای این قسم فرات و دجله و خابور است و این غیر از نهر خابور نیست که سابقا ذکر شد و خروج آن نزدیک موضعی است که انوار اس حین و عین ورده نیز میکوبند و نزدیک شهر قر قیس در فرات ریخته میشود و در دو جانب آن درختهای بسیار نیست و شعر خارجی در مرثیه ابن طریف که گفته ایاشجر الخابور مالک مورقا کانت له تجرع علی بن طریف اشاره بانست یعنی درخت خابور چرا برکهای تو ریخته کو باد در مصیبت ابن طریف جرع و ناله نکرده اما خاک این بلاد بخصوص اراضی که نزدیک نهرهاست خوب و مرغوب است و لکن هوا آنها بواسطه وزیدن باد سموم خوب نیست و در بیابانهای آنها شیر و نوعی از درنده گان که در غیر آنها معهود نیست و حمار و حشی و الو یافت میشود و اشجار آنها سر و صفصاف و پرتقال و لیمو و نوت و تمهنگ است و اهل آنها اکراد و یعاقبه و سناطره وارمن و اترا و یزیدیه و عرب است اما شهرها جزیره از جمله آنها سروج است که ابو زید سروجی منسوب بان است و در زمان قدیم آب بوسنها و میوه ها آن بسیار بوده و لکن حال قابل ذکر نیست و بنهایت در انحطاط یافته و دیگر شهر ماردین است که اهلیش مقدار ۱۱۰۰۰ نفس از بضاری و اسلام و افتاب پرست و اتش پرست است و دیگر از شهرها آن رجبیه است که در غربی فرات نزدیک موصل



رحبه مالك بن طوق که از قوادهای هرون الرشید بوده واقعت  
 و رحبه جدید در یک فرسخی فرات است و از دیار بکر محسوب  
 شود و دیگر شهر قر قیسا است که از دیار مضر شمرده میشود اما  
 شهر داره در اصل کوه ماردین واقعت و در نزدیکی آن قبرها  
 بسیار است که روی بعضی از آنها بخط یونانی نوشته شده و بواسطه  
 آنکه نزدیک بمحو شدن است خوانده نمیشود و مواضعیکه باین  
 اسم موسوم است بسیا است چنانچه یا قوت در مشترک زیاده  
 از ۴۰ از آنها را ذکر کرده و فیروز آبادی در قاموس زیاده از ۲۰  
 از آنها را تعداد نموده و شیخ ابو حسین احمد بن فارس در خصوص  
 جاهائی که باین اسم معروف است کتابی تالیف کرده و از آن نیز داره  
 نامیده است و دیگر شهر دیار بکر است که از سنگهای سیاه  
 بنا شده و از این جهت ترکها انرا قره امید مینامند و محیطش مقدار  
 سه میل است و در آن قلعه ایست که مشرف بدجله است اهلسر  
 ارمن و اتراک و یعقوبیه و نسا طرده است و تماشای حریر و پنبه  
 در آن بافته میشود و دجله آن هر کوچکی است که بدو ن جسر  
 وقتی که آب باران جمع نشده باشد از آن میگذرند و طول این شهر  
 ۳۹۵۲ شرقی و عرضش ۵۵۷۵ شمالی است و بمقتا ۱۸  
 ساعت از ماردین واقعت و دیگر شهر نصیبین است که در  
 جنوب شرقی داره بمقتا ۱۸ میل واقعت و ابو اسحق اصطخری که  
 کرده که آن شهر بیست عظیم و وسیع و خصیب و باخیر و برکت و  
 لکن عقرهای مودی و مهلك دارد و بیا و بسیاری از امراض  
 در آن حادث میشود و کل آنرا با فاق میبرد آنکه و این شهر از

دیار ربیعہ است و مختص بکل سفید است و کل سرخ در آن یافت  
 نمیشود و دیگر شهر موصل است که در جانب غربی دجله واقع است  
 و اهلس مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و در جانب شرقی دجله موقع  
 شهر نینوا است که یونان رسول را خداوند بان مبعوث نمود و  
 دیگر جزیره ابن عمر است و آن شهر کوچکی است در غربی دجله و  
 یا قوت در مشترک ذکر کرده که طائفه بزرگی از اهل علم بآمنسیند  
 که از جمله آنها بنی اثیر اند که مبارک صاحب کتاب جامع الاصول  
 فی احادیث الرسول و بضرائله صاحب انشاء و بلاغت و علی صنا  
 تاریخ است و بواسطه نسبت آنها باین جزیره هر یک را جزیری می  
 گویند و دیگر شهر عانة است که شرازش بخوبی موصوف است و  
 دیگر بوازیج است که میان اردبیل و تکریت است و بعضی از علما  
 بان منسوبند و دیگر سن است که نزدیک مصب زاب واقع  
 است و دیگر تکریت است و آن آخر شهرها جزیره است که تال  
 عراق است و در غربی دجله بمقتا ۵۰ روز از موصل واقعت  
 و در جنوب آن ترعه ایست که هر اسحاقی نامیده میشود و این شهر  
 اول حد سواد عراق است و در آن قلعه بوده که شاپور پسر اردشیر  
 ابن بابک آنرا بنا کرده و حال خراب و ویران است و قشمر پنجم  
 از املاک عثمانیه در آسیا عراق است و آن از جهت شمال بحزیره  
 و کردستان و از شرق ببلا دیم و از جنوب ببادیه و خلیج عجم  
 که بحر فارس نیز نامیده میشود و از غرب ببادیه محد و است  
 و در آن چند ترعه و هر مینا فرات و دجله است که بیابانها و  
 جاهائی که محل سیل است از آنها سیراب میشود و از جمله آنها



نهر عیسی است که منسوب بعیسی بن عبدالله عباسی است و آن  
از نهر فرات بیرون میاید و در دجله ریخته میشود و دیگر نهر صرصر  
است در جنوبی نهر عیسی و نهرها که در جنوبی نهر صرصر و جمیع اینها  
در دجله ریخته میشوند و از جمله شهرهای عراق بغداد است که  
از شهر اسلام نیز میگویند و در عرض شمالی ۳۰ ۴۰ ۵۰ و طول  
شرقی ۵۴ ۵۵ ۵۶ در دو جانب دجله واقعست و بعضی گفته  
اند که جانب غربی کوخ نامیده میشود و آن جائی است که ابن زریق  
بغدادی اشاره بان کرده است و ع الله فی بغداد انواراً با  
لکوخ من فلك الا زار مطلعہ و ابی جعفر منصور در آن ساکن بود  
و بعد از آنکه بغداد بنا شد ملقب بزوراء گردید چنانچه شیخ عمر  
ابن فارض گفته ارج النسیم سر من الزوراء سحر افا حیا میت  
الاحیاء و یا قوت در مشترک گفته که زوراء اسم دجله بغداد  
است بمناسبت میل و عروج آن و جانب شرقی آنرا هرون رشید  
وصافه نامیده است و در آن قصرهای زیاده بنا کرده بود و  
در آنوقت ضرابجهت عظیمی داشت و تا انقراض دولت بنی عباس  
بهین حالت باقی بود و پس از آن عظمت قدیمه انحطاط یافت و  
بنای این شهر از خزی است که معروف بقریه میداست و اهل آن در  
فصل تابستان از شدت گرمی هوا روزها در سردابها و شبها  
بالای بامها میخوابند و از عمارات و قصرها خلفاء بقیه باقی ماند  
و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و این شهر معد علماء و شعراء  
و فقهاء و مشاهیر در هر علم و فنی بوده و از متاخرین آنها که عهد  
نزدیکتر از هم است شیخ عبدالباقی افندک عمری است که در

مدح داود پاشا وزیر بغداد قصیده نظم کرده که در قوافی آن لفظ  
خالد املترنم شده و مطلع آن اینست الی الروم اصبوکما اومض  
الحال فاسکب معادون تشکابه الحال و از جمله آنها شیخ عبد  
الحمید موصلی و شیخ صالح تمیمی است اما تجارت بغداد بیشتر  
در چیزها نیست که از هند و بنگاله واردان میشود و اهلش  
عرب فارس و ترک و هندو است و از جمله شهرهای عراق هیت  
است که در غربی فرات واقعست و دیگر حله است که شیخ صفی  
الدین بن سرایای حلی صاحب یوان مشهور و محبوبکات الارقیه  
منسوب بانست اما شهر کوفه سعد بن ابی وقاص که از جمله صحابه  
حضرت رسول ص بود در زمان خلافت عمر بن خطاب بنا کرد و جماعت  
از خویشین منسوب بانند و اهلش در عربیت محل و ثوق و اعتماد  
بوده اند و احمد بن حسین که معروف بمتنبی است سنه ۳۰۳  
هجری در آن تولد یافته و در نزدیکی آن مسجد امیر المؤمنین علی بن  
ابیطالب است و آن مدفن آنحضرت و فرزندان دلبند و حضرت  
سید الشهداء علیه السلام است و طائفه باطنیه که در روز  
از آنها پیدا شد و طائفه قرامطه که از جمله آنها نصیری است  
در این نواحی ظاهر شدند و اما انبار در شرقی فرات نزدیک  
مخرج نهر عیسی است و جماعت بسیاری از نهر منسوب بانند  
و احمد سفاح که اول خلفاء بنی عباس است در آن مقر داشته  
و در نزدیکی بغداد در جهت شمالیه آن موضعی است که آنرا  
من رای میگویند و بعد مردم آنرا مخفف کرده سامره گفتند  
چنانچه ابوطیب متنبی در باره کاتبی از اهل آن که نزد سیف الدین



عدوی بوده گفته اسامی ضحکه کل راء فطنت و کنت اغبی  
الاعبیاء و معتصم عباسی از اینا کرد و حال خراب و ویران و  
بناء معوران که است و بردان قریه دیگری است در کنار شرق  
دجله و صرصر در نزدیکی آن واقعست و اما مدائن در جهت  
جنوبی بغداد بمسافت یکمتری آن واقعست و بقیه کها ایواکسر  
در آن بوده و بعضی از قدماء ذکر کرده اند که وسعت آن از رکنی  
تا رکن دیگر ۹۵ ذراع و ارتفاعش ۸۰ ذراع بوده و اما واسط  
در مجرای دجله قدیم واقعست و حال خشک و بی آبست و اما شهر  
بصره در غربی هری که از التقاء نه فرات و دجله حادث میشود  
بمسافت ۷۰ میل از مصب آن در خلیج عجم واقعست و بعضی گفته  
اند که بناء آن در زمان خلافت عمر بن خطاب یکسال پیش از کوفه  
شده و هر دو راعرا قین میکفتند و اهلش حال مقدار ۵۰۰۰۰  
نفس است و درخت خرما ی آن بسیار است و از جمیع نواحی بلاد  
عرب سبب آن میاورند و در صحت عربیت اهالی آن و اعتماد  
و استشهاد با قوال ایشان نظیر کوفه بوده مگر اینکه اهل آن در  
بسیاری از مسائل لغویه با کوفیین مخالف بوده اند و لکن بعضی  
از فضلا گفته که در مسائل خلافتیه ما بین آنها مذهب بصریین  
از حیث لفظ و مذهب کوفیین از حیث معنی صحیح تر است و عجا  
از ادباء باین شهر منسوبند که از جمله آنها شیخ حریری صاحب  
مقامات معروف است و در جنوبی بصره کوهیست که آنرا سنا  
میکویند و در جنوب غربی آن وادی است که آنرا وادی سناء  
میکویند و در نزدیکی بصره در جهت غربی آن قریه ایست

و میانه بغداد و واسط بلده ایست که آنرا جبل میکویند و خلق  
بسیاری بآن منسوبند که از جمله آنها ابوالخطاب شاعر جبلی است  
قسم ششم از املاک عثمانیه در آسیا برشام است و آن  
از جهت شمال باسیکا صغری و از شرق بفرات و بادیه و از جنوب  
بجزئی از بلاد عرب که آنرا تیه بنی اسرائیل میکویند و از غرب  
ببحر روم محدود است و در زمان قدیم بدو قسم منقسم بود  
سوریا و فلسطین و لکن در وقت اضافه شدن آنها بمملکت روم  
قبل از تاریخ مسیحی بدو کی هردو را سوریا میکفتند و روم  
که اعراب مسلمین در اثناء سنه ۶۲۲ مسیحی آنرا فتح کردند  
هر دو را شام میکفتند و این بلاد را بچهار چند تقسیم میکنیم  
اول حلب دویم دمشق سیم بیروت چهارم اورشلیم یعنی قدس  
شریف و قبل از شروع در تفصیل این امتیام بدانکه آنها را آن  
شمال بجنوب سلسله کوههاییکه از جمله آنها کوه لکام است خرق  
میکند و آن از جنوبی کوه طور و س که در آسیکا صغری است در  
برشام ممتد است و بواسطه صغر می گفته که این سلسله را تا  
اینکه از لاذقیه تجاوز کند لکام و تا حمص را کوه همراه و پس از  
آنرا کوه لبنان مینامند اینک و لکن حقایق است که کوه لکام نزد  
مصب نه عاصی بجهت شمال آن بقرب سویدیه منتهی میشود و  
در جنوبی مصب نه عاصی کوه بلندی است که آنرا کوه اقرع می  
گویند و از اینجا از جهت جنوب این سلسله بوادی قلعه حسن  
و دیر حمیر ممتد میشود و آن کوههای بضریه است و از اینجا  
ابتداء کوه لبنان است که بلندترین سرهای آن در مکانی است



که انرا فام المیزاب میگویند و ارتفاع آن مقدار ۱۱۰۰ قدم است  
و رأس صنین کی پست تر از آنست و این سلسله در وادی لیطانی  
قلعه شقیف منتهی میشود که ملک صلاح الدین ایوبی بنده ۱۱۹  
انرا از فرنگها گرفت و این را حنی ناجیل عامل میگویند و از آنجا از  
جهت جنوب سلسله بنواحی صفد و ناصره ممتد میشود و بعد  
از جهت شرق بنواحی نابلس بر میگردد و در جنوبی ناصره بیابان  
وسیع است که انرا مرج ابن عامر میگویند و آن میانه کوههای  
مذکوره و کوه کرمل فاصله است و قطعه از این بیابان بجهت  
واردن کشیده میشود و در آن کوه منفرد نیست که انرا کوه طور  
مینامند و بعضی انرا کوه تجلی میدانند که خداوند در آن موسی بن  
عمران تجلی فرمود و لکن کوه تجلی غیر از آنست اما کوه کرمل اول آن  
نزد دریا در نزدیکی حیفاست و بجهت شرقی ممتد میشود تا  
اینکه بکوههای نابلس میرسد و از آنجا بجهت جنوب تا کوه شراه بجنوب  
بحیره لوط ممتد میشود و اما کوه معروف بکوه شرقی اول آن در  
جنوبی حصص بمناقت یکترل میاحسیاء و شمسن محاذ کوهها  
نصیرتیا است و از آنجا این سلسله بجهت غربی ممتد میشود  
میانه آن و کوه لبنان بیابان وسیع است که انرا باقاع مینا  
و میانه آن و کوه شیخ وادی تیم اسفل است و این شعبه را  
کوه حلش مینامند و در جهت جنوبی آن در شرقی اردن کوه  
عجلون است و در جنوبی این کوه کوه جلعاد است که انرا کوه  
صالت نیز میگویند و در جنوبی آن کوه بقاء است و در جنوبی  
آن کوهها مواج تا شرقی بحیره لوط ممتد است و از جمله کوههای

این بلاد هر حلب است که از کوههایی که نزدیکی عین تابست  
بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میشود و دیگر کوه عاصی  
که انرا ارنط میگویند و از موضعیکه انرا بنج اللبوه میگویند  
در شمالی بجلبک بمستاکمی واقعست بیرون میاید و در نزدیکی  
سویديه در دریای روم ریخته میشود و دیگر کوه عفرین و  
یغرا و اسود است که مخرج انها در شرقی کوه لکام است و در  
بحیره انطاکیه ریخته میشوند و دیگر کوه کیرا است که مخرج آن  
در کوههای نصیریه است و در نزدیکی لاذقیه در بحر و  
ریخته میشود و در جنوبی آن کوه صنوبر و کوه ملکست و در  
جنوبی کوه ملک کوه حسین است و پس از آن کوه کیرا است  
این غیر از کوه کیری است که ذکر شد و پس از آن کوه بارداست  
و جمیع این کوهها از کوهها نصیریه بیرون میاید و در بحر و  
ریخته میشود اما کوه اربی علی از کوه لبنان بیرون میاید و در  
بحر روم ریخته میشود و اما کوه ابرهیم در نزدیکی عافوره از  
کوه لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود و اما  
کوه کلبار کوه لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته می  
شود و اما کوه بیروت از کوه مجمع است که مخرج یکی از انها  
نزدیکی ترشیش و کفر سلوان در کوه لبنان است مخرج دیگر  
در نزدیکی فالوغا و حمانا است و در وایکه تحت دیر قلعه است  
بیکدیگر میسرند و بجهت غرب جاری میشوند و پس از آن  
بشمال بر میگردند و در نزدیکی بیروت در خلیج مار جرجس  
ریخته میشوند اما کوه امود از چند کوه کوچک مجمع است



که یکی از آنها نهر غابون است و دیگر نهر صفاست و نهر کوچک  
دیگری از وادی عین داره بطرف آنها میاید و نزد جسر قاضی  
با آنها میرسد و جمیع بجهت غرب جاری میشوند و در نزدیکی  
معلقه د مورد در بحر روم ریخته میشوند و اما نهر اولی از کوه  
لبنان بیرون میاید و در بحر روم ریخته میشود و اما نهر لیک  
مخرجش در نزدیکی بعلبک است و در بحر روم ریخته میشود  
و از نهر قاسمیّه میگویند و اما نهر مقطع از کوهها نیکه در شرق  
مرج ابن عامر است بیرون میاید و نزدیکی حیفاء در بحر روم  
ریخته میشود و اما نهر اعوج مخرجش در نزدیکی لدا است و  
در شمالی یا فادر بحر روم ریخته میشود و اما نهر بردی مخرجش  
در نزدیکی زبدان نیست و در بحیره مرج ریخته میشود و اما  
نهر اعوج غیر از آنکه ذکر شد مخرجش از عین دوریه است و در  
بحیره مرج ریخته میشود و اما نهر اردن از چند نهر بزرگ و  
کوچک مجتمع است که از جمله آنها نهر حاصبانی است و در بحیره  
لوط ریخته میشود اما بحیرات برشام از جمله آنها بحیره انطاکیه  
است و دیگر بحیره افامیا است که از چند بحیره مجتمع است و  
دیگر بحیره حمص است که از بحیره قدس میگویند و طولش مقدار  
۱۰ میل و عرضش مقدار ۵ میل است و دیگر بحیره مرج است  
که در جنوب شرقی دمشق در جهت غوطه ان واقعست و در  
جهت شمال شرقی بانیاس بحیره ایست که از آنرا برکه دان میگویند  
و ماهیان بسیاری در آن یافت میشود و دیگر بحیره هوکه است  
که نهر حاصبانی در آن ریخته میشود و نهر شریعه از آن بیرون

میاید و در بحیره طبریه ریخته میشود و بحیره طبریه اعظم بحیرت  
برشام است و در کتب مقدسه بحر جلیل و بحیره جناثر نامیده  
شده و از جنوبی آن نهر اردن بیرون میاید و دیگر بحیره لوط است  
که از بحیره میت و بحیره زعر میگویند و نهر اردن در آن ریخته  
میشود و هیچ نهری از آن خارج نمیشود و طولش مقدار ۵۰  
میل و عرضش مقدار ۱۰ میل است اما هوای برشام باختلاف  
مواقع مختلف است چنانچه در کنار دریا گرم و تر و بعضی اماکن  
ان مثل اسکندرونه و بانی است که ناخوشی و تبهای رده  
بواسطه فساد هوای آن بسیا است و در هر جا که آب در فصل  
تابستان زیاد میشود مثل طرابلس و رأس العین اراضی نیز در  
انجا زیاد میگرد اما کوهها هوای آنها خوب و مقوی بدن است  
و سرهای آنها در فصل زمستان شدت ندارد مثل کرمای  
انها در فصل تابستان و اما بیابانهای داخله بلاد هوای آنها  
در فصل بهار و خزان خوب و سرهای آنها در زمستان و کرمای  
انها در تابستان شدت دارد و در بعضی اوقات بادهای گرم  
از جهت بادیه با آنها مسلط میشود و از جمله حیوانات برشام  
شتر و گاو میش و اهو و روباه و کفتار و نوعی از پلنگ است و  
خرس در بعضی از کوهها مثل کوه صنین و کوه شیخ و خنزیر بزرگ  
در کوه ریحان و نزدیکی آن یافت میشود و در آن انواع بسیا  
از طیور اهلیّه و بریه یافت میشود و در بعضی از سالها ملخ  
در آن میاید و گاهی از اوقات پرندگانی که از اسم مرغی  
گویند با آنها غلبه میکند و آنها را هلاک میکند اما اهل این



بلاد از اصول مختلفه اند که الحاق طائفه از ایشان بساکنین  
اصلیه آنها مشکل است و این بلاد در زمان سابق بلاد کنعانی  
بوده و غیر آنها از نسل حام بن نوح و نسل سام در نواحی آنها  
ساکن بوده اند پس بنی اسرائیل کنعانیین را از ارض فلسطین  
بیرون کردند و بعد از آن ملوک آشور با آنها استیلا یافتند  
و بعد ملوک مادی و فارس و بعد ملوک مصر و پس از آن استقلال  
یافتند و بعد بملکت مکه و بنیه اضافه شدند و پس از آن بم  
ملکت رومانیه و بعد اعراب در اثناء سنه ۲۲۰ مسیحی  
آنها را فتح کردند و بعد از آن تر و اتراک عثمانیه مالک شدند  
و ساکنین آنها بواسطه تواتر تقلبات دول از جنگها بسیاری  
ممزوج و مخلوط گردیدند و آنها با عقبا مذاهب یمنیه دوازده  
طائفه اند مسلمان و متاوله و دروز و نصیری و اسماعیلیه  
و روم و پروتستانی و موآرنه و سریان و ارمن و یهود و  
ساحره اما مسلمین آنها عرب و ترک است و اعراب در سنه  
۲۲۰ که این بلاد را فتح کردند داخل آنها شدند و در همانجا  
ساکن گردیدند و تمام اطراف آنها را تصرف کردند و لغت  
عربی به بلغت سریانی که لغت متداوله آن بلاد بود غلبه  
کرد و اماترکها دو نوع اند عثمانیه و ترکان و این دو فرقه  
در اصل تراند که از بلاد تر و شمالی بحر خزر آمدند و بعضی  
گفته اند که طائفه از تر در خراسان نزول کردند و بازانان  
انجا مقاربت کرده جنسی از آنها تولد یافت که انواترکان می  
گویند یعنی شبیه بترک و اسم ترک از ترک که از نسل یافت

بن نوح است اخذ شده و اما اتراک عثمانیه ذکر آنها در طی کلام  
در آسیای صغری گذشت و اما متاوله که آنها را شیعه میگویند  
ظاهر هیئات آنها آنست که از اصل فارسی بوده اند و اما نصیری  
فروع قرامطه اند که در اراضی کوفه ظاهر شدند و این لقب  
حمدان بن قرامط که ملقب بصاحب الحال و مدثر و مطوق بودند  
شده و او در اثناء سنه ۴۰۰ ظاهر شد و تعلیم او را علم باطن  
نام نهادند و از این جهت طائفه او را باطنیه نامیدند و او  
مبشرین خود را در بسیاری از جاها فرستاد که مردم را دعوت  
کنند و اصحاب او زیاد شدند و از میان این طائفه مردی که او  
نصیر غمری میگویند ظاهر شد و او شیخی بود عابد و زاهد و  
نزد آنها از اولیاء شمرده میشد پس او از میان اصحاب خود  
دوازده نفر انتخاب کرد که بتعلیم او مردم را برسانند و چونکه  
احرار و شیوع یافت و الحی او را گرفته بر زندان انداخت و زندان  
بان کنیزی داشت که بالنسبه بشیخ شفقت پیدا کرده بود تا  
اینکه روزی زندان بان شراب خورده مست شد و مستغرق  
خواب گردید کنیز فرصت یافته در زندان را باز کرد و شیخ را  
رها نمود و کلید را بجای خود گذارد چون زندان بان بیدار شد  
دید که شیخ نیست و علامتی از برای باز کردن در زندان  
نیافت کمان کرد که ملائکه او را رها کرده اند و بواسطه آنکه  
او باز خواست ملک خلاصی یابد این مطلب را شهرت داد تا  
اینکه بکوشش شیخ نیز رسید پس او در اشتهار تعلیمها خود  
بیشتر جری شد و بعضی ذکر کرده اند که این شیخ از ارض



کوفه به برشام رفت و تعلیمهای او در آنجا میان مردم ساده لوح شهرت گرفت و اخرا لامر پنهان کردید و خبری از او نشد و از جمله طائفه باطنیه اسماعیلیه است و دولتی از آنها در عجم قوت یافت و هشت سلطان از آنها مدت هفتاد و یکسال در این بلاد سلطنت کرد و فرس آنها را اشیاخ جید میگفتند و دولتی از آنها در مصر قوی شد و در آنجا بدولت فاطمیه نامید شدند و جعفری ذکر کرده که در او اخر سنه ۴۰۷ هجری مردیکه او را محمد بن اسمعیل درزی میگفتند بمصر رفت و او از جمله دُعاة طائفه باطنیه بود و در کتب درویشی که در آنجا نامیده شده پس اینم خدمت الحاکم با امر الله ابو علی منصور العزیز بالله که خلیفه ششم از دولت فاطمیه بود رفت و با او موافقت کرد و کتابی نوشت که در آن میگوید ان نفس ادم جاز الی علی بن ابیطالب و منه الی اسلاف الحاکم مقصده من واحد الی اخر حقی انفتاح الی الحاکم و هو خالق الکون الی خبیانه و این کتاب را در یکی از جوامع خواند پس مردمان بسرا و هجوم کردند که او را بکشند و او فرار کرده پنهان شد و حادثه عظیمی در قاهره ظاهر کردید و خانه درزی را غارت کردند و بسیار از اطفال او را کشتند و پس از آن حاکم سراً او را به برشام فرستاد و او در وادی تیم اسفل که نزدیکی کوه شیخ است فرود آمد و در آنجا بالوهیئت حاکم ندان کرد و چونکه امر او توخیتین که از عراق برشام آمده بودند از طائفه باطنیه بودند مطیع و منقاد او شدند و از این سبب آنها را طائفه درویشی نامیدند

مذکور در واقع تتر سنه ۴۱۰ هجری کشته شد این اصل طائفه در روز و کیفیت امتدادشان در برشام بود که ذکر شد و اما عقائد آنها هر که بخواهد بتفصیل آگاه شود بکتاب مختصر البیان فی مجری الزمان و کتاب کشف دیانه الدروز که در پارسیس طبع شده رجوع نماید و اما عدد ساکنین برشام از جمیع طوائف اجمالا مقدار ۱۶۶۰۰۰۰ نفر است که مقدار ۵۶۰۰۰۰ از آنها اهل حضرو بقیه اعراب بادیه اند و اما تفصیل

انها از این قرار است	
مسلمانان	۸۱۵۰۰۰
روم	۲۴۰۰۰۰
موارنه	۲۲۰۰۰۰
روم ملکیه و غیر آنها از طوائف	۴۰۰۰۰
دروز	۱۰۰۰۰۰
مناوله	۲۵۰۰۰
نصیری و اسماعیلیه	۲۰۰۰۰۰
ارمن و بقیه طوائف	۲۰۰۰۰۰

و از جمله حاصلهای برشام درخت صنوبر و زیتون و خرما و در و کرد و و توت و بادام و سرو و کز و صفصافا است و از حبوب کدوم و جو و عدس و ماش و نخود و باقلا و دیگر سوسن و عناب و نیشکر و درخت حناء و انواع کل و یاسمین و زنبق و قرنفل و نرجس و امثال اینها و اکثر سبزیها و بقول ماکوله در آن یافت میشود و اما پدیده آن برای ساختن قش



چندان مرغوب نیست و اما شراب برشام کمتر مرغوب است مگر  
سیاه مرتبی آن که عفو صندش گشت و بعضی از زردهای آن که  
در نواحی کسره و قالی آن تا اعمال طرابلس است بخصوص  
شراب سبعل که بعضی مشایخ در وصف آن گفته کل النبید  
محمم الا النبید السبعلی و از جمله حاصله های این بلاد تیغ  
است که معروف به تن است و بهترین انواع آن در جبل و بتر  
و جبل رجحان است و بسیاری از آن بقسططنیدیه و مصر و  
دمشق میرود و در بعضی از اراضی آن قنبر و نیده میشود  
و در ارضی حلب کوهها بتر و سقونیا که معروف به محمود است  
یافت میشود و غالباً نشاء و صمغ مرده اخلان میکنند و خالص  
کمتر یافت میشود و اما معادن برشام از جمله آنها معدن نقره  
و قلع است در کوههای شمالی اسکندرونه و معدن آهن در  
کوه آقرع و کوه لبنان و زغال سنگ در نزدیکی قرنایل و  
اعمال بیروت و نمک در بعضی از جاهای آن و بیشتر از نواحی  
تدمر و فرات میاورند و هم چنین نمک بارود و اما سرمایه  
تجارت آن صمغ عربی که غالباً ب صمغ پیسته و زرد الو مغشوش  
است و صمغ قتاد و سنا و افیون و پوست روباه و خرگوش  
و عفش است و از جمله مصنوعات آن نسجه حریر و پنبه و صوف  
و قصب طلا و نقره است و در نواحی اورشلیم و بیت لحم مساجد  
و صور بسیاری از صد فیکه از اعرق اللؤلؤه مینامند و از حجر  
احمر میاورند و میسازند و غالباً تختها را بان مرصع میکنند  
و بلاد ایتالیا و فرانسا میفرستند و از امهات شهرهای

برشام حلب است و آن شهری است قدیمی و از برای آن نهری  
است که از اقویق میگویند و بوستانها از آن سیراب میشود  
و اهل آن از آبیکه از دو جاده شمالی شهر بمسافت ۴ میل می  
جو شد میاشامند و آن در قناتها نیکه در خانه و بازارها  
و کاروانسراها و حمامها منشعب است جاری میشود و در کوهستان  
های آن درخت پیسته بسیار است و در آن میوه یافتی  
شود که ببار درخت خرما نزدیک است و بسیار شیرین است  
و بازارهای آن تنک و بناهایش خوش منظر است و لکن در  
و ثباتی ندارند و باروری آن محکم است و لکن بواسطه زلزله  
مهمدم شده و محیطش مقدار ۲ میل است و در زمین آن  
علامت کوههای آتش نشان که علت حدوث زلزله میشود  
ظاهر است و از بسیاری آنها این شهر چند مرتبه خراب شده  
و در سنه ۱۸۲۲ مسیحی در ۱۳ ماه آب زلزله عظیمی  
حادث شد که جهت عظیمی از حلب انطاکیه و قریه ها مجاوره  
انها را خراب کرد و از جمله بناهای مشهوره حلب برج قدیمی  
است که آنرا سرایه بنی جنبلاط میگویند و اما هوای آن خوب  
و موافق صحت مزجه است و لکن در بدن اهل آن و غریبی که  
در آنجا مکتب میکند بثره که آنرا کیه و سالک میگویند پیدای  
شود و آنها از احبة السنه میگویند زیرا که قبل از یکسال  
علاج پذیر نیست و اما تجارت حلب از زمان قدیم بسیار  
کتر است و حال قافله ها از بغداد و دمشق و موصل و دیار  
بگردران جمع میشوند و در او اسط سال ۱۶ اهلش بمقدار



۳۰۲۰۰ نفس می رسید و لکن حال نصف عدد مذکور در آنست  
 و آن در عرض شمالی ۳۶۱۲۵ و طول شرقی ۳۷۹ واقعست  
 و در ناحیه جنوبی حلب بمسافت منزل کوچکی قدسین واقعست  
 و آن در اوائل اسلام شهری بزرگتر از حلب بوده و لکن حال  
 خراب و ویرانست در نزدیکی آن قریه ایست که آنرا حاضر  
 قدسین میگویند و در نزدیکی آن موضعی است که آنرا فرادیس  
 میگویند و در جنوب شرقی حلب بمقدار ۲۰ میل قریه ایست که  
 آنرا صغیره میگویند و در آن مقدار ۳۰ خانه است و در  
 جهت شرقی آن بمقدار ۷ میل وادی نمک است که محیطش  
 مقدار فستاق ۴ روز راهست و زمینش تمام نمک است و از  
 دور مثل بجر آب صاف بنظر میاید و اهوان سفید که جهت  
 زدن نمک در آن میایند و در جنوب شرقی آن وادی خرابه  
 قدیمی است که آنرا زوبامینا مند و در نزدیکی قدسین شهر  
 خنصره واقعست و آن قلعه ایست در طرف بریه و حال در  
 این نواحی قبیله از عرب ساکنند که ملقب بسلیب اند و بقلای  
 و مواشی اعتنائی ندارند و غذای آنها گوشت اهو است اما شهر  
 عین تاب در شمالی حلب بمسافت سه منزل واقعست و آن شهری  
 است معمور و صاحبان بوستان و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰  
 نفس از ارم و اتراک و پروشانیه است و در جنوب شرقی  
 آن قریه نربا است و در جنوب غربی عین تاب شهر کلستان  
 میانه حلب هراسود و اطراف آن املاک و قریه های بسیار  
 است و اهل آنها عرب و کرد و ترکمان و یزیدی و نصیری و نصاری

است و بیشتر بضاری از طائفه ارمن اند اما شهر انطاکیه در  
 زمان قدیم از جمله شهرهای مشهور عالم بوده و در عصر سلوکیه  
 قصبه مملکت سوریا بوده و آنرا سلوقس ملک که ملقب بغالب  
 بود بنا کرد و در اوایل امر دین مسیحی در آن قوت یافت و پس از  
 آن مسلمانان در سده ۳۷۶ آنرا فتح کردند و بعد از آن فرنگها  
 در سده ۱۰۹۸ آنرا پس گرفتند و بعد از خروج آنها از برشام  
 سلطان مصر سده ۱۲۶۸ آنرا خراب کرد و بسیاری از اهلش را  
 بقتل رسانید و کناش آنها را خراب کرد و بعد از آن بواسطه کثرت  
 زلزله خراب و ویران شد و حال بحالت پستی است و از عظمت  
 قدیمه آن بغیر از بار و تیکه بسبب جهت آن احاطه دارد چیزی باقی  
 نمانده و جهت چهارم آن هرعاصی است اهل آن مقدار ۹۰۰۰  
 نفس از اتراک و نصیری و روم و ارمن و یهود است و در جهت  
 غربی آن شهر دونه است که حال آنرا بدیت الما میگویند و در  
 جنوبی عاصی واقعست و کوههایی که چشمه های بسیاری از  
 آنها جاری میشود بان احاطه دارند اما سویدی در نزدیکی  
 مصب هرعاصی است و در شمال غربی آن موقع شهر سلوقیه  
 است و آن در سیف کوهی که آنرا کوه موسی میگویند واقعست  
 و اما اسکندرونه در شمال انطاکیه نزدیک دریای واقعست  
 و در میان انطاکیه و اسکندرونه قریه بیلان است در شمال  
 اسکندرونه بایاس است و در شمال شرقی بایاس کنیسه  
 سوداء و هرونیه است و چنانچه یا قوت حموی در مشترک  
 ذکر کرده آنها از جمله ثغور و ستور بوده اند و در جهت



است و بعضی گفته اند که انرا سلیمان بن داود بنا کرده و شیدا  
که مقصود از بنا و تعمیر آن باشد اما چند مشق مشهورترین آنها  
دمشق شام است و آن در طول شرقی ۳۳ و عرض شمالی  
۳۳ و اقست و قدیم ترین شهرهای عالم است و مسلمان من  
۱۴ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در تحت رایت خالد  
بن ولید از فتح کردند و خلفاء بنی عباس تحت خلافت خود را با  
نقل کردند و غوطه آن بتام محل تفرج و تماشاهای روی زمین  
برتری دارد و در شمالی آن کوهیست که معروف بجبل قاسیون است  
و از ابنیه قدیمه که قابل ذکر باشد در دمشق یافت نمیشود و اکثر  
خانه ها آن از خشت خام بنا شده و منظری از خارج ندارد و اهل  
آن مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و غالب آنها بامانت و سلامت  
نفس موصوفند و خال آن خوب لکن هوایش بد است و آب آن  
بالطبیعه دافع مرض جذام است و از این جهت اهل آن هیچ وقت  
با مرض مبتلا نمیشوند و مرد غریبی هم که بان مبتلا باشد چون  
در آنجا توقف کند بمان درجه میماند و زیاد نمیشود و جماعت  
از مشاهیر علما و متادین در آن ظاهر شدند که از جمله آنها  
محمد بن مالک اندلسی صاحب الفیه مشهور در نحو و شیخ محمد  
حریری صاحب حاشیه شرح فاکهی بر قطر و شیخ حسن بوری  
شارح دیوان فارص و عائشه باعونیة صاحب بدیعیه مشهور  
است و در شمالی دمشق قطعه ایست که انرا حبه عسالی  
گویند و مشهورترین قریه های آن صیدنا یا است و در شمال  
شرقی قطعه معلوله است و در اطراف آن چند قریه است مثلاً

التینه و نجه و غیر آنها و در شمال شرقی معلولا قطعه بی رود  
است و در جوار آن رأس عین و معره باش کردی و فلیطاء و کل  
و فسطل است و در شمال شرقی فسطل نیک است و ما بین  
نیک و غوطه را ارض تحتیه مینامند و در جوار نیک قاره  
و هر دو معتدل ترین قطعات این دیارند و در خوبی آب و هوا  
ضرب المثل اند و در شمال شرقی نیک دیر عطیه است و مینا  
دیر عطیه و قدمر حمیره و حفرو صدراست و میانه قدمرو  
دیر حیر و طیه و سخته و ارك است و در غربی نهر مسکنا و  
حام و رضاهشام و رجبه و اقست و در وادی نهر بردی  
و جهت شمالی و جنوبی آن ضیاع و قریه های بسیاری است که  
از جمله آنها فیجه است و دیگر بلودان و زبدانی است و در این  
نواحی سیب بسیار است و بوستانها از آنجا تا دمشق بیک  
دیگر متصل است و آب و میوه و محل تفرج و تماشاهای این  
ریا که مردمان قصد آنها میکنند از سایر بلاد بیشتر است  
مثل صالحیه و قاره و نیک و نیرب و ربوه و منشار و بیت  
راس و آن موضعی است که کینزیرید بن عبد الملك اموی باراد  
الهی رخا لا نفعه در آن وفات یافت و آن در وقتی بود که بجهت  
تفرج و عیش در بیت راس آمده بود و گفت که مردم چنین  
کمان دارند که از برای احدی ممکن نیست که یکروز عیش کامل  
بکند که منعصر نکردد و من اینمطلبه با تجربه میکنم و علی الصبا  
امر کرد که از واقعات و حوادث مملکت اصلاً باو خبر ندهند و  
با کینز خود حبابه که بسیار مایل باو بود خلوت کرد و او از برای



ملك تغنى ميگرد تا اينكه طعام حاضر كردند پس ملك با حنا مشغول  
بطعام خوردن شدند و از برای ملك قدری از انار بیدت داس  
که دانه هکاد رشتی داشت آورده بودند حبابه یکی از انهارا  
شکست و دانه از انرا تناول کرد از قضایای الهیه اندانه کلوی  
اورا گرفته هماندم وفات یافت پس ملك در مائرا و جوع و فرغ  
شدیدی کرد تا اینکه مریض شد و در همان ماه وفات یافت  
اما بعلبك در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و بعد از استیلاء  
مسلمین تا مقدار هفت سال از تاریخ هجری نیز بعظمت قدیم خود  
باقی بود و پس از آن انحطاط یافت و حال از آن قلعه باقی مانده  
که از بناهای عجیبه شهرده میشود و مردم انرا از بناهای  
سلیمان بن داود میدانند و موقع این شهر در شمال شرقی سهل  
بقاع است در نزدیکی آن مخرج هر لیطانی است و ابهای نهر  
برزونی که مخرجش در کوه لبنان است بان اصنافه میشود و  
میان زحله و معلقه جاری میگردد و هر یکفونه و هر عنجر از  
جهت جبل شرقی بان اصنافه میشود و بلده انرا ابو الفداء عین  
الحجر نامیده و در نزدیکی آن قریه مجدلاست که انرا مجدلا عنجر  
میگویند و اکثر اهل بلاد بعلبك متاوله اند و اما جبل شرقی  
که در جهت عنجر است وادی حریر انرا خرق میکند و بعد از آن  
وادی تنکی است که انرا وادی قرن مینامند و در جنوبی آن  
وادی بکه است و در جنوب این وادی جبل شرقی بدو قسم منقسم  
میشود که غربی آن در جهت هر لیطانی است و شرقی بکوه  
شیخ منتهی میشود و انوادیکه میانه آنهاست وادی تیم اعلی می

گویند و از قریه های آن دیر عشائر و نیطه و کفرقوق و بکیفا و  
راشیاست و وادی تیم اسفل متصل بان است و از قریه های  
آن میس و کفر و حاصدیا و عین جرفا و شعبه و راشکیا فخر و  
هباریه است و حکام این بلاد احرار شاهابین بوده اند و  
اهل آن از مسلمان و نصاری و در روز مخلوط است و در جنوب  
آن موضعی است که انرا قل قاضی میگویند و در شرقی آن  
بانیا س است اما جبل شیخ کوهیست که در کتب مقدسه کوه  
حرمون نامیده شده و در جنوب شرقی آن قلم بلان است و از قریه  
های این قلم عربنه و بیت جن و در بل و قلعه جندل و غیر اینهاست  
و در جهت جنوب مشق وادی عجم است و از قریه ها آن جلدیده  
و قطنا و عرطوز و داریا و دیر علی و عادلیه و صحنایا است و در  
جنوب وادی عجم قطعا ایست که انرا جید ورمیگویند و از قریه ها  
آن بواریث و دیر بخت و دیر عدس و صمنین و کفر شمس و غیر اینها  
و در شرق بحیره حوله و بحیره طبریه ارض جولان است اما ارض  
حوران در جنوب شرقی دمشق است و آن بنقره و لحاء و جبل  
حوران تقسیم میشود و در شرقی کوه حوران ارض بئینه است  
آن زمینی است که در کتب مقدسه ارض باشان نامیده شده  
و از قریه ها آن بئینه و دومه و عیون و مجدلا و صلیخا است  
و اهل این بلاد عرب و نصاری و در روزا است و اما قطعه کوه  
عجلون باراضی که از جهت شمال میانه هریر موك و از جنوب میانه  
هریر بقاء واقعست مشتمل است و حالك آن خوب و مرتعهایش  
بسیاست این قطعه بهشت قسم منقسم است کفار او سر



وجهامنه و واسطیه و بنوعبید و کوره و جبل عجalon و معراض  
است و لکن حال اکثر آنها ویران است و از جمله آنها کداده است که  
انرا ام قلیس میگویند و دیگر ابیلا و اربیلا که حال انرا اربد میگویند  
و بذا که انرا کفر بیل میگویند و محنایم که انرا محنه میگویند و از غو  
که انرا ارحب میگویند و کراسا که حال جرش میگویند و بنزدیکی  
قریه عجalon قلعه ربض است که انرا با عوثة نیز میگویند و از  
جنوبی خمر زقاء تا همر موجب بقاء است و در شمالی ان کوه صلت  
است و از مواضع قدیم ان جلعا د و عمون است که حال عمان میگویند  
و حشبون که حال حسان میگویند و دیگر عال و نبا و ماعین و عرا  
و ذنبان است و در زمان قدیم ارض بنی همون در جنوبی این قطعه  
بوده و از جنوبی همر موجب که انرا همر انون میگویند تا احساء  
ارض کرک است که ارض موآب یا قوم لوط بوده و از قریه های ان  
کرک است که انرا کیر موآب میگویند و دیگر رابه و زغر است و  
از جمله شهر هائیکه در کنار بحر متوسط از جهت شمال بان بتدای  
شود لاذقیه است و در زمان قدیم از شهر های معتبره بوده  
و احراء توخین در ان مسکن داشته اند و محمد بن اسحق توخین  
انجا وفات یافته و در زمان قدیم تجارت شراب در ان وسیع بود  
و لکن حال بیشتر تجارت ان در تن و پنبه و کندم و جو و زیت  
عسل و شمع ویشم است و زلزله در ان بسیار حادث میشود  
و در سنه ۱۷۶۰ بسیاری از ان بواسطه زلزله خراب گردید و  
اهلش مقدار ۴۰۰۰ نفس از مسلمان و روم است اما شهر حله  
چیزی که قابل ذکر باشد بغیر از جامه عیکه سلطان ابرهیم انرا بنا

کرده در ان نیست اهلش مقدار ۸۰۰۰ نفس است اما شهر  
طوس که در زمان قدیم انرا انترادوس مینامیدند و ابو الفدا  
انرا انطرطوس نامیده اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفس است حال قریب  
بحر ابیست و در جهت شمال شرقی طوس بمساء ساعت قلعه  
حرقب است و ان در سر کوهی واقعست که بمقدار هزار قدم از  
مساوات دریا حرقبست و اما جزیره رواد در جنوب غربی  
طوس بمسافت ۳ میل واقعست و ان جزیره کوچکی است که  
محیطش مقدار ۵۰۰ قدم است و اهلش مقدار قلیلی است اما  
جبال نصیریّه در شرقی اما کن مذکوره است و ان چند قطعه است  
که از جمله آنها خوانی است و این قطعه در جنوب شرقی حرقب است  
و در ان مقدار ۵۵ قریه است که اهل آنها نصیریّه و اسماعیلیّه  
و مسلمان و روم است و دیگر قطعه حرقب است و در ان مقدار  
۹۰ قریه است که اهل آنها نصیریّه و مسلمان و بضاری از طائفه  
موارنه و روم است و حکام این دو قطعه احراء بنی عذر اند  
و دیگر قطعه قدموس است و حکام ان اسماعیلیّه اند و آنها  
دو طائفه اند حجاویه و سویلانیّه و تمام بدقت احراء خوانده  
میشوند و در این قطعه مقدار ۱۷۷ قریه است که اهل آنها  
اسماعیلیّه و نصیریّه است و در جهت شرقی حرقب واقعست  
و در شمالی ان قطعه سمت قبله است و بمقدار ۱۲۰ قریه مشتمل  
است و جمیع اهالی ان نصیریّه است و دیگر قطعه بنی علی است  
و در ان مقدار ۳۰ قریه است که اهل آنها نصیریّه است و  
دیگر قطعه قریاحه است و در ان مقدار ۸۰ قریه است که



اهالی آن نصیریه اند و دیگر قطعه جبل مهالبه است و در  
آن مقدار ۴۷ قریه است و اهل آنها نصیریه است و دیگر قطعه  
خریره است و این قطعه بسه قسم منقسم است خریره و عمار  
و ساحل خریره و در جمیع آنها مقدار ۱۱۰ خانه و خریره است  
و دیگر قطعه صهیون است و در آن مقدار ۴۷ قریه است  
اهل آنها مسلمانند اما ساحل لا ذقیه مقدار ۵۰ قریه از قریه  
های نصیریه در آن واقعست و در شمال شرقی لا ذقیه قطعه  
بهلویه واقعست و در آن مقدار ۴۷ قریه است و اهل آنها  
نصیریه اند و در شمال شرقی آن قطعه کوه اکراد است و در آن  
مقدار ۲۰ خانه و خریره است و اهل آن نصیریه و اکراد و  
ارمن است و در شرقی طوس صفیطه واقعست و اهل آن  
مقدار ۵۰۰ نفر از روم و ۳۰۰ از مسلمان است و در تمام این  
قطعه مقدار ۵۰۰ نفر است که مقدار ۵۰۰ از آنها نصیریه  
و ۱۰۰ روم و ۱۰۰ موآرنه و باقی مسلمانند و در جنوب شرقی  
آن دیر حمیراء است و در نزدیکی آن عین دوریه است که مگر  
ابش جاری و مدتی قطع میشود و جریان و انقطاع آن بحسب  
اختلاف فصول است و این همان نهر سبتی است که بعضی از  
مورخین اشاره بان کرده و در جنوب شرقی این نهر قلعه حصین  
است که در زمان قدیم بحصین الاکراد معروف بوده اما بلاد عکا  
بجنوبی قطعه حصین متصل است و در آن مقدار ۴۰ قریه است  
و اهلش مقدار ۷۰۰ نفر از متاوله و ۵۰۰ از نصیریه و ۱۰۰  
از روم و ۴۵۰ از موآرنه است و اشهر قریه ها آن عکار است

که در زمان قدیم مقام احرار بنی سیفا بوده و حال زیاده از ۳۰  
خانه در آن نیست اما شهر طرابلس در طول شرقی ۲۰ ۴۴ ۲۵  
و عرض شمالی ۲۶ ۲۶ ۳۴ است و مسلمان در سینه ۶۸  
از فتح کردند و بوستانهای آن بسیار است و اهلش بشتت  
باسر و غرت نفس موصوفند و تجارت آن وسعتی ندارد و اما  
بترون که یونانیان از ابرترین نامیده اند اهلش مقدار ۳۰۰۰  
نفس است و اکثر آنها موآرنه اند و اما شهر جبیل اهلش مقدار  
۶۰۰ نفر است و در نزدیکی آن آثار قدیمه معتبره یافت می  
شود و اما شهر بیروت در طول شرقی ۲۸ ۵۳ ۳ و عرض شمالی  
۵۰ ۳۳ ۳ واقعست و بنای آن خوب و آبش خوشگوار است  
هوای آن لطیف و پاکیزه است مگر در نواحی بیروت که در  
ایام تابستان امراض بسیار را ناجا حادث میشود و اهل آن  
مقدار ۸۰۰۰ نفر است و تجارت آن خوب است و اما صیدا  
در جنوبی بیروت واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر است  
و در زمان قدیم تجارت وسیعی داشته و لکن حال به بیروت  
محول شده و در جنوبی صیدا در طریق صور قریه صرفند است  
و در نزدیکی آن موقع صید است و اما صور در جنوبی  
صیدا است و میان آن و عکا فاصله یک روز و نصف است و  
اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفر از متاوله و بضاری است و اما  
عکا در جنوبی صور واقعست و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر از  
مسلمان و بضاری است و در جنوبی آن شهر حیفاست و آن  
قابل ذکر نیست و بدانکه بلاد تابعه جبل لبنان ۲۱ قطعه



قطعاً ولی از جهت شمال زاویه است تا شرقی طرابلس و در آن  
کوهیست که انرا تر بل میگویند در قریه کوره است تا جنوبی طرابلس  
و آن دو قسم است علیا و سفلی و از قریه های کوره علیا امیون  
و از قریه های کوره سفلی نخله و قلمون و فیح و بلند است سیم  
جبه بشره است تا جنوبی طرابلس و از قریه های آن بشره و  
اهدن و طراز و حصرن و کرم سده و برعون و حدشبت و حدث  
است چهارم جبه منیطره است و از قریه ها آن منیطره و میر و با  
و عافوره و توریست است پنجم بلاد بترون است و از قریه های  
آن عربنه و کفر خلتر و بقیه و بشعله و دوما و صورات و اصیا  
و حلتا و حردین و بشتودار است ششم بلاد جبیل است و از قریه  
های آن شیت و بر باره و غرزوز و منصف و کفور و نجعاز است  
هفتم فتوح است و از قریه های آن بوار و غنیه است هشتم  
کسروان است و از قریه ها آن خزعه کفر ذبیان و شبر و وح و  
ریفون و جعیتا و عجلتون و غزیر و عرمون و غسطا و ساحل علیا  
و عین طوره و زوق مکایل و زوق مصبح و زوق اکراد است نهم  
متن است و آن در شرقی بیروت است و از جمله قریه ها آن غاریا  
و عبادیه و هلالیه و رأس المتن و خریبه و شبانیه و صلیما و  
فالوغا و کفر سلوان و متین و شویر و بسکت است دهم ساحل  
بیروت است و از قریه ها آن سن الفیل و بوشریه و شیاح و برج  
و حدث است یازدهم غربا است و آن دو قسم است اسفل و اعلی  
و از قریه ها غرب اسفل شویفات و بشامون و عین عنوب و یرقوب  
و سر محول است و از قریه ها غرب اعلی و بسوس و کماله و سو

غرب و عیثا و شمالان و عیناب است دوازدهم جرد است  
شرقی غرب و از قریه ها آن بشار و بحدون و شارون و بدن غل  
و عین داره و رشمیا و بجواره است سیزدهم شحار است و از  
قریه ها آن عبیه و کفر متی و عین درافند و بوم و ناعه است  
چهاردهم قطعه مناصفا است و از قریه ها آن دیر قمر و بیت  
الدین است پانزدهم عرقوب است و آن دو قسم است اعلی و ادنی  
و از قریه ها اعلی عین زحلتا و بمهریه و ورهائنه است و از  
قریه های ادنی باروک و فریدیس و کفر نبرخ است شانزدهم  
شوف است و از قریه ها آن مختاره و عین قنیه و بعدران و  
عین ما طور و غریفه و عین بال و جدیده و سمقانیه و بعقلین  
است هفدهم عربی بقاع است تا شرقی شوف و عرقوب و از  
قریه ها آن زحله و معلقه و مکسر و جدیده و مشغره و سغبین  
است هیجدهم اقلیم جزین است و از قریه ها آن جزین و کفر حونه  
و جرجوع و بکاسین و روم و بیره و قیوله است نوزدهم اقلیم  
تفاح است و از قریه ها آن برامیه و حبابیه و عبرا و صالحیه  
و هلالیه است بیست و یکم اقلیم خرنوب است تا غربی شوف و از  
قریه ها آن برغوثیه و حسانیه و مغریه و دبنیه و زعرویه  
و برجاست بیست و یکم جبل رحمان است تا جنوبی این اقلیم  
و از قریه های آن میدون و ردیه و غیر اینهاست و اقلیم کوه  
و جبل رحمان در تحت یالت مشایخ جنب لاطیه بوده و آنها  
بزرگترین مشایخ این بلاد بوده اند و عدد نفوس در این دو  
قسم که احصا شده انرا اینقرار است که ثبت میشود



# فصل هشتم

۸۴

عدد نفوس در قسم شمالی			
نضاری	در روز	مسلمین و متاولة	مقاطعات
۱۰۰۴۴		۱۹	مقاطعه کسری
۷۴۷۰		۳۱۹۵	بلا د جیل و جبهه <sup>منطقه</sup>
۵۸۰۳		۱۸۸	بلا د برون
۲۰۹۹			فوق
۱۷۳۱		۵۰	ناروبه
۴۸۵		۱۳۹	فوتیخ
۱۰۲۰۰			جبهه بشره
۲۵۰۰		۱۲۵	کوره
۴۱۸۱			قاطع المتن
۱۴۶۱۷	۲۱۵۴	۲۰۰	منج و خله و ساحل <sup>بریت</sup>
۲۸۲		۵	نسکنتا و قالیان
عدد مجموع			
نضاری	در روز	مسلمین و متاولة	
۶۰۴۱۲۲	۲۱۵۴	۳۹۳۳	
عدد نفوس در قسم جنوبی			
نضاری	در روز	مسلمین و متاولة	مقاطعات
۸۷۲			ساحل بیروت
۱۴۵۱	۱۰۸۱		غرب اسفل
۱۵۶۳	۷۷۱		غرب اعلی
۲۰۱۵	۸۹۱		جرد

# در بلاد ترک در آسیا

۸۵

۱۳۰۵	۱۱۵۳	عقوب اعلی و اسفل
۱۱۱۷	۸۳۸	مناصف
۱۵۳۱	۹۹۰	شمار
۳۲۷	۶۸۶	جبل ریحات
۱۳۲۵	۳۵۱۷	شوف
۳۲۷۱	۹۷	اقلیم جزین
۱۷۸۴	۳۱	اقلیم قنق
۱۵۰۲	۱۰۱۵	اقلیم خرب
۱۷۷۷	۳۰۰	دیرومر
۱۹۹۴۱	۱۱۳۷۰	مجموع
۶۰۴۱۲	۶۰۸۷	مجموع قسم شمالی
۸۰۳۵۳	۱۷۴۵۷	مجموع هر دو قسم

اما بلاد شقیف را صفا است که میانه هر زهرانی و قاسمیّه و قه  
است و اما بلاد بشاره در جنوب شرقی صورت است و اکثر اهل  
ان متاولة اند و از قریه ها این بلاد بنت جیل و حدیث و طینه  
وزیریّه و بدیاس و قانا است و مرج عیون تابع بلاد بشاره  
و از قریه ها ان ابل قح و مطنه و کفر کلی و قلیعه و جدید و ضیم  
و ابل الهواء است که انرا ابل و مرج عیون میگویند و اما بلاد صفد  
که انرا صفت نیز میگویند از اصول قریه های ان قدس است و  
دیگر صفد است و اهل ان مسلمین و یهود و قلیلی نصاری است  
و دیگر عکبره و میرون و کفر برم و جش است و در غربی بلاد صفد



قطعه ایست که انرا جبل میگویند و از قریه ها ان ترشیجه و  
سعسع و غیر اینهاست و اهل ان بضاری و در روز و مسلمان  
و در جنوبی جبل میانه عکا و طبریه قطعه شاغور است و از  
قریه ها ان منصوره و مغار و مجد کرم و رامة و کفر عنان  
غیر اینهاست و اهل ان در روز و بضاری و مسلمان اند و اما  
بلاد ناصره از قریه ها ان ناصره و کفر گنا و صفوریه و اکسل  
ام جبیل و قانای جلیل است و اما بلاد طبریه از جمله انها طبریه  
است که از بناهای هیرودس است و در زمان خلافت عمر بن  
خطاب سنه ۳۷ مسیحی مسلمان این بلاد را فتح کردند و  
از جمله قریه ها این قطعه مجد و کرک و کفر سبت و عولم و تو  
و سیرین و حطین است و اما بلاد نابلس قطعه است اول  
قطعه جانین است و از قریه ها ان جانین و عرانه و جلبون و  
نورس و زر عین و سولم و نین و بلیسان و برقین است در نیم  
حارثه است و از قریه ها ان طوباس و سیرس و جدید و کفر  
و میثلون است سیتم شعراویه است و ان دو قسم است  
شرقیه و غربیه و از جمله قریه ها شرقیه فند قومیه و سیله  
الظهر و دیر و رامة و فحجه و جبع و سانور است و اما شعراویه  
غربیه در میانه شرقیه و بحر و اقصی و از جمله قریه های ان  
قانون و دیر و محالد و زیتا و عتیل و غیر اینهاست چهارم واد  
شعیر است و از جمله قریه ها ان بیتا حمرین و برقه و رامین و  
طول کرم و سبطیه است پنجم بیتاوی است در شرقی نابلس  
از جمله قریه ها ان بیتا و هو دلی و سالم و بیت جن و عقربه

وسیلون است ششم قطعه بنی صعب است و از جمله قریه ها  
ان حجه و فندق و عزون و جلیحله و کفر سابا و ارسوف و غیر  
اینهاست هفتم جوره عمره است و از جمله قریه های ان بوزین  
و بیت ایبا و رافیدیه و غیر اینهاست هشتم جوره مرد است  
و از جمله قریه های ان عین ابوس و حواره و فرخه و لبن و ساقه  
و غیر اینهاست اما شهر نابلس همان شهر شکیم است و میانه  
کوه عیبال و کوه جرزیم واقعست و اکثر اهل این بلاد مسلمان  
و اما شهر یافا در کنار دریا واقعست و بوستانها پیش بیا  
است و میانه ان و اورشلیم مسافت ۴۰ میل است و اهلس  
مقدار ۹۰۰۰ نفر است و اما رمله در جنوب شرقی یافا واقع  
است و شیخ خیرالدین صاحب فتاوی الحزیه که پیش فقها و علما  
مشهور است منسوب باینست و اما الد در شمال شرقی رمله  
واقعست و در زمان قدیم شهر عظیمی بوده و اما شهر اورشلیم  
که بقدرش شریف معروفست مشهورترین شهرهای عالم است  
ولکن حال از عظمت قدیمه انحطاط یافته و اعتباری از برای ان  
نیست مگر بجهت اماکن مقدسه مشهوره که در ان و اطراف  
انست که بضاری از جمیع اقطار برای زیارت انها می آیند و واد  
های بسیاری بان احاطه دارد که از جمله انها وادی بن هینوم و  
وادی یوشا ط است در جنوب غربی اورشلیم بمسافت ۵۰  
قریه بیت لحم است که مولد حضرت عیسی است اما شهر جبرین  
که انرا خلیل میگویند در جنوبی اورشلیم بمسافت یک روز راه  
است حضرت ابرهیم واسحق و یعقوب در ان ساکن بوده اند و اما



شهر غزه در جنوب غربی خلیل بمسافت یک روز راه واقعست  
و ابن حوقل ذکر کرده که قبر هاشم بن عبد مناف در آنجا است و  
امام شافعی در آن تولد یافته و عمر بن خطاب در زمان جاهلیت  
در آن سیر شده و در شمالی آن شهر عسقلان است و در آن  
اثار قدیمه یافت میشود و اما عریش بعضی آنرا از مصر و بعضی از  
فلسطین میدانند و آن در جنوب غربی غزه واقعست و آثار قدیمه  
در آن یافت میشود **فصل هفتم در بلاد عرب** و آن از  
جهت شمال بفلسطین و بعضی سوری و جزیره و از شرق بحزیره  
و عراق عرب و بحر فارس که آنرا خلیج عجم میگویند و بعضی بحر هند  
و از جنوب بمابقی بحر هند و از غرب ببوغاز باب مندب و  
بحر احمر که آنرا بحر قلزم میگویند و ببوغاز سولیس و بعضی شام  
محدود است و میانه ۱۲۱۲ و ۳۵۵ عرض شمالی و ۳۳۱۲  
و ۵۹ طول شرقی است و معظم عرض آن مقدار ۱۱۵۰ امیل و  
معظم طولش مقدار ۱۱۰۰۰۰ امیل است و عدد اهل آن مقدار  
۱۰۰۰۰۰۰ نفر است و این بلاد به پنج قسم تقسیم میشود  
بین و حجاز و قحطیه و نجد و یاممه اما ارض بحرین نزد اکثر اعراب  
شمردن میشود و لکن فی الحقیقه از بلاد عرب است مگر این که  
متصل بعراق است اما بین آن سه جهت بدریای قلزم محدود است  
و جهت چهارم قحطیه و یاممه و بحرین است و اقسام آن حضرموت  
و شحر و مهره و عمان و بحرین است و بعضی گفته اند که وجه تسمیه  
آن بهین وقوع آنست از زمین کعبه در وقت استقبال مشرق مثل  
وقوع شام از شمال آن و اما حجاز در جنب بحر احمر واقعست و

وجه تسمیه آن بحجاز حجاز بودن آن میانه نجد و قحطیه است اما  
نجد از جهت شمال بشام و از شرق بعراق و از غرب بحجاز و از جنوب  
بیمامه متصل است و بهترین اراضی بلاد عرب است و اما یاممه  
میانه نجد و بین است و از شرق بحرین و از غرب بحجاز متصل است  
و ابواسحق صطری ذکر کرده که در ناحیه ایله برتیه ایست که آنرا  
تیه بنی اسرائیل میگویند و آن اگر چه بدیار عرب متصل است  
لکن از دیار اهلان نیست و عرب در آن بمرتعی ندارد اما اهل  
این بلاد حالاتشان کماکان معلوم نیست چه که در اعصار قدیمه  
تاریخی بی اعتبار تر از تاریخ اهلان بوده و لکن آنچه معلوم است  
اینست که بعضی از اولاد سام بن نوح در عراق متوطن بودند  
و بنو حام اهلان را از آنجا بیرون کردند پس بعضی در جهت شمال  
باشور رفتند و برخی در سمت غرب ساکن شدند و چونکه  
در لغت اصلیه حرف غین نبود اهلان را عرب نامیدند پس عرب  
به معنی غرب است و نسل اهلان بدسل اسمعیل و مدیان و عیسو  
و لوط مخلوط گردید و در جهات جنوبیه با قبائلیکه از نسل  
حام بودند مخلوط شدند و از اهلان قبایله ها و نسلهای بیاری  
پیداشد که بعضی از اهلان منقطع و برخی در تحت نسلهای دیگر  
مندرج شد و در زمان جاهلیت با انواع مختلفه عبادت باطله  
کردند و خداوندان و بتهای بسیار مثل لات و عزی و هبل و  
نسرو سواع و یغوث و غیر اینها داشتند و اکثر اهلان پرستش را  
و ماه و ستاره کان میکردند و از این جهت ساهی اهلان عبد الکر  
و عبد یغوث و عبد الشمس و عبد المشتی و امثال اینها بودند و



در زمان قدیم در فصاحت و بلاغت و حذاقت و کرم و شجاعت  
و نظم اشعار شهرت عظیمی داشتند و در اوقات معلومه در  
اماکن معینه از برای بیع و شری و معاشرت بیکدیگر و انشا اشعار  
جمع میشدند و از جمله اشعار آنها معلقات سبع است که بخانه  
کعبه او میخواندند و علمای اسلام بواسطه فصاحت و صنائع شعری  
که در آنها بود بشرح آنها بسیار اهتمام کردند و در اثناء سنه  
۶۲۲ مسیحی که سنه هجرت است دین اسلام قوت گرفت و بکثرت  
از اعراب مسلمان شدند و در سنه ۲۷۷ هجری طائفه قریظ  
قوت گرفتند و بکوفه و بصره و ارض بحرین غلبه کردند و لشکر  
عظیمی از آنها را تحت دایت ابی طاهر خلیفه قریظ بمکه آمد و از آنها  
و غزایان مقدار ۳۰۰۰۰ نفر را بقتل رسانیدند و از خانه  
کعبه حجر الاسود را گرفتند و در او اواخر قرن ماضی طائفه و نهاده  
قوت گرفتند تا اینکه بالآخره ابرهیم پاشا با آنها ظفر یافت و  
بدانکه جانب عظیمی از بلاد عرب صحراهای است که باران در آنها  
بندرت میبارد و چیزی در آنها نمیرود مگر گیاه کمی که مرتع موا  
اهل بادیه است و لکن وادیهای خوب که صاحبان و درخت  
بخصوص در نواحی حضرموت و شحر که از بلاد یمن است بسیار است  
و از جمله کوههای این بلاد کوه عارض است که از جهت شمال و  
جنوب ممتد است و طرف جنوبی آن در نزدیکی صعد ببلایمن  
متصل است و از آنجا از جهت شمال تا نزدیکی خلیج عجم ممتد است  
و دیگر کوه احد و کوههای مکه و مدنی است که آنها را اخاشبی  
گویند و کوههای سودا که در نزدیکی کوه اجاست نیز اخاشبی

گویند و میان آنها بیابان ریک زار است اما هر یک که کشتی از آن  
عبور کند در بلاد عرب نیست از کوههای آنها جویهای بسیاری  
سراسیمه میشود و لکن در ریکهای کرم فرو میرود و بدریا  
نمیرسد و در نزدیکی صنعاء یمن هر کوچکی است که بدریای همد  
متصل میشود و هر دیکری در بلاد مکه است که آن نیز در آنها  
دریا داخل میشود و اما هوای این بلاد در کوهها معتدل و در  
بیابانها بسیار گرم است و در شمال یمن از ماه حزی بران تا تشرین  
دویم باران میبارد و در شرقی آن از تشرین دویم تا شباط و  
در حضرموت و عمان از شباط تا نسیان و در اکثر صحراهای آنکه  
باران بسیار در بعضی از نباتات برثیه در آنها میرود و  
احیاناً باد سموم با آنها میوزد و تمام را میسوزاند و اما اشجار در  
بادیه ها غیر از بعضی از اشجار که آب کمی آنها را کفایت میکند نمیرود  
و لکن در بعضی از وادیها و کوهها کز و حنا و زنجبیل و یاسمین  
و ترهندی و خرما و نخی و کدو و جو و قهوه و تن و فلفل و صبر  
بارنجان و انار و بادام و پسته و زردالو و سیب کلابی و لیمو  
و انجیر و شقایق و نرجس و خربزه و موز و طلح که صمغ عربی از  
آن است و نارچیل و لبان یافت میشود و اما حیوانات بلاد عرب  
از جمله آنها اسب است که در خوبی مشهور و معروف است و دیگر  
شتر و گاو میش و گاو وحشی و خرو و بز و گوسفند و حماد وحشی  
و بربری و خنزیر و خرگوش و اهو و شیر و کفتار و یوز و کرکس  
و روباه است و در جهت جنوبی سناس یافت میشود و از جالو  
موزی مار و عقرب و انواع مورچه و رقیلا یافت میشود و در



غالب اوقات ملخ باین بلاد هجوم میکند و غله و اشجار آنها را تلف مینماید و اما معدنهای بلاد عرب حال گمراست و لکن زمان قدیم بسیار بوده و الان در بعضی از اماکن آنها آهن مس و ارزیز و جزع و عقیق و لؤلؤ یافت میشود و شکی نیست که در انجام معدنهای بسیاری است که تاکنون کشف نشده بخصوص در نواحی طور سینا و اما تجارت این بلاد در زمان قدیم وسیع بوده و حال گمراست و از جمله چیزهایی که از آنجا بلاد دیگری رود قهوه و صمغ عربی و صبر و حر و سنا و فلفل و حناء و عود و غیر اینها از عتبات است اما شهرهای این بلاد مشهورترین آنها مکه است و آن از آنجا است و بنی چاه و حرم چشمه ای در آن نیست و آن برای شامیدن خوب نیست چه که مورث قریه بتورات میشود و مقتدر بالله که از خلفای بنی عباس بود از مسافت بعیده ای در آن جاری کرد و مسجد الحرام که خانه کعبه در میان آن واقعست در آنست و اهلش مقدار ۲۰۰۰ نفری است و از تجارت با حجاج امور معیشت خود میکند و در عربی مکه در کنار دریای قلزم شهر جدیده است و آن بندر مکه است و در طول شرقی ۳۹۶ و عرض شمالی ۲۱۳۳ واقعست و اهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفری است و از اهل هند و یمن و مصر و شام و مغرب و بلاد ترک مخلوطند و از اماکن مشهور مکه صفا و مروه است و دیگری وادی منی و کوه عرفات و خزدلفه است که از جامع و بطن محشر نیز میگویند و در جنوبی مکه کوه ثور است و ثلث کوه دیگری است که از منی و خزدلفه دیده میشود

و نیز اسم چند کوه است نزدیکی مکه سوای کوه مذکور مثل ثلث ریح و ثلث اعرج و ثلث خضراء و ثلث نضج و ثلث غنیاء و ثلث احدیه که از اثره میگویند و غار مشهور که حضرت رسول با ابی بکر در آن مخفی شدند در کوه ثور واقعست و شیخ محمد بوصیری در قصیده که معروف به برده است اشاره بان کرده و ماهوی الخار من خیر و من کرم و کل طرف من الکفار عنه عی فالصدق فی الخار والصدق لم یرمأ و هم یقولون ما بالغار من ارم و در شمال غربی مکه قریه حدیبیه است و بعضی گفته اند که بعضی آن در حله و بعضی در حرم است اما تبوک در شرقی ایله واقعست و در سنده ۹ هجری واقع عظیمی میان سملین و روم در آن حادث شد و در شرق تبوک دو مذهب جدا است و در همان سنده که غزوه تبوک واقع شد خالد بن ولید از آن فاتح گرد اما حجر بکسر جاء در جنوبی و مذهب جدا است و بعضی گفته اند که دیار ثمود از آنجا بوده و اما حجر بفتح جاء در نزدیکی شهر میامه است و هر دو مذهب قبیله بنی حنیفه و بعضی از فضا است و بنی حنیفه از قبیله بکر بن وائلند که مسلمانند کذاب که ادعای نبوت کرد از آنها بود و ایشان از عرب مستعربه اند از قبیله ربیع فرس که حریری صاحب مقامات مشهور از آنهاست و اصل او از قریه مشان بوده و قبور ایشان صیحه در حرب مسیله کذاب در زمان خلافت ابی بکر کشته شدند و حجر مذکور واقعست و در بلاد عرب مواضع عدیده باین اسم مستی است مثل حجر راشد در دیار بنی عقیل و حجر بنی سلیم و حجر دوسر و وادی دیگری در بلاد عذره و غطفان و مو



دیگری در یمن و حذام جدیسیه که او را زرقاء جو نیز میگویند  
و مسافت سه روز را هر امیدیده و کروتیت زمین پیش از چرخ  
نبوده چنانچه درباره او گفته اند انا قلت حذام فصد قوها  
فان القول ما قلت حذام اصل او از یمامه از مکانی است که انرا  
میگویند و او مابین مردم ضرب المثل است چنانچه ابو طیب گفته

بر تنی الشری بری المکفر دینی	خف علی المکوب من نفی جری
و ابصر من زرقاء جو لانی	متی نظر عینای ساواها علی

و بعضی گفته اند که اسم او یمامه بوده و بلد یمامه با اسم او نامیده  
شده و بواسطه کبودی رنگ او ملقب بزرقاء گردیده و مائیماء  
در شرقی حجر واقعست در زمان قدیم معورترازان بوده و در آن  
قلعه ایست که معروف با بلوق فریاست و منسوب بسهموال بن  
عاد یاه یهودی است و اما ثعلبیه در شمال شرقی یماء است  
در شمال شرقی آن فید واقعست و آن از نجد است و در نصف  
راه قاصدین عراق از کوفه نزدیک کوه اجا و سلما واقعست و  
در غرب حجر مدین واقعست و در آنجا چاهی است که بعضی گفته  
اند که آن چاهی است که موسی کوسفندان شعبیه از آن سیراب  
میکرد اما مدینه اسم مشرب است و لکن غالب انرا مدینه  
میگویند و آن در زمینی مستوی واقعست و در شمالی آن کوه  
اخذ و در جنوبیش کوه عیراست و درخت خرمای آن بسیار است  
و اکثر ارضی آن قابل زرع نیست و بدیشتر چیز هائیکه در آن  
محل احتیاج است از مصر میاید و انرا مدینه الرسول و ام القری  
و طیبه نیز میگویند چنانچه شیخ عمر فارض گفته تیقتان لا

دار من بعد طیبه تطیبان لا غرة بعد غرة و اما خیبر در جهت  
شمال شرقی مدینه بمسافت ۴ منزل واقعست و قبائل یهود متغیر  
که بمکر و حیل و خباثت موصوفند در آن ساکنند و بعضی گفته  
اند که آن از عاقله بوده و بعد به بنی غرغ بن اسد بن ربیع رسیده  
و هوای آن بد و مورث تهای شدیده است و درخت خرمای  
آن بسیار است و تمرش بجهات بعیده میرود و اما جارد و جنوب  
شرقی مدینه بمسافت یک روز و یک شب واقعست و آن بندر  
مدینه است و جماعتی بان منسوبند که از جمله انها عبدالملک  
بن حسن جاری احوال است و در جنوب شرقی آن ابی است که انرا  
بدر میگویند و در نزدیکی آن قریه بدر است که واقع مشهور  
میان مسلمان و مشرکین قریش در آن واقعشد و بالاخره اهل  
اسلام ظفر یافتند و از جمله اشخاصیکه در آن روز از مشرکین  
کشته شد بدر بن اسود بن رفعة بن مطلب بن نوفل قرشی  
بود و اما جحفه در جنوب شرقی بدر است و حال خرابی و بکرا  
است و میان جحفه و مکه عسفان است و آن منزلی است در  
راه قاصدین مصر و شام و انرا مدح عثمان نیز میگویند و اما  
طائف در شرقی مکه واقعست و سردترین اماکن حجاز است و  
میوه ها آن بسیار است و در نزدیکی آن بوستانها نیست که  
از چشمه ها و جویها نیکه از کوهها سر اشیب میشود سیرابی  
کرد و کل و درخت رز در آنها بسیار است و اهل آن از قبیل  
ثقیف اند که کلیم بن یوسف ثقیفی ملک شام که معروف بحجاج است  
از آنهاست و اما عکاظ در نزدیکی حد میانه یمامه و همامه است



در زمان قدیم در ایام یک شنبه بازاری در آن برپا میشد و هر سال قبائل عرب از برای تفاخر بیکدیگر و انشاد اشعار در آن جمع میشدند و مدت یکماه یا بیست روز در آنجا میماندند و اما صنعا و یمن شهر و انزه شهرهای عربستان است و قصبه یمن است در عرض ۱۵۲ شمالی و اقست و در کرکث الهار و اشجار شبیه بدمشق است و هوای آن معتدل و بازار هایش خوب و تجارتش وسیع است در زمان قدیم پای تخت ملوک یمن بوده و در جنوب شرقی صنعا موقع شهر ماری است که آنرا صبا میگویند با اسم عبدالشمس که ملقب به صبا بود و بعضی گفته اند که در آنجا سد عظیمی ساخت و سیلابها را از مسافت بعیده در آن جاری کرد و در جهت شمال غربی صنعا صعد است که پوستهای مدبوغه از آنجا بسا اتر بلاد میرود و در غربی صنعا بمسافت یکمزل از شط بحر احمر شهر زبید و اقست که قهوه آن با طراف میرود و نسبتش اصلا بان داده میشود مگر اینکه عامه ناس از روی اشتباه نسبت آنرا بمکه میدهند و آن در عرض شمالی ۲۰۱۳ و طول شرقی ۴۳۲ و اقست بنا هایش از خشت خام است و اهلیش مقدار ۵۰۰۰ نفر است و در ۴ منزلیان و ۴ منزلی صنعا بیت فقیه است و آن در اراضی که قهوه در آنجا میرود و اقست و اما شهر عدن در کنار دریای هند و اقست و در زمان قدیم تجارت و سیاحت <sup>مستند</sup> و لکن حال اعتباری از برای آن باقی نمانده و در تصرف آنکریز و محط کشتیهای آنهاست که میانه هند و سویس جاری میشود

و جزیره سقطره که صبر سقطری معروف از آن بسیار بلاد میرود تابع یمن و در تحت حکومت آن است اما شهر مسقط قصبه بلاد عمان است و اهلیش مقدار ۱۰۰۰ نفر است و اما احساء عظم بلاد بحرین است و صاحبهای جاری و چشمه ها بسیار است و درخت خرمایش بسیار است و از آنجا تر بنواحی یمامه میدهند و با کندم معاوضه میکنند و در شمالی احساء در کنار خلیج عجم قطیف و اقست و درخت خرما ی آن مکران احساء است و میانه آنها مسافت دو روز راه است و از بصره بمسافت روزی راه و اقست و میانه آن و کاظمه روزی راه است و بنزدیکی آن در خلیج عجم جزائر بحرین است اما کاظمه در شط خلیج عجم است و اما شهر یمامه در جنوبی احساء و اقست و مسیله کذاب منسوب بان است و در نزدیکی آن وادی است که آنرا حرج میگویند و در آن چند قریه است و در شمال یمامه شهر ریاض است که پای تخت و هابیین و مرکز سطوت آنهاست و تجارت از احساء و قطیف و عمان و مکه و وادی بحران و یمن در آن جمع میشوند و آنها با علی درجه ترفض و تشیع بمذهب و هابیین اند که ابد شراب نمیخورند و تن و سایر درخانیات استعمال نمیکند و استعمال آنرا از اعظم کناهان میدانند و رخصت داخل کردن آنرا در بلادشان نمیدهند و از حال قصبه بلاد نجد است و این بلاد بخوبی سب و شتر و گوسفند مشهور است و در شمالی آن رمول است و در شمالی آن کوه شمر است که قصبه آن شهر حائل است و بنزدیکی آن در سلما



قبر حاتم طائی است و آن در تحت حکومت ریاض بوده و حال صاحب حکومت مستقله است اما وادی چون در حد و بادیه شام است و قصبه آن شهر جوف است و آن نیز تحت حکومت کوه شمر است که شهر حائل قصبه آن است و از جمله شهرهای قدیمه بلاد عرب همج است که در شمال شرقی رنبد واقعست و میانه آن صنعاء منزل است و در جنوب رنبد قلعه تعراست که مقام ملوکین بوده و آن بالای کوهی است که محیط باراضی همام و رنبد است و در شرقی صنعاء شهر ظفار واقعست و آن قصبه بلاد شیخی است و تجارتش با هند است و در اراضی آن بسیاری از اشجار هند مثل نارچیل و قندیل یافت میشود و اما بحران بمسافت ده منزل از صنعاء واقعست و اراضی آن از قبیله همدان بوده و آنها در زمان جاهلیت بتی داشتند که از ایغومینامند و همدان پسر کلان بن سبا بود **فصل دهم در بلاد فارس** عربیه یعنی مملکت ایران بدانکه بلاد عجم در این ایام بچند قسم تقسیم میشود مملکت ایران یا مملکت فارس و افغانستان یا کابل و بلوچستان اما مملکت ایران قسم غربیهاست و آنرا بلاد فارس نیز میگویند و آن از جهت شمال ببعض از مدینه و کرجستان و بحر خزر و بعض بلاد تتر و از شرق با افغانستان و بلوچستان و از جنوب بحر هند و خلیج فارس و از غرب بخلیج فارس و عراق عرب و کردستان و بعض جزیره محدود است و مساحت آن مقدار پانصد هزار میل مربع و اهلیش مقدار دوازده هزار هزار نفس است و آن هشت قسم است ازربایجان و کیلان

و مانند ران و عراق عجم و خوزستان و فارس و کرمان و خراسان و اکثر اراضی این مملکت از مساوات دریا بسیار مرتفع است و جبال و وادیها و بیابانهای آن بسیار است و در آن بسیاری از بحیرات شور است که از جمله آنها بحیره ارمیه است که در شمال غربی ازربایجان است و طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش ۳۲ میل و عمقش زیاده از چهار ذراع نیست و مقدار ۱۴ هزار جبال مجاوره آن داخل آن میشود و هر وقت که آب این نهرها زیاده میشود آب این دریا مقدار ۳۰ قدم مرتفع میگردد و بعضی گفته اند که آب آن شور و تلخ است و ماهی در آن تعلیش نمی تواند بکند و آنرا بحیره قلان نیز میگویند و دیگر بحیره ایست که در شرقی فارس است و طولش مقدار ۶۰ میل است و دیگر بحیره شیراز و غیر اینهاست که حاجتی بذکر آنها نیست و از جمله نهرهای این بلاد قزلا و زان است که مخرجش در کوههای عراق عجم است و بجهت شمال جاری میشود پس بجهت شرق برمی گردد و در بحر خزر ریخته میشود و طول آن مقدار ۴۰۰ میل است و دیگر نهر فرقه صواست و شاید که این همان نهریست که عرب آنرا نهر هود و دجله اهواز میگویند و آن از کوههای عراق عجم بیرون میاید و میانه کوههای خوزستان میگذرد و در دجله ریخته میشود و دیگر نهرها و نداد است که از کوههای عراق عجم بیرون میاید و بجهت جنوب جاری میگردد و در فرات ریخته میشود و دیگر نهر طاب است که از کوههای غربی شیراز بیرون میاید و در خلیج فارس ریخته میشود و طول آن مقدار ۱۸۰



میل است و در وصفان بعضی گفته اند ما طایفه قطعیست  
 الا علی هخرطاب و دیگر هخرقارون است و آن هخری است که  
 بلاد خورستان را خرق میکند و در داس خلیج فارس ریخته  
 میشود و این هزارا التقاء و هخر مجتمع است که یکی از آنها هخر  
 اولی است که در نبوت دانیال مذکور است و اما هوا مملکت  
 ایران مختلف است چنانچه در نواحی بحر خزر به نایت بتری است  
 و سرعت از گرمی بسردی منقلب میشود و باین واسطه در اینجا  
 در درم فاصل و حرمن استسقاء و چشم در دلبسیا عارض می  
 شود و اما در جهات متوسطه برودت آن در فضل زمستان  
 شدید و حرارتش در موسم تابستان بقسیمی است که اهالی  
 آن حتی الا مکان در آن قامه نمیکند و در اصفهان در اواخر  
 تابستان تب دلبسیا عارض میشود و اما در همدان و شیراز  
 هوا خوب است بخلاف سایر بلاد و اما نواحی خلیج فارس و بحر  
 هند حرارتش شدید است و باد سهموم در آن بسیار میوزد  
 و اما خاکی این بلاد اکثر آن قابل کشت و زرع است بخصوص  
 در نواحی اصفهان و همدان و شیراز و اذربایجان و خراسان  
 و در غالب بلاد بسیاری از میوه ها مثل انجیر و انار و الو  
 زرد الو و شفتالو و سیب کلابی و انکور و کیلاس و بادام  
 و انواع خربره و هند وانه و لیمو و پرتقال و غیر اینها یافت می  
 شود و بعضی ذکر کرده اند که در آن مقدار ۲۰ نوع از جنس  
 خربره و مقدار ۱۴ نوع از انکور یافت میشود و از جمله حاصلات  
 آن کدوم و جو و عدس و نخود و باقلا و ارزن و ماش و لوبیا

و برنج و تنباکو و افیون و راوند و زعفران و پنبه و مصطکی  
 و بعضی صمغهای عطریه است و در بسیاری از بلاد کزور  
 چقدر و کلمه و کدو و شلغم و کندنا و پودنه و شبت و غیر  
 اینها از سبزیها یافت میشود و در کیلان و مازندران  
 بوستانهای بسیاری است که از هخرها نیکه از کوههای  
 مجاوره آنها سرایش میشود سیراب میگردد و لیمو و تو  
 و پرتقال آنها بسیار است و بدیشترا اعتناء اهل کیلان بحری  
 است و آن در مازندران کم است و از جمله حیوانات این  
 بلاد اسبها خوب است از اسبان عربی و ترکمانی و دیگر سبزه  
 و حمار است که اهالی آن بتر بیت آنها بسیار اعتناء دارند و اما  
 گاوهای آن صغیر الجثه است و لکن کوسفندان آن مزبه و عظیم  
 الجثه است و بهترین پشمها در نواحی کرمان است که از آن  
 چیزهایی بافته میشود که معادل انسجه کشمیر است و از حیوانات  
 بریه حمار و وحش و کرک و پلنگ و روباه و شیر و خرگوش و  
 خرس و عنتر و نوعی از کربه که عظیم الجثه است و اهویافت می  
 شود و هم چنین از طیور اهلیه و بریه انواع بسیاری در این  
 بلاد یافت میشود و در بحر خزر و هخرهای مازندران ماهی  
 بسیار است و از معادن نمک در این مملکت بسیار است و  
 مس در کوههای کرمان و مازندران و اریز و کبریت در  
 کرمان و فارس و آهن در اذربایجان و اریز و نقره و مس  
 و فیروزنج در کوههای بحر خزر و حرمر در نواحی همدان و  
 نطف میانه شیراز و بوشهر یافت میشود و در کرمان فاعاره است







شده و از جمله این شهرها که با نساهاست و از اقرمیسین نیز می  
گویند و از اعظم شهرهای عراق بحج شمرده میشود و محیط آن  
مقدار ۳ میل و اهلش مقدار ۱۲۰۰۰ نفر است و در آن  
بسیاری از فواکه و میوه های یافت میشود و در ارض آن زعفران  
بخوبی بچل میاید و آلات حربیه از مس و غیزه و فرش و جامه از  
پنبه در آن ساخته میشود و دیگر زنجان است که در حدود  
اذربایجان واقعست و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است اما  
شهر همدان در وسط بلاد جبل است و کوه الوند مشرف بآنست  
صاحب هرها و بوستانهای بسیاری است و بعضی گفته اند  
که این همان شهر اکبتانای قدیم است و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰  
نفر است و جماعتی از شعراء و علماء بان منسوبند که از جمله آنها  
ابن خلوف همدانی شاعر و شیخ احمد بن حسین معروف ببديع الزما  
صاحب مقامات است و در جنوبی همدان موقع لها و نداشت  
و آن شهر بیست صاحبانها و بسا تین و فواکه و در زمان خلافت  
عمر بن خطاب واقعه عظیمه میانه مسلمان و فرس در آن واقع  
شد و اما طهران در ۳۵۴۰ عرض شمالی و ۵۱۲۲۴۰  
طول شرقی واقعست و مقر سلطان بحج است مکرر رایتا تابستان  
که بجهت حرارت و کثافت هوا موکب های یونی از آنجا بواحد حرکت  
مینماید و اهلش مقدار ۹۰۰۰۰ نفر است و اما شهر اصفهان  
در ۳۴۹۴ عرض شمالی و ۵۱۴۴ طول شرقی  
واقعست و در زمان قدیم قصبه حاکمیت ایران و دار السلطنه  
ان بوده و لکن حال از عظمت قدیم بسیار انحطاط یافته و اهل

آن مقدار ۶۰۰۰۰ نفر است و جماعتی از علماء بان منسوبند  
که از جمله آنها ابو الفرج علی بن حسین صاحب کتاب غانی است  
از قریه ها مشهوره آنرا و نداشت که بعضی از علماء بان منسوبند  
و اما شهر قزوین در طول شرقی ۳۱۵۳ و عرض شمالی ۳۶۱۱  
واقعست و از اقر بن نیز میگویند و از این جهت بسا میشود که  
بحر خزر را بحر قزین میگویند و جماعتی از علماء بان منسوبند که  
از جمله آنها شیخ محمد قزوینی صاحب کتاب عجائب المخلوقات و آثار  
البلدان و تلخیص المفتاح در علم بیان است و اما کاشان در  
جنوب غربی قم است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است و در  
۵۱۱۷ طول شرقی و ۳۴۳ عرض شمالی واقعست و اما  
شیراز در طول شرقی ۲۲۴۲ و عرض شمالی ۲۹۳۷  
واقعست و در زمان قدیم شهر خوبی بوده و بوستانهای بسیار  
داشته و حال از وضع قدیم تنزل یافته و جانبی از آن بواسطه زلزله  
که در سنه ۸۲۴ مسیحی واقع شد خراب گردید و قبر سیبویه  
و خواجه حافظ و شیخ سعدی در آن واقعست و بلبل در آن  
بسیار یافت میشود و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و معادل  
شیراز در عظمت و بزرگی فیروز آباد است که شیخ مجدالدین  
فیروز آبادی صاحب قاموس اللغة منسوب بان است و آن در  
جنوب غربی شیراز واقعست و در شمال شرقی شیراز بمسافت  
۳۴ میل بقایای شهر فرسبولیس است که اسکندر مقدونی  
زمان رجوع او از هند بان عود کرد و از قریه های قدیم فارس  
اصطخر است که سیبویه و ابواسحق اصطخری صاحب مؤلفات



جغرافیا منسوب بانست و اما شهر یزد در جنوبی خراسان واقع  
است و از شهرها معتبره است اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است  
و قافله ها از سایر بلاد در آن می آیند و مرکز تجارت و سیاحت  
و در شمال شرقی خراسان شهر مشهد است که مرقد منور امامان  
حضرت علی بن موسی الرضا علیهما الاف التحیه و انشاء در آن  
واقعست شیعیان از اقطار بلاد بزیارت آنحضرت می آیند و اهل  
آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و در ۵۲۷ ۵۹۳ طول شرقی و  
۳۶۱۷۴۰ عرض شمالی است و اما نیشابور در طول شرقی  
۵۸۴۹۲۷ و عرض شمالی ۳۶۱۲۲۰ واقعست اهلیش  
مقدار ۵۰۰۰ نفر است و دیگر از شهرها آن کرمان است که ساکنان  
کرمانی و زیره بان منسوبست و ما بین مردم ضرب المثل است که  
میگویند مثل بردن زیره بکرمان و قطره بجمان و اهلیش مقدار  
۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر بوشهر است در خلیج فارس و آن  
در طول شرقی ۵۰۵۰ و عرض شمالی ۲۸۵۹۳۰ واقع است  
و اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و مرکز تجارت و سیاحت  
و دیگر لارستان و آن قصیه قبیله از بلاد جنوبیه فارس و کرمان  
است که لارستان نامیده میشود و آن در خلیج فارس است و  
دیگر شهر استرآباد است در بحر خزر و آن در طول شرقی ۵  
۵۲۴۴ و عرض شمالی ۳۱۵۳۳ واقعست و از جمله  
بلاد دیکم که تالی از ربایجان است شهر ری است که مدفن محمد  
بن حسن فقیه و کسائی مقری است و محمد بن زکریای رازی  
طیب مشهور منسوب بان است و اندساب و برازی بنا بر تو

سیوطی است و کتاب نسبه ابن خلدون گفته که ذاء ان ذائد  
است چنانچه در مروزی که نسبت بمرو شاهجان است نیز زیاده  
کرده اند **فصل نهم** در بلاد فارس شرقیه و آن در  
جهت شمال ببلخ و از شرق بچین و هند و از جنوب بدریای هند  
و از غرب بکرمان و خراسان محدود است و بچهار قسم تقسیم میشود  
هرات و کابل و سجستان و بلوچستان و مساحتش مقدار ۳۰۰۰۰  
میل مربع است اما مملکت هرات در شمال غربی بلاد فارس شرقیه  
است و طرف شمال غربی آن بهیای خوارزم متصل است و در  
آنجا سوا بعضی قبائل ترکمان کسی ساکن نیست و در جنوبی آن  
صحرا سلسله کوهها نلیست که از جهت غرب ممتد است و در آن  
وادیهای خصیب و مرتعهای خوب یافت میشود و این سلسله  
از شرقی شهر هرات عریض است و عرضش بمقدار ۲۰۰ میل می  
رسد و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و از جهت شرق بکوهها  
قوهستان در نواحی شهر کابل ملحق میشود و در آن چشمهها  
و جوگها بسیاری است و در وادیها و مرتعهای آن کندم و جو  
ذرع میکنند و بعضی از میوهها مثل انار و بادام در آن یافت  
و برف مقدار کم مادران باقی میماند و اما هوای این بلاد خوب  
لطیف است و در زمستان سرماهای آن سخت است و در تابستان  
حرارت شدت ندارد و اکثر ارضی آن مرتع مواشی است و در نواحی  
شهر هرات بوستانها و درخت توت و حریر بسیار است و آنها  
آن از فرس و عرب اترک مخلوطست و اکثر توجه آنها بفلاحت  
و زراعت است اما شهرهای این بلاد در زمان قدیم مشهور



و معروف بوده و حال اکثر آنها مثل شهر سنا و مرو شاهجان و  
 مرو رود و بادغیس و غیر اینها خراب و ویران و قابل ذکر نیست  
 و اما شهر هرات طولش مقدار ۳۰ میل و عرضش مقدار ۵  
 میل است و از آب نهر سیراب میشود و تجارتش با کابل و بخارا  
 و کشمیر و هند و بلاد فارس غربیه وسیع است و از نواحی  
 شرقیند و شکر و شال کشمیری و اقمشه پنبه و پوست کوفند  
 واردان میشود و از آنجا بیزد و مشهد و اصفهان و طهران می  
 فرستند و از جمله حاصله های آن زعفران و بادام و کلابه و غیره  
 است و در آن قماشهای حریر و تیغه شمشیر و غیر آن آلات  
 قطاعه ساخته میشود و پای تخت این مملکت است و جماعتی بسیار  
 از علما از هر فن بان منسوبند و ابو الفداء گفته که هر ادب زما  
 عثمان فتح و در مقام نسبت دادن بان هر وی گفته میشود انحنی  
 و قول جعفر بن شمس الخلافه در باره یکی از کتاب بنابر آنست که  
 گفته او را و کدیته فی بدت کل فتی علی اتفاق معا و اختلا  
 رو قد طبوا الارض من سهل الی جبل کانه خط ذاک السائح  
 الهی و مقصود او شیخ علی بن ابی بکر سیاح است که در زمان حیات  
 هر دیواریکه میرسید اسم خود را بان مینوشت و او را اهل هرات  
 بود و این شهر از خراسان شمرده میشود و اهلیش مقدار صد  
 هزار نفوس است اما شهر مرو شاهجان حال اعتباری ندارد و در  
 زمانی که مأمون در خراسان بود در آن مسکن داشت و بعضی ذکر  
 کرده اند که یزدجرد آخر ملوک فارس در آن کشته شد و کتاب  
 خلافت و جماعتی از علما و پیشوایان از آن پیروان شدند و اما

سجستان از جهت غرب صحراهای کرمان و از شمال هرات و  
 از شرق با فغانستان و از جنوب ببلوچستان محدود است  
 و در جنوب غربی آن در حدود قسمیکه میان بلوچستان و  
 کرمان واقعست صحرای بیابانی است که آنرا کوهستان  
 میگویند و این غیر از کوهستانی است که سابق ذکر شد و در  
 آن بحیره زرنج است که محیطش مقدار ۵۰ میل است و چند  
 از نواحی افغانستان بان منضم میشود که اعظم آنها هراوند  
 و ابش قدری شور است که بغیر از وقت ضرورت قابل اشامیدن  
 نیست و در وسط آن جزیره کوچکی است و مساحت سجستان  
 مقدار ۲۵۰۰۰ میل مربع است و بسیاری از خرابه ها شهرها  
 قدیم در آنست و مقرر سلطان آن در جلال آباد است و اما مملکت  
 افغانستان از جنوب ببلوچستان و از شرق بخراسان و از غرب  
 بسجستان و هرات و از شمال هرات و کوههای هند کوش که میان  
 آن و بلخ فاصله است محدود است و مساحتش مقدار ۵۰۰۰  
 میل مربع است و جمیع اینها با هرات و سجستان در ایام نادرشاه  
 تابع مملکت ایران بودند و بعد مستقل شدند و پسران و فاطمه  
 شاه بچند قسم تقسیم شدند و حال بهمین منوال باقی است و در  
 جهات شمالیه آن کوههای بلند و وادیهای عمیق و بیابانهای  
 خصیصی است و جمیع قریب بیکدیگرند بقسمیکه در دو ساعت  
 از امکانه حاره بمواضعیکه خالی از برف نمائند انتقال ممکن است  
 و نهرهای آنها بسیار است اما در جهات جنوبیه آن بیابانست  
 گست و خالی از اشجار است و از کوهها جهات شمالیه سلسله



هندکوش است و این سلسله تا محاذی کشمیر هندکوش نامیده  
میشود و از آنجا بطرف شرق هالیاموسوم است و از جمله نهرهای  
آن نهر هند است که در طی کلام در هندوستان ذکر خواهد شد  
و دیگر نهرالند است که در بحیره زرنج ریخته میشود و طولش  
مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر نهر غناب است که بمسافت ۸۰  
میل از شمال شرقی قندهار بیرون میاید و بجنوب غربی جاری می  
گردد و در نهرالند ریخته میشود و طولش مقدار ۵۰۰ میل است  
و دیگر نهر خوشخور است که از کوهها حد و چین بیرون میاید  
و بجنوب میاید بخریب جاری میشود و در جبال هندکوش نفوذ  
میکند و از آنجا بطرف شرق بر میگردد و در نهر هند ریخته  
میشود و در افغانستان سوای بحیره که در جنوبی شهر غر غر است  
بحری نیست و محیط آن مقدار ۱۲ میل است و آبش شور است  
و بسیاری از پرندکان آنجا یافت میشود اما هوای  
افغانستان بواسطه اختلاف علو اماکن مختلف است و در  
زمستان سرد و در تابستان شدید است و در تابستان حرارت و لکن  
سرهای جهات غربیه سخت تر از شرقیه است و امراض و بایه  
در این بلاد بسیار که حادث میشود و غالب امراض ریه و چشم  
درد و امثال اینها در آن عارض میگردد و از جمله حیوانات این  
بلاد پلنگ و یوز و کرک و کفتار و روباه و خرس و اهو است  
و اما شیر بسیار کم است و بر بزی در جهات شرقیه و سگ  
بری و خارپشت در نواحی نهر خوشخور و نوعی از کره که موش  
درازا است و نزد اهالی آن اعتبار دارد و ببلایا حاوره خود شستن

میفرستند و از طیور سنر و باز و عقاب و کلنگ و غیره یافت میشود  
و از جمله درختها آن شفتالو و امرود و سیب کلابی و انار و بادام  
و عناب و گرد و و پرتقال است و در کوهها آن صنوبر و مصطکی و  
سند جان و حور در بعضی بیابانها و نی شکر یافت میشود و کل آن  
بسیار است و شرابش خوب است و آنکور غزنه مشهور است و  
در سال دو فصل در آن زرع میشود یکی در بهار که در موسم خزا  
انوار و میکند و دیگری در خزان که در فصل تابستان آنرا می  
دروند و اکثر تجارت آن با بخارا است و اما اهل این بلاد از قبائل  
مختلفه اند و عدد آنها بمقدار چهار هزار نفر میرسد و قریب  
به لغت از عربی و فارسی و هندی و ترکی و منغولی و افغانی و غیره  
تکلم میکنند و نزد علمای آنها اعتبار لغت فارسیه از سایر لغات  
بیشتر است و دین آنها اسلام است بمذهب سنت و در میانه  
انها بعضی از طوائف جدیده محدثه نیز یافت میشود و اما شهرهای  
این بلاد مشهورترین آنها قندهار است و آن در عرض شمالی  
۳۲ و طول شرقی ۳۰ و ۶ و اقست در ایام احمد شاه قصبه  
این مملکت بوده و بعد از آنکه تیمور پسر و بجایش نشست تحت  
سلطنت دابکا بل نقل کرد و اهل آن افغان و خرس و هند و ترک و  
بلوچستانیه و عرب و ارمن و یهود است و عدد آنها مقدار صد  
هزار نفر است و در اطراف آن بوستانهای بسیار است که میوه  
و اشجار آنها بسیار است و اما کابل در عرض شمالی ۳۴ و طول  
شرقی ۹۱ و ۵ و اقست تیمور شاه آنرا قصبه این مملکت قرار  
داد و اهلش مقدار ۶۰۰۰ نفر است و مسافت میان آن و



قندهار مقدار ۲۳۲ میل است و اما شهر غزنه قریب بدو  
سال پای تحت بود که دولت غزنویه و خوارزمیه در آن سلطنت  
میکردند و در عرض شمالی ۳۳۱۰ و طول شرقی ۶۸۵۷ واقع  
و قیما آن و کابل ۸۰ میل است و در آن مقدار ۵۰۰ خانها  
و عساف ۳ میل از آن مدفن سلطان محمود غزنوی است و اما  
شهر جلال آباد در جنوبی هرکابل است و در جنوبی هرات بمقدار  
یازده منزل شهر غزنه واقعست و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفس  
است اما بلوچستان از جنوب بدرگیا هند و از شرق بسند  
از شمال بافغانستان و سجستان و از غرب بکرمان و لارستان  
محدود است و عرضش مقدار ۳۵۰ میل و مساحتش مقدار  
۱۴۶۰۰۰ میل مربع است و اکثر این بلاد کوه و صحراهای آب  
است مگر بلاد بلخ و ماوراء آن از شمال و هرهای این بلاد که  
است و اکثر آنها سیلاب است که در زمستان جاری و در  
تابستان قطع میشود و هوای آنها کثیف و بد و در زمیهای  
پست حرارت و در کوهها و اراضی مرتفعه برودت شدت دارد و  
اشجار کم است و از جمله معادن آنها نمک و کبریت و رخام است  
و از حیوانات شتر و اسب و کوسفند و بز و گاو و در آنها یافت  
میشود و اهل آنها مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفس است و ایشان از غیر  
و هند و تر و افغان و اگراد مخلوطند و بعضی از لغات آنها مشابه  
لغت هندی و بعضی مشابه لغت فارسیه است و اکثر آنها از  
اهل سنت و جماعت اند و در مکران طائفه لودیّه ساکنند و  
جمله عادات آنها آنست که چون کسی از ایشان وفات میکند تمام

چیزهایی که مختص با بوده با او دفن میکنند که ذکر او از میان آنها  
فراموش شود و علت افسرده کی خاطرشان نکرد و در میان آنها  
ترویج نیست بلکه بزنا و فسق عیش میکنند و ایشان از اصل فارسی  
اند و لغتشان فرع فارسی قدیم است **فصل دوازدهم**  
در ترکستان و آن از شمال بسیدریا و از شرق ببعض سیدریا  
چین و از جنوب ببعض چین و افغانستان و هرات و ایران و از  
غرب بجز خزر و هزاره رال محدود است و مساحتش مقدار  
۷۷۵۰۰۰ میل مربع است و بسبب قسم منقسم است و ترکستان  
جنوبی که در جنوبی هر چین واقع است و نزد اعراب این قسم  
بطغارستان و بدخشان و بعض خوارزم منقسم است و در نیم  
ترکستان وسطی و آن اراضی ایست که در شمالی چین و در وادی  
هر سیر واقع است و اعراب آنرا ماوراء النهر میگویند و ترکستان  
شمالی و اکثر این بلاد صحرا و بیابانهای بیاب است مگر نواحی  
هر سیر و هر چین و جها جنوبیه شرقیه و میانه آن و ایران و  
افغانستان سلسله کوهها هندکوش فاصله است از این سلسله  
سلسلهای چندی بجهت شمال منشعب است و میانه آن و چین  
سلسله بلور طاغ یعنی کوهها بلور که متصل بکوهها التائی است  
فاصله است و طول آن مقدار ۵۰۰ میل است و وسط این بلاد را  
چند سلسله خرق میکنند که از جمله آنها اصف طاغ و اق طاغ و قر  
طاغ و کوهها سمرقند است و از جمله هرهای این بلاد هر سیر  
است که از کوهها بلور بیرون میاید و بجهت شمال جاری میگردد  
و در مجرّ ارا رخنه میشود و آنرا هر سیحون نیز میگویند و اما



نهر چون از جبال بلور بیرون میاید و بطرف غرب جاری میگردد  
پس بشمال غربی منعطف میشود و در بحیره اراک ریخته میشود و  
نهرهای بسیاری که از کوهها هندی و کوش سر اشیب میگردد در آن  
ریخته میشود و طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است و اما بدخشان اسم  
اقلم و شهر خاصی از آنست و در آن معدن یاقوت و لاجورد و آهن  
و کبریت و نمک یافت میشود و بلور و پاد زهران بسیار بلاد میرود  
و اهالی آن از اصل تر و متدین بدین اسلامند و اما بلاد خوارزم  
در شمالی خراسان و شرقی بحر خزر و غربی ماوراء النهر است و اگر ابل  
آن قبائل ترکمانیه اند و عدد آنها مقدار ۸۰۰۰۰ و بعضی ۵۰۰۰۰  
نفس گفته اند اما بلاد بلخ قالی شمالی جبال هندی کوش و از شرقی  
آن بدخشان و از شمالی آن ماوراء النهر است و قصبه آن شهر  
بلخ است و اما بلاد ماوراء النهر از جمله شهرها آن بخارا است که  
پای تخت دولت صفاریه و سامانیه و غزنویه و سلجوقیه و خوارزم  
بوده و اما شهر سمرقند بمسافت ۱۱۲ میل در شرقی بخارا است و طول  
۳۵۴ و عرض ۴۰ و ۳۹ شمالی و محیطش مقدار ۸۰  
میل بوده و لکن حال چنین نیست و اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰ نفس است  
و اما سغد سمرقند یکی از محل تفرجهای عالم است و نهر اتراتی حی  
گویند و از آن شعبه ها بسیاری منشعب میگردد که در این راه  
الی حدود بخارا متفرع میشود و شیخ رئیس ابوعلی حسن بن عبد  
الله بن سینا سنه ۳۷۰ هجری در دهها بخارا تولد یافت و اما  
وادی نهر سیر که معروف به بلاد فرغانه است از جمله شهرها آن  
خجند است و در آن مقدار ۳۰۰۰۰ خانه است و دیگر خواقد

است آن حال قصبه این نواحی است و در آن مقدار ۵۰۰۰۰  
خانه است و اما ترکستان شمالی اهل آن قبائل بادیه از ترکها  
است و با مسکوب و مواشی تجارت میکنند و در عوض اقشیر و  
الات و ادوات زینت میگیرند **فصل سیزدهم در هندوستان**  
و آن از شمال بسلسله کوههای هملایا و از شرق بخط مفروضی از  
سلسله مذکوره به نهر برهم پوترا و هم چنین به نهر مذکور و خلیج بنگاله  
و از جنوب به دریاهند و از غرب نیز به دریاهند و نهر هند و سند  
محدود است و معظم عرضش ۱۶۲۰ میل و معظم طولش ۱۴۰۰  
میل جغرافیّه و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰ میل مربع جغرافیّه  
و اهلیش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰۰ نفس است و اما کوههای آن  
از جمله آنها کوهها هملایا است که میانه هند و بلاد تبت فاصله  
است و ارتفاع بعضی آنها مقدار ۲۹۰۰۰ قدم است و از مسافت  
۲۶۶ میل نمایان میشود و درخت صنوبر و سند جان در آن  
بارتفاع ۱۲۰۰۰ قدم میرسد و از معدنها طلا و آهن و مس و  
سرب و نمک و اهلک و کبریت و انتمون در آن یافت میشود و هیچ  
وقت خالی از برف نمی ماند و دیگر سلسله الغات است که ارتفاع  
آن میانه ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ قدم است و الغات شرقیه متجه غربیه است  
و میانه ۱۱ و ۱۶ عرض شمالی است و ارتفاع بعضی آنها مقدار ۳۰۰۰  
قدم است و میانه این دو سلسله از جنوب و عرض ۱۱ شمالی جبال  
نیاغیری یعنی کوههای ذرق است که ارتفاع بعضی آنها مقدار ۶۰۰۰  
قدم است و بعضی ۵۰۰ قدم ذکر کرده اند و اما نهرهای این بلاد  
طولانی و وسیع و بطی الجریان و عمیق است بقتسمیکه بسیار



از آنها قابل عبور کشتی است و از جمله آنها هندی است که از  
هندسند و هندوستان نیز میگویند و از شمالی کوههای هملایا  
طول شرقی ۵۵ ۸۰ شرقی و عرض شمالی ۲۲ ۳ بیرون میاید  
و بشمال غربی جاری میگردد پس بجنوب غربی منحرف میشود و  
هندوستان و هندوهای دیگر از نواحی افغانستان و چند هند بزرگ  
از طرف شرق بان اضافه میگردد و تمام در دریا هند ریخته می  
شود و از رادی کشمیر و کوههای هملایا پنج هند را این نواحی جاری  
میگردد که طول بعضی آنها مقدار ۵۰۰ میل است و این پنج هند  
شوناب که در شهر ملتان میگردد متصل میشود و در جنوب  
غرب ملتان بمسافت ۱۰۰ میل هندو بیاج و هندوستان که از کوههای  
هملایا سراسیم میشوند بان اضافه میگردد و در دریای هند  
ریخته میشود و اما هندو الکنک از کوههای هملایا بیرون میاید و به  
جهت غرب جاری میگردد و پس از آن بجنوب و بعد بجنوب شرقی  
منحرف میشود و چند هند از کوههای مجاوره آن منظم بان میگردد  
و در قنوج و اله آباد و بنارس و غیر اینها میگردد و یازده هند  
بزرگ بان اضافه میشود و در اله آباد هندو منظم بان میگردد  
و بمسافت ۲۲۰ میل از بحر بدو قسم تقسیم میشود یکی کوچکتر که  
از اهو جلی میگویند و در کلکته عبور میکند و دیگری بزرگتر و  
آن در جهت اصلی باقی میماند و بمسافت ۸۰ میل از مصب هوجل  
خلج بنکاله ریخته میشود و اما هندو برهم پوترا بحر جیش در شمالی  
جبال هملایا در بلاد تبت است و اول بطرف شرق جاری میشود  
پس بجنوب بر میگردد و بعد بجنوب غربی و پس از آن بجنوب و قبل

از وصول آن بحر بمقدار ۳۰ میل در هندو الکنک ریخته میشود  
اما هندو صون مخرجش در واسطه بلاد است و بشمال شرقی جاری  
گردد و بنزدیکی شهر بطنه در هندو الکنک ریخته میشود و اما  
هندو بنده مخرجش در نزدیکی مخرج هندو صون است و به سمت غرب  
مانل بجنوب جاری میگردد و در خلیج مکی ریخته میشود و در  
نزدیکی آن مصب هندو صون است و طول آن مقدار ۶۰ میل است  
و اما هندو کوری از کوههای الغات غربیه بیرون میاید و بطرف شرق  
جاری میگردد پس بجنوب شرقی بمقدار ۸۵۰ میل و در خلیج بنکاله  
ریخته میشود و اما هندو کریشنه از کوههای الغات غربیه بیرون  
میاید و بمقدار ۵۰ میل بجهت شرق جاری میگردد و در خلیج  
بنکاله ریخته میشود و در جنوبی آن هندو بنار است و طول آن  
مقدار ۳۵۰ میل است و دیگر هندو قرون و هندوهای بسیاری  
که حاجتی بدگر آنها نیست و اما هوای هندوستان با اختلاف  
عرض و ارتفاع آن و مجاورت کوهها و هندو مختلف است و در  
نواحی کلکته و رأس خلیج بنکاله تب و اسهال و امراض کبد و هم  
چنین در نواحی مدرس بخصوص از ماه اب تا تشرین دوم بسیار  
عارض میشود و در جهات شمالیه امراض ریه و تب و در نواحی  
کوههای هملایا در در فقر حادث میشود و اما اشجار و نباتات آن  
زیاده از ۱۰۰۰ نوع از نباتات و ۴۵۰ نوع از اشجار در آن  
یافت میشود و از جمله حاصله های آن کدو و جو و غیر اینها از جنوب  
و نی شکر و پنبه و توت و نار چیل و خرما و خیزران و تنبل و تیک  
است که چون آن برای ساختن کشتی بکار میاید و از جمله میوه های آن



موز و انار و بادام و انکور و تمر هندی و پرتقال و لیمو است و در جهات شمالیه سیب و صندل و خشخاش که افیون از آن گرفته میشود و در کوههای هلا یا اشجار و نباتات و در اقالیم بارده انواع صنوبر و بلوط و غیر اینها یافت میشود و اما حیوانات آن از جمله آنها اسب و گاو و گاو میش و کوسفند و شتر و فیل و شیر و پلنگ و کرکدن و کرک و کفتار و یوز و خرس و خنزیر بزرگ و روباه و انواع اهو و هُنک و عقرب و مار و انواع ضباب و حشرات است و از طیور بزرگ طاوس و خروس و کبوتر و غیر اینها یافت میشود و از جمله معدنهای آن الماس و یاقوت و نقره و مس و آهن و از آن است و اما ساکنین این بلاد سه صنفند هندو و مسلمان و فرس و از اهل او روپا مقدار ۴۰۰۰۰ نفر است و راهها ساکن اند و اما لغات هندی که حال در اکثر بلاد شائع است مخلوط از هندی و فارسی و عربی است و غالباً بحرف عربی بشکل خط فارسی نوشته میشود اما شهرها آن از جمله آنها کشمیر است که در جهت شمال غربی است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و در نزدیکی آن دریا کوچکی است که طولش مقدار ۶ میل است و اما لاهور در جنوب کشمیر واقع است و اهلش مقدار ۸۰۰۰۰ نفر است و در جنوب غربی لاهور ملتان است و در آن بسیاری از اقشاره و فرزندش و طناب ساخته میشود و اما احمد آباد از شهرها مشهوره هندوستان است و بعضی ذکر کرده اند که در آن هزار جامع بوده که هر یک دو مناره داشته و اعظم آنها جامع سلطان احمد بوده که تا حال نیز باقی است و اهل آن مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است

است و اما دهللی در طول شرقی ۷۷۵ و عرض شمالی ۲۸۴ و اقصیت و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و اما الله آباد در نزدیکی موضعیکه هرنجند بهمه الکند میرسد واقع است و اهلش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و اما بنارس در عرض شمالی ۳۰۵ و طول شرقی ۸۳۱ واقع است و بر اهمه آنرا شهر مقدس میدانند و از اقطار بلاد قصدان میکنند و بناهای آن بهتر از بناهای اکثر شهرها هندوستان است و اهلش در صیانت و تقیه و ترصیع و طولانی دارند و اما بطنه بمبای ۴۰۰ میل در شمال غربی کلکته واقع است و تجارت نمک و بار و در آن وسیع است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است و اما آگره بمبای ۱۳۶ میل از دهللی واقع است و از شهرها قدیمه است و اهلش مقدار ۶۰۰۰۰ نفر است و اما کلکته قصبه بلاد هند است و در طول شرقی ۸۸۲ و عرض شمالی ۲۲۳ واقع است و میان آن و دریا مقدار ۱۰۰ میل است و تجارتش از طرف بر و بحر وسیع است و اهلش مقدار ۲۳۰۰۰ نفر است و اما بمبئی در طول شرقی ۸۲۵ و عرض شمالی ۱۸۵ واقع است و اهلش مقدار ۱۷۰۰۰۰ نفر است و اعظم بندر ات جهات غربی است و تجارتش وسیع است و اما مدراس در طول شرقی ۸۱۲ و عرض شمالی ۵۸۱ واقع است و آنکریز در سنه ۱۶۳۹ از فتح کرد و اما جزیره سیلان در طی کلام در جزایر آسیا ذکر خواهد شد و اما **فصل چهارم در هندوچینه** و آن را صنی ایست که از جهت شمال چین و قسمی از هندوستان که در دو جانب هرنجورها



بوترا و از شرق دریای چین و از جنوب دریای مذکور و بوغاز  
ملقا و از غرب بنکاله و دریای آن باها احاطه دارد و میانه  
۹۲ و ۱۰۸ طول شرقی و ۷ و ۶ عرض شمالی واقعست و این بلاد  
بسه قسم تقسیم میشود بورما و صیام و کوشین چین و هوای  
آنها گرم و تر و بدیش و جنگلهای آنها بسیار است و در کوههای  
آنها چوبهای بسیاری یافت میشود و ساکنین آنها کمر است و از  
جمله اشجار آنها صندل و تیک و ابنوس و درخت خرماست و در  
کنار هرهای آنها موز و زنجبیل و قاقه و جوز طیب و انواع فلفل  
و سقمونیا و کافور و تمر هندی و نارجیل و ناردان و خیزران  
اکثر میوه های هندوستان یافت میشود و از جمله حیوانات این  
بلاد فیل است و اما شتر یافت نمیشود و اسب نادر الوجود است  
و هم چنین گاو و بز کم است و کوسفند اصلا یافت نمیشود و لکن  
گاو میش و خنزیر بسیار است و کرکدن و پلنگ و یوز و خرس و خد  
پشت نیز در آن یافت میشود و اما حیوانات دیگر از قبیل روباه  
و کفتار و کرک و اهوک در اکثر بلاد یافت میشود در آن دیده  
نشده و اما اهل این بلاد قاتلشان را اهل هندوستان و چین  
کوتاه تر و سیاهی بدنشان از آنها کمتر است و لغات آنها مختلف  
است و یکی از مذاهب یانته بودیه معتقدند اما مملکت بورما  
از شمال باسام و تبیت و از شرق بچین و کوشین چین و صیام و  
از جنوب بصیام و ملقا و بحر و از غرب بحر و بنکاله محدود است  
و از جمله حاصلهای آن کدو و تن و پنبه است و از معادن طلا  
و نقره و آهن و انتمون و زرنیخ و کبریت و کهربا و یاقوت و رخام

و مقناطیس در آن یافت میشود و چشمه ها فقط آن بسیار است و  
در هر سال مقدار هزار هزار لیتر انگریزی از داخل آنها وارد غرنیه  
سلطان میشود و عدد نفوس حالیه آن بمقدار ۳۵۰۰۰۰۰  
میرسد و در زمان قدیم زیاده از این بوده و آنها باختلاف عادت  
و هیئات و طباع بد و از ده قسم منقسم اند و بدیشتر آنها کوتاه  
قامت و صاحب مکر و حیل اند و موافق شرع خود زیاده از یک  
زن نمیتوانند گرفت و لکن از کنیزان هر قدر که بخواهند میکینند  
و مرده کان خود را میسوزانند و استخوانهای آنها که باقی میماند  
دفن میکنند و بنوعی از دیانت بودیه اند و بعضی از آنها خدائی  
که او را غذا میماند ستایش و نیایش میکنند و از برای او  
هیكلها بنا میکنند و در آنجا تماشاها از نفره یا مس یا رخام می  
گذارند و اما لغت اهل بورما ۳۳ حرف است و از شمال بهمین  
نوشته میشود و در نوشتن طرق بسیاری بجهت اختصار  
استعمال میکنند بقتیمیکه کاتب سببعی که متکلم تکلم میکند می  
تواند نوشت و قصص و تواریخ و قصائد شعریه در نزد آنها  
بسیار یافت میشود و لکن معرفت آنها در علوم کمتر از اهل هند  
است و سال آنها مری است و اول آن روز و ماه اندیش است  
و در سحر و جوم زیاده اعتقاد دارند و لکن معرفت آنها در صنایع  
کم است و زنان آنها بساختن قماشهای حریر و پنبه اشتغال  
دارند و بصناعت تجارتشان شکر و پنبه و نیل و قاقه و صبر  
فلفل و نمک و شوره و عسل و شمع و عاج و معادن مذکوره  
است و سلطان آن بنفسه مستقل در حکم است اما شهرها آن



از جمله آنها شهر فاست در شرقی هزی که در فراه ایراودی ریخته  
میشود و آن در عرض شمالی ۲۱۵۱ و اقست و در شمالی  
آن بمسافت ۶ میل شهر امیر ابوراس که از سنه ۱۷۸۳ تا  
سنه ۱۸۲۴ مسیحی پای تخت این مملکت بوده و اهالی این دو  
شهر مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر بیکو است که قصبه  
مملکت بوده و در آنوقت محیطش ۲۰ میل بوده و دیگر رانگون  
است که اعظم بندرات این مملکت است و از شهرهای جدید  
است و اهالش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است اما بلاد ارکان قشقی  
بورماست و در شط بکاله میانه ۱۸ و ۲۱ عرض شمالی است  
و اما مملکت صیام از غرب و شمال بمملکت بورما و از شرق بکوشین  
چین و از جنوب بخلج صیا و شبه جزیره ملقا محدود است و مساحت  
آن بمقدار ۲۵۰۰۰۰ میل مربع میرسد و اهلیان با توابعش  
مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر است و هوایش بواسطه نزدیکی بحظ  
استواء بسیار گرم است و لکن از ماه نیسان تا ایلول که باران  
میبارد لطیف است و خاکش خوب است و از معادن طلا و نقره  
و آهن و مس و ارزین و انیمون در آن یافت میشود و حیوانات  
مثل بورماست و طیورش خوش منظر و در هر مینام هنک یافت  
میشود اما لغت اهل صیا ۳۷ حرف است و علوم در نزد اهلیان  
کم یافت میشود و در دیانت و حکم مانند اهل بورما هستند  
بصاعت تجارت آنها معدلهای مذکوره و پنبه و تنباکو و چوبها  
بناست و از جمله شهرها آن صیا است که انرا یوشیه میگویند و  
در زمان قدیم پای تخت این مملکت بوده و دیگر بنکوک است

عرض شمالی ۱۳۴۰ و طول شرقی ۱۰۱۱۰ و اکثر بناهای آن از  
چوب است و اهالش مقدار ۴۱۲۰۰۰ نفر است و بسیار  
از آنها در زور قیاد روی فراه میزند اما مملکت لاوس  
از شمال بچین و از شرق بتونکین و کوشین چین و از جنوب بکوشین  
و از غرب بصیام و بورما محدود و میانه ۱۷ و ۲۲ عرض شمالی  
واقست و از جمله حاصله های آن عاج و شمع و عسل و بعضی  
از عقاقیر طبیه است و در بعضی از کوههای آن معدن آهن و  
در دیگرهای فراهی آن چیزی از طلا یافت میشود و معدن مس  
از یاقوت و زمرد در آن است و این مملکت تابع صیام است  
اهالش بمقدار ۱۴۰۰۰۰ نفر میرسد و با مانت و دیانت  
موصوفند و اما کوشین چین میانه ۸ و ۲۲ عرض شمالی و ۱۰۳  
و ۱۰۸ طول شرقی است و هوا حاصل آن مثل بورما و صیام است  
و حریر و عطریات و چوبهای بناء آن بسیار است و معدنهای  
وسیع از طلا و نقره در آن یافت میشود و حیواناتش مثل  
بورماست و دیگر کاکاو و خر و استر و بز و گاو میش و خرنیز  
در آن یافت میشود و اهالش مقدار ۹۱۰۰۰۰ نفر است  
و بنوعی از دیانت بودیزه اند و قصبه این بلاد شهر هوئیو است  
که هر هوی از دو جانب و ترعه که عرضش هفتاد ذراع است  
از دو جانب دیگر بان احاطه دارد و اما بلاد تونکین میان ۱۷  
و ۲۳ عرض شمالی و ۱۰۸ و ۱۰۹ طول شرقی واقست و در  
قرون سابقه تابع چین بوده و در سال ۱۳ استقلال یافت  
و در سنه ۵۵۳ مسیحی اهل تونکین بکوشین چین استیلا



یافتند و در سینه ۱۸۰۰ اهل کوشین چین بتونکین غلبه کردند و بیازده قسم تقسیم شد و در این قسام هجده شهر است که عدد نفوس بعضی از آنها بمقدار ۴۰۰۰۰ و بعضی ۷۰۰۰ میرسد و قصبه این بلاد شهر کیهواست که در ۲۱ عرض شمال واقعست و میان آن و دریای مسافت ۱۰۰ میل است اما هوای این بلاد معتدل و خاکش خوب و کار فلاحه و زراعت بر زنان آنها راجع است و جمیع حاصلهای اقالیم حاره در آن موجود است و حیوانات و میوه ها آن مثل بورما و صیام است و بصناعت تجارت آن حریر و اقمشه و ظروف و عاج و صدف و خیزران است و اما اهالی آن بعضی شبیه با اهل چین و بعضی از اصل تر اند و دین غالب آنها دینت بودیه است اما بلاد کمبود یا میا خلیج تونکین و خلیج صیام واقعست و هوایش معتدل و اکثر حاصلات اقالیم استوائیه در آن موجود و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفس است و بدیناقت بودیه اند و از جمله شهرها آن سایکو است و اهلش مقدار ۱۸۰۰۰۰ نفس است که ۱۰۰۰۰ آنها چینی است و دیگر شهر لویک است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفس است و دیگر هویسیون است که بساختن انسی حریر مشهور است اما شبه جزیره ملقا طولش ۷۷۵ میل و معدل عرضش ۱۲۵ میل است و میان ۱۲۲ و ۸۲۷ عرض شمالی واقع و از معادن طلا و آهن در آن یافت میشود و حیواناتش مثل صیام و بورماست و هر سال مقدار زیادی از افیون آن بچین میرود و اهلش کوتاه قامت و شجاع و زبردست و لغت آنها

بجز عربی نوشته میشود و الفاظ بسیاری از لغت عرب گرفته اند و دین غالب آنها اسلام است بمذاهب اهل سنت و جماعت و از جمله جاهائیکه در این نواحی در تصرف آنکریز است شهر ملقا در جنوبی این بلاد و دیگر جزیره پیدیان است که در ۲۵ عرض شمالی و ۱۰۱۹ طول شرقی است و دیگر شهر سنکا بور است که در سینه ۸۱۹ مسیحی بان استیلا یافت و عدد نفوس آن بمقدار ۳۰۰۰۰ میرسد **فصل پنجم در مملکت چین** و آن از شمال بلاد سیدیریا و از شرق ببوغاز سغالیان و دریای جاپان و بحر اصف و از جنوب بدریای چین و خلیج تونکین و هندوستان و هند چینیه و از غرب به هندوستان و افغانستان و ترکستان محدود و میان ۲ و ۵۰ عرض شمالی و ۷۳ و ۱۴۴ طول شرقی واقعست **مسلطه** ۳۰۰۰۰۰ میل مربع است و محیطش مقدار ۱۲۵۵۰ میل و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ نفس است و بسبب قسم منقسم است منشوریه در جهت شمال شرقی و چپ اصلیه و املاک اضافیه مثل منغولیه و ایلی و تبت تا حد ترکستان و افغانستان و کوههای بلند بکبان احاطه دارد که از جمله آنها کوهها التائی است و بیشتر آنها میان ۴۷ و ۵۲ عرض شمال واقعست و دیگر سلسله بلور طاغ است که میان آن و بدخشان فاصله است و چند شعبه از آن بجهت جنوب امتداد است و بعضی دیگر میان آن و تونکین فاصله است و دیگر سلسله دیگری است از شبه جزیره کوریا تا نزدیکی مصب



هر عامورا اما سلسله هائی که واسط این بلاد را خرق میکنند از جمله  
انها سلسله ایست که اهل چین از تین شان میگویند و اولش در  
طرف شمالی بلور طاع در عرض ۴۴ شمالی است و از آنجا جنوب شرق  
بر میگرد و قطعه ای را بدو قسم میکند شمالی و جنوبی و از جمله  
انها سلسله نان شان است در عرض ۳۴ عرض شمالی که میان بلاد  
تبت و صحراء کوبی فاصله است و دیگر سلسله ها و شعبه های  
بسیار است که حاجتی بذکر آنها نیست اما صحرائ مذکور در وسط  
این مملکت است و طولش مقدار ۱۸۰۰ و عرضش میان ۵۰ و ۳۵  
۴۰۰ میل و مساحتش مقدار ۱۲۰۰۰۰۰ میل مربع است اما  
هرهای این مملکت از جمله انها هرا صفر است که از اها هوهو میگو  
ند و مخربش در ۳۵ عرض شمالی و ۹ طول شرقی است و در  
بحر اصر ریخته میشود و بواسطه آنکه در مجرای آن خاک زردی  
که در وقت جریان بآن خاک مخلوط میشود و رنگین میگرد  
انرا هرا صفر میگویند و دیگر هرهای و هرا و هرا فان است که  
در هرا صفر ریخته میشود و دیگر هر کبیر است که از اقاکیان  
میگویند و از چند هرا مجتمع است و در ۳۲ عرض شمالی در بحر  
ا صفر ریخته میشود و اما هرا کان کیان که انرا شوکیان نیز میگویند  
هری است که نزدیک شهر کنون در دریای چین ریخته میشود  
و طولش مقدار ۷۰۰ میل است و دیگر هر بهیو است که در  
شهر باکین میگذرد و در بحر اصر ریخته میشود و دیگر هر  
عامورا است که از بلاد سیدریا بیرون میاید و در بو غار  
سغانیان ریخته میشود اما بحیرات چین از جمله انها بحیره بویا

است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش مقدار ۲۰ میل است و  
دیگر بحیره تنگینهوا است که محیطش مقدار ۲۲۰ میل است و در  
نواحی این دو بحیره بحیرات بسیاری است و میان هرا صفر و هرا  
کیر بحیره هولسیهوا است و در منشویه بحیره هنگای و بحیره هوهو  
است و در اطراف صحرائ کوی چند بحیره شورا است و از جمله غراب  
بلاد چین باروی مشهوری است که میان چین اصلیه و منشویه  
فاصله است و از ایکی از سلاطین انها بمقدار ۲۲۰ سال قبل از  
تاریخ مسیحی بجهت حفظ این بلاد از هجوم قبائل شمالیه بنا  
کرده و اول آن نزدیک دریا در ۴۰ عرض شمالی و ۱۲۰  
طول شرقی است و نزدیک ۹۹ طول شرقی و ۴۰ عرض شمالی  
منتهی میشود اما هوای این مملکت اجمالا میتوان گفت که معتدل  
خوب است و لکن در مثل چین مملکت وسیعی لا بد از اختلاف  
است چنانچه در جهات شمالیه و کوهها مرتفعه برودت شدت  
دارد و در جهات جنوبیه و وادیا و بیا با انها حرارت در نواحی  
هرا و بحیرات تبلیا عارض میشود و در نواحی کنون درجه حرارت  
در تابستان میان ۸۰ و ۸۸ و در زمستان میان ۵۰ و ۶۰  
است و از جمله معدنهای آن زغال سنگ و طلا و نقره و زینق  
و زرنیخ و لاجورد است و از جمله حیوانات این بلاد فیل و پلنگ  
و خنزیر و نوعی از گاو میش و گاو و اسبهای صغیر الحثه و شتر  
و کوسفند و بز و انواع اهاوا است و از جمله اشجار آن صنوبر و  
خیزران و بدیان و درخت خرما و صفصاف و انواع توالت  
و اما حکم این مملکت بسططان واحد راجع لکن نه مطلقا چه که



انها شرائع و قوانینی مقرراست که غالباً جرأت نقض و انحراف از آنها ندارد و لکن در عزل و نصب هر که بخواهد و تعیین و تبعید بعد از خود بشوختار است و اما لغت چینی مقدم ترین لغات است و از وضع قدیم کمتر تغییر یافته بخلاف اکثر لغات و از بابالاییان نوشته میشود و بجای حروف علامات و اشاراتی استعمال میکنند که بعضی از آنها اصلی و بعضی فرعیه است و عدد این علامات بمقدار ۲۵۰۰ میرسد و قصص و اشعار و تواریخ آنها بسیار است و لکن تواریخ قدیمه آنها بندرت محل وثوق و اعتماد است و از جمله عادات آنها آنست که موی سرشان را میترشاند و میان سر را میکذارند تا اینکه بلند شود پس میبافند و بعقب سر میاندازند و دیگر از دایهای آنها آنست که پای دختران خود سال را در قالبی میکذارند که همان کوچکی باقی بماند و این بوی آنست که کوچکی پای را در زن مستحسن میدانند و کثرت نگاه نزد آنها مباح و جایز است و لکن غالباً مردان آنها زیاده از زن ندارند و اگر کثیر داشته باشند بمنزله خدمتکار است برای زنان آنها و دین غالب در این مملکت دیانت بودائیست و معرفت آنها در علوم کم است و لکن بواسطه قلت محالطت و معاشرت با سایر طوائف و عدم اطلاع با آنچه که در نزد غیر خودشان از طوائف و طبقات اهل عالم است بخودشان مغرور و چنان گمان میکنند که در معرفت و حکمت و مدنیّت و عقل و فهم بجهایت درجه ان فائز شده اند اما شهرها این مملکت از جمله آنها باکین است که در عرض شمالی ۳۱° ۴۵' و طول

شرقی ۱۱۶° ۲۷' واقعست و قصبه این مملکت است و محیطش مقدار ۲۵ میل و اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفر است و از برای ان باروئی است که ارتفاع ان بمقدار ۳۰۰ قدم میرسد و اما شهر باکین قبل از سنه ۱۴۲۳ مسیحی قصبه این مملکت بوده و بعد از عظمت قدیم انحطاط یافت و اهالی حالیه ان بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر میرسد و در ان کارخانه ها از برای ساختن قماشها حریر و پنبه فراهم است و در شمالی ان شهر سوشاوت و در ان کارخانه ها از برای ساختن اقمشه حریر و پنبه و کاغذ و آلات و ادوات مصنوعه از عاج و استخوان و چوب و امثال اینها مهیاست و اهلیش مقدار ۱۵۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر باکین است که در ۳۸° عرض شمالی و ۱۱۰° ۳۷' طول شرقی واقعست و دیگر شهر فوشو و تایتون و هو نان است که اهل چین گمان دارند که ان در وسط کره زمین واقعست اما شهر کنون در عرض شمالی ۲۳° ۱۰' و طول شرقی ۱۱۳° ۳۰' واقع است و میان ان و مکا و مقدار ۷۰ میل است و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفر است و باروئی بان حاظه دارد که طولش مقدار ۷ میل است و ان اعظم بندرات چین و مقر قونسلوهای دول خارجه است اما شهر کا شغر در عرض شمالی ۳۹° ۲۵' و طول شرقی ۱۱۵° واقع است و در رفان قدیم تابع بلاد ماوراء النهر بوده و لکن حال تابع بلاد چین است و اهلیش مقدار ۸۰۰۰۰۰ نفر است و اما شهر ختن در عرض شمالی ۳۷° و طول شرقی ۸۰° ۳۵' واقعست و ان نیز در رفان قدیم تابع ماوراء النهر بوده و حال تابع چین است و اهلیش



مقدار ۵۰۰ م نفیس است و از جمله شهرهای بلاد تبت  
لاسا است و آن در عرض شمالی ۳۰ و ۲۹ و طول شرقی ۴۰ و ۹۱  
واقعست و از جمله عادات این بلاد آنست که جمیع برادرانی که در  
یک خانه ساکنند در یک زن شرکت میکنند و او بالسویه زوجه  
انهاست مگر اینکه برادر بزرگتر احق و اقدم است **فصل**  
**شانزدهم** در جزائر آسیا و این جزائر بزرگترین جزایر هندوستان  
و اعظم آنها جزائر جاپان است که در اوقیانوس محیط میانه ۳۵ و ۳۶  
عرض شمالی واقعست و جمیع آنها در تحت حکومت واحد  
داخل و اول آنها از جهت جنوب جزیره کوریا است و در اطراف آن  
چند جزیره کوچک است و مساحت جمیع آنها ۲۸۵۵ میل  
مربع است و دیگر جزیره سیکوکو است با چند جزیره کوچک  
که مساحت تمام آنها مقدار ۲۷۳۷۲ میل مربع است و دیگر  
جزیره نیغون است با چند جزیره دیگر که مساحت جمیع آنها مقدار  
۱۱۰۷۶۸۱ میل مربع است و دیگر جزیره جیو است با چند  
جزیره دیگر که مساحت جمیع آنها مقدار ۴۴۳۴ میل  
مربع است و دیگر جزیره سخالین است که مساحتش مقدار  
۴۶۲۴۶ میل مربع است و دیگر جزائر یونین است که مساحت  
جمیع آنها بمقدار ۱۸۲۷۶ میل مربع میرسد و مساحت مجموع  
این جزائر ۲۷۰۲۱۱ میل مربع است و بوغاز کوریا و دریای  
جاپان و بوغاز سخالین میانه این جزائر و چین فاصله است  
و اهالی آنها مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفیس است و در هیئت  
عادت با اهل چین شباهت دارند و جمیع در تحت حکومت واحد

اما هوای آنها مختلف است و در فصل زمستان برودت در  
موسم تابستان حرارت شدید است و نهرهای آنها بسیار است  
و حاصلهای آنها مثل حاصلهای چین است و از معادن طلا و  
نقره و مس در آنها یافت میشود و اهالی آنها بهره از علوم ندارند  
ولکن قصص و اشعار و تاریخ نزد آنها یافت میشود و تجارتشان  
وسیع است و از جمله عادات آنها آنست که کسی که از بلادشان  
بیرون میرود چون بازگشت کند و را قبول نمیکند و را نمیدهند  
و میانه جزیره کوریا و فرموسا سلسله جزائر است که عده آنها  
بمقدار ۳ جزیره میرسد و این سلسله را لوشو میگویند و  
اعظم آنها در عرض شمالی ۴۱ و ۲۶ و طول شرقی ۲۱ و ۱۲ واقع  
است و هوای آنها خوب و لطیف و مواشی و حاصلهای آنها بسیار است  
و اهالی آنها در بعضی از چیزها با اهل جاپان و در بعضی دیگر با اهل  
کوریا شباهت دارند اما جزائر فیلیپین مقدار ۱۲۰۰ جزیره  
است و جبال و کوهها اکثر نشان آنها بسیار است و زلزله در  
انها بسیار حادث میشود و بادهای سخت زیاده میوزد و هوا  
انها تر است و از این جهت با وجود واقع شدن آنها در منطقه  
حاره تمام اوقات فصل بهار است و میوه و غله آنها منقطع نمی  
شود و اهل آنها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ نفیس است و اعظم آنها  
جزیره مینا است که آنرا لوزون نیز میگویند و در طول شرقی  
۵ و ۱۲ و عرض شمالی ۳۱ و ۱۴ واقعست و جمیع حاصلهای  
اقالیم استوائیه در آن یافت میشود اما جزیره بورنیو که آنرا  
جزیره مهراج و جزیره سریر میگویند میانه ۶ عرض شمالی ۲۰ و ۴۲



عرض جنوبی و ۱۰۹ و ۱۱۹ طول شرقی واقعست و مساحت  
ان مقدار ۲۱۲۷۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار ۳۵۰۰۰۰  
نفس است و در آن فلفل و پنبه و قزفل و صندل و ابوس  
کا نور و عسل و از معادن طلا و آهن و مس و الماس و انتمون  
یافت میشود و حیوانات آن مثل هندوستان و بورماست  
و میانه بورنیو و کینیا ی جدید جزائر ملکا س است و اعظم آنها  
جزیره جیلنس است و آنها را جزائر طیب نیز میگویند و اهالی  
آنها مردمانی وحشی و تندخو هستند که عبادت اجرام فلکیه  
میکردند و بعد بعضی از مذاهب هندیه در میانه آنها پیدا  
شد و از دیست سال قبل بعضی از آنها در دین اسلام داخل  
شدند و اما جزیره جاوه که آنرا یافه میگویند یکی از جزائر صوندا<sup>ست</sup>  
و در جنوب بورنیو واقع است و طول آن مقدار ۶۶۶ میل  
و عرضش میانه ۵۰ و ۳۵ میل و مساحتش ۵۲۳۵  
میل مربع است و تابع مملکت هولانداست و در آن کوههایی  
ممتد است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۱۲۰۰۰ قدم میرسد  
و کوههای کوچک بسیاری از آنها سر اشیب میگردند و حیوانات  
حاصلهای آن مثل جزیره بورنیو است و قصبه اش شهریتاوه  
است و اما جزیره تیمورا از جزائر شرقیه صونداست و اهالی آن  
مردمانی وحشی و بی تربیت و عبادت بتها میکنند و اما جزیره  
سومطره میانه ۳۵ عرض جنوبی و ۴۵ عرض شمالی است و  
طولش مقدار ۱۰۵۰ میل و عرضش میانه ۵۰ و ۲۰۰ میل  
و حاصل و حیوانات آن مثل بقیه اقالم استوائیه است و اهالی

آن کوتاه قامت و زرد رنگند و در جهات متوسطه قومی هستند  
که گوشت انسان میخورند و دین آنها بت پرستی است و شهر  
بنکولن قصبه این بلاد است و آن در عرض جنوبی ۴۹ و ۳  
طول شرقی ۱۰۲ و ۱۶ واقعست و هوایش کثیف و بد است و در  
بحر بنکاله در شمالی سومطره جزائر نیکوبارا است و در شمالی  
آنها جزائر اندامان است و جمیع آنها خاکشان خوب حیوانات  
و نباتاتیکه در اقالم استوائیه موجود است را آنها یافت می  
شود و در شمالی جزائر اندامان کوه التشنشانی است که ارتفاع  
آن مقدار ۸۰۰ قدم است و اما جزیره سیلان که آنرا سراند  
نیز میگویند میانه ۵ و ۶ و ۹ عرض شمالی و ۷۹ و ۵  
طول شرقی واقعست و معظم طول آن مقدار ۲۷۰ میل  
و عرضش میانه ۴۰ و ۱۴۰ میل و مساحتش مقدار ۲۷۰۰  
میل مربع است و ارتفاع بلندترین کوهها آن بمقدار ۷۰۰۰ قدم  
میرسد و کوههای کوچک بسیار و در کوه بزرگ از آنها سر اشیب  
میکردند و جمیع حاصلهای اقالم استوائیه در آن یافت میشود  
و حیواناتش مثل هندوستان و بورماست و اهلیش مقدار  
۱۰۰۰۰۰ نفس است و از جمله شهرها آن جفنا با تام است  
و آن در عرض شمالی ۳ و ۹ و طول شرقی ۷۹ و ۵ واقعست  
و دیگر شهر گامبواست در جنوب غربی و اهلیش مقدار ۵۰۰  
نفس است و در شمالی آن جزیره کوچکی است که محیطش مقدار  
۲۰۰ میل است و جمیع اینها تابع دولت انکوز است و در جنوب  
غربی هندوستان جزائر کاردیف است که بعضی از آنها غیر مسکون



است و اهالی آنها فقیر و بی بضاعت و در ۹ جزیره متفرقند  
و عدد آنها مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و دین آنها اسلام است  
و این جزایر در تحت حکم انگریز است اما جزایر ملدیف در جنوبی  
جزایر مذکوره است و اهالی آنها از اصول مختلفه اند و بدین  
اسلام متدین و در خلیج فارس نیز چند جزیره است که بعضی  
آنها در طی کلام در بلاد فارس و عربستان ذکر شد و بقیه  
قابل ذکر نیست **فصل هفدهم** در قاره اروپا و  
ان از جهت شمال بجزر ثلج شمالی و از شرق بکوهها و دال و هر  
ولکا و هر دون و بحر اسود و بوغاز قسطنطنیه و بحر مرمره  
بحر جزایر روم و از جنوب ببحر روم و بوغاز کوه طارق و از غرب  
باوقیا بوس اتلان تیکی محدود است و معظم طول آن از مصیبت  
کارا قاراس فلسنت بمقدار ۴۰ ۳۴ میل میرسد و معظم  
عرضش از رأس شمالی تا رأس متیان مقدار ۲۰ ۳۴ میل است  
مساحت سطحش مقدار ۵۰۰۰ ۲۴ میل مربع و اهلیش  
مقدار ۳۲ میلیون است و میانه قارات از حیث سعه حال  
اگر چه صاحب رتبه اولیه است و لکن آن بواسطه سعی ناهتمانی  
اهل نیست نه بجهت کثرت حاصله ایش چه که اکثر حاصله های  
معتبره این را از قارات دیگر میاوردند و دریاها یان بسیار است  
و از جمله آنها بحر ایض است که سیزده هزار بزرگ در آن ریخته  
میشود و هر سال از شدت برودت هوا منجمد میشود و دیگر بحر  
شمالی است که آنرا بحر برهانی میگویند و مساحتش مقدار ۷۰۹  
۳۵۱ میل مربع است و دیگر بحر بلتیک است میانه اسوج





روسیا و مساحت آن مقدار ۱۵۱۹۰۰ میل مربع است و دیگر  
بحر متوسط است و طول آن مقدار ۲۸۱ میل و کمتر عرضش مقدرا  
۸۱ میل است و مساحتش بمقدار ۱۵۰۰۰۰ میل مربع میسر  
و عرضش میان اندلس و آفریقا مقدار ۵۰ میل است و دیگر  
بحر اسود است و مساحت آن با بحر ازوف بمقدار ۲۳۳۰۰۰  
میل مربع میرسد و اما بحیرات او و پاسبیا است و اکثر آنها در  
بلاد سولیس و ایتالیا و المانیا و روسیا و اسوج است و اعظم  
انها بحیره لادوکاست در روسیا و مساحت آن مقدرا ۴۰  
۳۶ میل مربع است و اما نهرهای آن بسیا است و اعظم آنها  
در جهات شرقیه است و نهرهای کوچک بسیاری با آنها منظم می  
شود و اما کوههای آن از جمله آنها کوههای آلیا است در بلاد  
سولیس و شمالی ایتالیا و بلندترین آنها کوه بلانک است در بلاد  
سولیس که ارتفاعش مقدار ۱۵۷۰۰ قدم است و دیگر کوهها  
ابنین است که از طرف جنوب از کوهها آلیا ممتد است و در  
بلاد ایتالیا میگذرد و دیگر کوههای کرباث است که بلاد  
اوستریا را تا شمالی نهر و نو خرق میکند و دیگر کوهها بلکان  
است در بلاد عثمانیه و کوهها اورال که میان او و پادشاه  
فاصله است و کوهها اسکندنافیه که میان اسوج و نروج  
فاصله است و کوه آتش فشانان سه است اول کوه اتنادر  
سیسیلیا در کوه بزوف در نزدیکی شهر ناپولی سیم کوه  
هکله در جزیره ایسلاند اما هوای او و پادشاه شمالیه  
سرد است چه که در منطقه بارده واقعست اما در جهات متوسطه

و جنوبیه معتدل است و اما حیوانات و معادن آن در طی کلام  
در لایات مفزده ذکر خواهد شد و اما اهالی آن باعتبار اصلشان  
بچهار قسم منقسم اند اول شعوب جرمانیه یعنی ساکنین پروسیا  
و جرمانیا و هولاند و بلجیک و دینمارک و اسوج و نروج و لغات  
انها فرع لغت جرمانیه است و اهالی جزائر بریطانیه نیز در این قسم  
داخل است و سیم شعوب رومانیه و لغات آنها فرع لغت لاتینیه  
است و از اصل رومانی اند که بقبا ئل شمالیه از اهل فرانسیا و  
ایتالیا و غیر آنها مخلوط شده اند سیم شعوب سقلبیه یعنی اکثر  
ساکنین روسیا و بعضی از سکان اوستریا چهارم شعوب تتر  
یعنی اتراک و اهل شمالی روسیا و دین غالب در این قاره نصرانیت  
است مگر در بلاد اتراک که دین غالب اسلام است و اما یهود در  
اکثر محالک این قاره متفرقند و بعضی از قبا ئل شمالیه بکیشرت  
پرستی باقی اند و بدانکه این قاره بحده حاکمیت تقیم میشود اول  
روسیا یعنی بلاد مسکوب و سیم اسوج و نروج سیم دینمارک  
چهارم جزائر بریطانیه یعنی انگلستان پنجم فرانسیا ششم هولاند  
هفتم بلجیک هشتم جرمانیا نهم پروسیا دهم بلاد سولیس یازدهم  
اوستریا دوازدهم پرتوگال سیزدهم اسپانیا چهاردهم ایتالیا  
پانزدهم بلاد عثمانیه شانزدهم بلاد روم هفدهم جزائر  
قسم اول روسیا است و از جهت شمال بحر تلج شمالی و از  
شرق بکوهها اورال و نهر و لکا و نهر دون و از جنوب بحر اسود و  
بلاد عثمانیه و اوستریا و از غرب بلاد عثمانیه و اوستریا و  
پروسیا و بحر بلتیک و نروج محدود و مساحتش مقدار



۳۰۶۲۶۱ میل مربع و اهلیش مقدار ۶۰۰۰۰۰۰۰ نفس است  
و کوهها و اورال و کوه قاف میانه آن و آسیا فاصله است اما کوهها  
الفیذیه سلسله ایست که از کوهها اسکندناویه امتداد است و  
در آن بعضی از نباتات و بسیاری از معدن آهن و مس و رخام  
یافت میشود و واسط این بلاد را ارضی عالییه ایست که ارتفاع  
انها بمقدار ۱۲۵۰ قدم میرسد و مخرج هز و لکا و دینبرود و  
که بجهت جنوب جاری میشوند و چند هز دیگر که بطرف شمال  
جاری میگردد در آنهاست و بسیاری از معدن آهن و زاج  
و زغال سنگ و غیره در این جهات یافت میشود و اما کوهها  
کرباش از او استریا امتداد است و در آنها معدن آهن و کبریت و  
غیره یافت میشود و در این مملکت بیشه ها وسیعی است که بسیار  
از چوبها آنها را بجهت ساختن کشتی بسیار مالک و اروپا میبرد و  
بیشتر آنها در جهات شمالیه است و اما هزهای روسیا از جمله  
انها هز ویناست که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و در جنوب  
ریخته میشود و دیگر هز بتوره است که طولش مقدار ۷۰۰  
میل است و دیگر هز او نیکا است که از بحیره او نیکا جاری میشود  
و هز طورینا که میانه روسیا و نروژ فاصله است و در خلیج نوینا  
که طولش مقدار ۳۰۰ میل و عرضش مقدار ۱۰۰ میل است و  
هزهای بسیاری در آن ریخته میشود داخل میگردد و اما خلیج  
فینلاندا طولش مقدار ۶۰۰ میل و عرضش ۲۲ و ۴۴ میل  
است و هزهای بسیاری در آن ریخته میشود که از جمله انها  
هز نیفاست که از بحیره لادوگا جاری میگردد و دیگر هز وینا

عربی است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و هز دینبر و هز  
دینستر که طولش مقدار ۴۸۰ میل است در بحر اسود داخل  
میشود و هز و نو میانه روسیا و بلاد عثمانیه فاصله است  
و از هز دینوب نیز میگویند و هز کوبان که از جبال کوه قاف بیرون  
میآید در بحر ازوف داخل میشود و اما بحر ازوف که از بحر ازوف  
نیز میگویند معظم طولش مقدار ۱۲۱۰ میل و معظم عرضش مقدار  
۱۲۰ میل و معظم عمقش ۴۸ قدم است و میانه آن و بحر اسود  
شبه جزیره حادث میشود که از اقترم میگویند و اما بحیرات  
روسیا بسیار است و از جمله انها بحیره سامن است که طولش  
۶۰۰ میل و عرضش ۳۰۰ میل است و دیگر بحیره لادوگا است که  
طولش ۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۲۵ میل است و دیگر بحیره  
اونیکا است که طولش مقدار ۱۵۰ میل است اما هوا این مملکت  
بجسب اختلاف مواقع مختلف است چه گمانی از آن در منطقه بار  
یعنی دایره شمالیه واقع و جزئی در منطقه معتدله و در بیا باها  
آن مرتعهای خوب از جهت مواشی قبا ئل قراست و از معدن طلا و  
نقره و الماس و آهن بخصوص در جانب شرقی کوهها و اورال یافتی  
شود اما شهرها و روسیا از جمله انها پترزبورغ است که قصبه این  
مملکت است و در کنار خلیج فینلاندا واقعست و در خوبی و فراوانی  
بهترین شهرها و اروپا است و در آن کتابخانه ایست که بمقدار  
۳۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و اهلیش مقدار ۵۰۰۰۰۰  
نفس است و دیگر مسکو است که بمسافت ۴۸۱ میل در جنوب  
شرقی پترزبورغ است و در زمان قدیم قصبه این مملکت و اعظم



شهرهای او رویا بوده و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر است  
 و از طرف بر تجارتش بد نیست و دیگر شهر او دسناست که اهالی  
 آن بمقدار ۵۰۰۰۰ نفر میرسد و شهرهای مذکوره اعظم شهرها  
 این مملکت است و اکثر اهل آن از طائفه روم است و جماعتی از  
 لاتینی و پروتستانی و مسلمان و بت پرست و مجوس نیز در  
 آن ساکنند و اما حکم روسیا از نوع ملکی مطلق است و سلطان  
 آن صاحب سلطنت عمومی است و عسکر این مملکت در طرف  
 بر ۱۷۰۰۰۰ و کشتیهای جنگیش ۴۰۰ است و اما شعوبان  
 از طوائف عدیده مخلوط است و از این جهت این مملکت از روسیا  
 میگویند یعنی قبائل متفرقه و اکثر آنها اصلاً از صقالیه اند و لکن  
 میان آنها تر و اتراک و مغول و قلمق نیز یافت میشود و اکثر اهل  
 این مملکت بحالت خشونت و درشتی و عادات متوحشه قدیمه  
 باقی اند مگر اهالی بعضی از شهرهای مذکوره که در ظل تربیت و تمدن  
 غنوده و اسوده اند و از حیثیت طبع مردمائی قانع و سهل المعاشه  
 و هو و لعب و حوادث جدید و رادوست میدارند و اکابر آنها  
 بملاهی باغبی و مایل و چونکه تازه از حالت بربریت و توحش خارج  
 شده اند لذا هنوز بدرجه سامیه ادب و تمدن و تربیت فائز  
 نکریده اند و عوام آنها غالباً بحالت کثافت مشاهد میشوند  
 و زنان آنها بمنزله بندگان از برای مردانند چنانچه مردان بمنزله  
 بندگان از برای اشرافند و اما بلاد لیبیا و اندلیا و یونیا در جهت  
 شمال غربی در کنار بحر متجدد واقع است و از این هوایش سرد است  
 و اهالی آن مثل بعض قبائل اسوج و نروج و شمال امریکا کوتاه

قامت و غلیظ العقل و اعتماد آنها در معیشت بنوعی از کا و وحشی  
 است که انرا نه میگویند که شیر و گوشت انرا میخورند و از پوشش  
 کسب میکنند و بهنایت درجه نادانی و کندذهنی اند و بعض  
 اعتقادات مسیحیه که با اعتقادات بت پرستان مخلوط است  
 معتقدند و املاک شمالی اسیا و طرف غربی بحر قرین و جانب  
 شمال غربی امریکا در تحت این ولایت است و وسعت جمیع آنها  
 مقدار ۸۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و اهالی آنها مقدار ۱۰۰۰۰۰  
 نفر است قسمی در مملکت اسوج و نروج است  
 و آن از جهت شمال باوقیانوس شمالی و از شرق بروسیا و خلیج  
 بوئندیا و بحر بلتیک و از جنوب بحر بلتیک و بوغاز کاتیغات و از  
 غرب بحر شمالی و اوقیانوس اتلانتیک محدود و مساحت سطح  
 آن مقدار ۳۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و اهلش بمقدار ۱۰۰۰۰۰  
 ۵۰۰۰۰ نفر میرسد و کوههای اسکندناویه میانه اسوج و نروج  
 فاصله است و طول آنها مقدار ۱۰۰۰ میل و ارتفاع بلندترین  
 سرها آنها بمقدار ۸۴۰۰ قدم میرسد و اعظم نهرهای آن نهر دال  
 است که طولش مقدار ۶۲۰ میل است و دیگر نهرها دریناست  
 که میا اسوج و روسیا فاصله است و در رأس خلیج بوئندیا رخنه  
 میشود و دیگر نهرهاست که از بحیره وینر بیرون میاید و آن  
 جمله بجزایر آن بحیره وینر است که ذک شد و طول آن مقدار ۱۰۰  
 میل و عرضش مقدار ۶۰ میل است و از جمله جزایر آن در بحر  
 بلتیک کوتلاندا و ایلانداست و در بحر اتلانتیک در ناحیه  
 شمال غربی جزیره لادن واقعست و اما هوای این ولایت سرد است



و فضل زمستان آن طولانی و تابستانش کوتاه است و در جهت  
شمالی بواسطه آنکه داخل دایره شمالیه است دو ماه و نیم در فصل  
تابستان افتاب بان میتابد و دو ماه و نیم در زمستان از آن  
غائب میشود که جمیع اوقات شب است و از این جهت فصل بهار  
ندارد و اما خاک این ولایت قابل زرع نیست مگر قلیلی از آن بجهة  
کثرت بیشه و کوه و ضرر و بحیرات و لطافت و سردی هوای آن در  
اکثر اوقات سیاحان بواسطه تفرج و رفع هم و غم قصد آنرا میکنند  
و در آن معدنهای نقره و مس و آهن و قلع و کبریت و غیر اینها  
یافت میشود و این مملکت بدو ولایت تقسیم میشود اسوج و  
نروج اما اسوج به ۲۴ قطعه منقسم است و ثانی به ۱۷ قطعه  
و در آن چند ترعه است که اعظم آنها ترعه کوتا است و طول آن  
مقدار ۴۱ میل است و از جمله شهرها آن است که لم است در  
اسوج و آن قصبه این مملکت است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر  
است و مرکز تجارت تمامی این مملکت است و دیگر شهر کریتیان  
و آن قصبه نروج است و اهلش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است  
نائب سلطان در آن قامت دارد و مقر خود او در است که لم است  
و اکثر اهل این مملکت بمذهب پهلوی و نشتانی اند و لکن در جهت  
شمالی آن کمی از بت پرستان ساکنند و آنها بجهایت درجه نادانی  
و جهالت اند و در هر بلدی از بلاد این مملکت مدرسه عامه  
از برای تحصیل علوم برپاست و سه مدرسه کلیه و بیست  
و سه مدرسه متوسطه در تمام این مملکت برپاست و اکثر اهل  
فلاحت و زراعت از خواندن و نوشتن با بهره و نصیب اند و حکم

این مملکت از نوع ملکی مقید است و مجلس احکام آنها یکی در شهر  
است که لم و دیگری در کریتیان است و اهالی آن صاحب  
و شجاعت و امانت و حشمت و بشاشت اند و اکثر طعام اهل  
فلاحت آن شیر و پنیر و ماهی است و در بعضی از جاها بخوردن  
نان و گوشت فخریه و مباهاات میکنند و بلاد خود شتابسیا  
مایل و راعبا ند و اما ولایت نروج تابع ولایت دینمارک بوده  
و در سنه ۱۸۱۴ مسیحی بمملکت اسوج اضافه شد و قسمی  
سیمی مملکت دینمارک است و آن از شمال بمضیق سکا جراک  
و از شرق با اسوج و از جنوب بحرمانیا و بحر بلتیک و از غرب نیز بحرمانیا  
محدود است و طولش از شمال بحب ۳۰۰ میل و عرضش  
مقدار ۱۰۰ میل و سطحش ۲۲۰۰۰ میل مربع و اهلش مقدار  
۲۰۰۰۰۰ نفر است و اعظم شهرهای آن هرایدراست که  
مخربش در نزدیکی بحر بلتیک است و در بحر جرمانیا ریخته میشود  
و طولش مقدار ۵۵ میل است و بحیرات آن زیاده از ۴۰۰ بحیره  
است و بزرگترین آنها بحیره بلوین است که محیطش مقدار ۱۰۰ میل  
است و چند جزیره تابع آنست و بهترین آنها جزایر لیت است که در بحر  
بلتیک واقعست و اعظم آنها جزیره زیلانداست که سطحش  
۲۸۰۰ میل مربع و اهلش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است و  
دیگر جزیره فوین است در نزدیکی زیلاندا که سطحش ۲۰۰۰  
میل مربع است و هوای این ولایت رطوبت دار تر از هوای بلاد  
است که در این قاره از حیث عرض مساوی با آنست و زیاده  
از دو ثلث ایام سال در آن باران میبارد و تابستانش گرم است



و اکثر اراضی آن ریک زار است و بسه قسم منقسم است دینارک  
اصلیه و مقاطعات سلسویک و این دو قسم داخل در مملکت  
جرمانیه است و سیم جزائر فارد و است در شمال اسکا تلند و در  
مملکت اصلیه سه ترعه است که اعظم آنها ترعه کیال است که  
میان بحر بلتیک و بحر جرمانیا را بیکدیگر وصل میکند و دیگر ترعه  
سینکنین است که میان بحیره اودنیزی و بحر را بیکدیگر وصل  
میکند و از امتهات شهرهای این ولایت کوبنهاغن است و آن  
قصبه این ولایت است و بحسن منظر و کثرت بذر و جمیله مشهور  
و معروف است و در آن سه مدرسه کلیه و چند مدرسه دیگر  
و یک کتابخانه است که بمقدار ۱۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است  
اهلش بمقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر السنور است  
و اهل آن بمقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر الطوناست  
اهل آن بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله املاک خارجیه  
این ولایت جزائر فارد و است که بمقدار ۲۵ جزیره مشتمل است  
و دیگر جزیره ایسلاند و گرینلاند در امریکای شمالی و جزائر  
صلیب رهند غربی و سه قطعه از قطعات جرمانیا است و  
اهالی جمیع املاک خارجیه آن بمقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است  
و اکثر اهل این بلاد بصید ماهی اشتغال دارند و دین غالب  
میان آنها مذهب پروتستانیست و کمی از لاتینیست و غیره  
نیز در میان آنها یافت میشود و حریت و آزادی از برای جمیع  
مذاهب حاصل است و از برای آنها دو مدرسه کلیه یکی در  
کوبنهاغن و دیگری در کیال است و در قلعه کریستیانبرج که

از جمله املاک خارجیه آنست زیاده از ۵۰۰۰ مدرسه  
متوسطه و یک کتابخانه است که بمقدار ۳۰۰۰۰ مجلد کتاب  
مشتمل است و اهالی آن در تعلیم و تربیت اطفال خود بسیار  
اهتمام دارند و اما حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است و اهالی  
آن از اصل طوطونی اند و لغت آنها بلغت اسوج و نروج شباهت  
دارد و مثل سایر اهل شمال استعمال مسکرات میکنند و در  
تمدن و تربیت از بقیه طوائف اروپا پست تر اند و در سال  
هشتم و نهم با اهالی اسوج و نروج در رهنم غارت در دریا  
متفق شدند و اهل اروپا کمال خوف و بیم از آنها داشتند  
مذمت مدیک ملوک این ولایت بر بلاد انگلیس استیلا یافتند  
ولکن حال سطوت آنها محجود و دست تعدیشان کوتاه است  
قسم چهارم جزائر بریطانیه یعنی انگلستان است و این  
مملکت بدو جزیره بزرگ که در جهت شمال غربی و اروپا واقع  
است و یکی از آنها را بریطانیه کبیره و دیگری را ایرلند می  
گویند مشتمل است و اولی از آنها بدو قسم منقسم است و کلند  
و اسکاتلند و چند جزیره که در نزدیکی آن واقعست مثل  
جزائر شتلند و جزائر هبریدن و جزیره مان و جزیره وایت  
تابع آنست این مملکت بحسب سعت هفتی ممالک اروپا  
و از حیثیت جمعیت چهارمی و باعتبار تمدن و هیئت اجتماعیه  
و قوه بحریه و امتداد املاک خارجیه و تجارت و صنایع و  
علوم اولی آنها محسوب میشود و قلعه کوه طارق و جزیره مالطه  
و هفت جزیره در بحر متوسط که معروف ببلندقیه است



واملاک وسیع دیگر در هند شرقی و افریقا و آمریکا و  
چند جزیره در اوقیانوس تلانٹیک و اوقیانوس محیط و قاره  
هالند جدید تابع است و حکمران از نوع ملکی مقید است  
و حریت و آزادی و انصاف و عدل و داد ان از سایر ممالک  
بیشتر و مساحت دو جزیره اصلیه مقدار ۱۲۰۰۰۰  
میل مربع و اهالی آن مقدار ۲۷۰۰۰۰۰ نفر است  
و اکثر آنها پروتستانی اند و حریت و آزادی برای جمیع  
مذاهب حاصل است و دخل این مملکت از مرکب جزیره بمقدار  
۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه میرسد و لکن دولت مقدار  
۸۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه با اهالی آن مدیون است  
این بواسطه کثرت حربهای است که میان آن و بعضی دولت دیگر  
بخصوص مملکت فرانسا واقع شد و مردم در بر و بحر با بطوع  
و الرغبة خدمت او را میکنند و عدد عساکران بمقدار  
۵۰۰۰۰ نفر میرسد که غالباً در ایرلند یا در املاک  
خارجیه اند و عساکر دیگری در هند و غیره دارد و اما  
کشتیهای جنگی آن مقدار ۲۰۰ کشتی است و چونکه حکم  
این مملکت از نوع ملکی مقید است لذا در مجلس از برای  
ترتیب احکام و قوانین آن که یکی از آنها راجع با شراف و اعیان  
مملکت است و اجراء آن ۳۰۰ نفر است و دیگر بجامه ناس  
اجراء آن ۷۰۰ نفر است و لکن منعقد میشود و بجهت  
اجراء این قوانین در هر بلده و قطعه از این مملکت مجالس و  
محافل معین و مقرر است اما انکلیتر که انرا انگلند میگویند

بزرگترین اقسام انگلستان است و اهلیش بیشتر و در امور  
فلاحیت و زراعت کمال اهتمام دارند و از این جهت اراضی آنها  
معمور و خصیب است و در زمستان و تابستان از آب باران  
سیراب میشود و اما هزهای آن از جمله آنها هز ساورن است  
که در نزدیکی شهر بریستل در خلیجی که از اوقیانوس تلانٹیک  
ممتد است ریخته میشود و دیگر هز مرسی است که نزد شهر  
لیورپول در بحر ایرلند ریخته میشود و دیگر هز تیمس است  
و میان این هزها ترعه کاه بسیار است که قیا آنها را بیکدیگر  
وصل میکند و باین واسطه سفر کردن از جایی بجای دیگر سهل  
و آسان است و چونکه این جزیره در کنار دریا واقع است  
هوایش تر و معتدل و نباتاتیکه محتاج بحار است شدیداً  
در آن نمیرود و لکن حبوبات بسیار است و اسب و کوسفند  
و مواشی دیگر آن خوب در آن معدن زغال سنگ و مس و  
سرب و قلع بسیار است و اهالی آن در علوم و فنون و صنایع  
با علی درجه آن فائز شده اند و مدارس عامه و خاصه بسیار  
و کتب رزان و فراوان و از این جهت تحصیل علوم و معارف  
فنون و صنایع بر هر کسی سهل و آسان است و قصبه این  
مملکت شهر لندن است و آن در غنی و تجارت و جمیعت اعظم  
شهرها عالم است طولش ۵ میل عرضش ۷ میل و اهلیش  
مقدار ۲۰۰۰۰۰۰ نفر و بازارهایش بمقدار ۱۰۰۰۰۰۰ میرسد  
و در دو جانب هز تیمس بمسافت ۳۰ میل از مصب آن بنا  
شده و مردم از جانبی بجانب دیگر آن از روی پنج جسر که



سه جسر آنها از سنک و دو جسر دیگر از آهن است عبور میکنند و زیر زمین هر دو هلیز وسیعی از سنک بسته شده و آن راه آنهاست و زیر آب بناهای عظیمه این شهر بسیار است و مشهورترین آنها کنیسه سنت پولس و کنیسه و ستمینستر است اما شهر لیورپول بحسب تجارت و بی شهرها انگلند است و اهلیش مقدار ۲۵۰۰۰ نفر است و بمشمار ۲۲ میل از آن شهر مخفیتر است و آن شهر عظیمی است که انواع اقمشه از پنبه در آن بافته میشود و دیگر از شهرها آن برمینگام شفیلد است و در آنها انواع آلات آهن ساخته میشود و دیگر لیدس و اکزتر است که قاشهای پشمینه در آنها بافته میشود و دیگر که رملستر است که فرش در آن بافته میشود و در انگلند چند بحیره کوچک در جهت شمال است که در فصل تابستان بجهت تفریح و تماشا قصد آنها میکنند اما جهات غربیه انگلند در زمان قدیم مملکت مستقل بوده و زمانی که رومانیین در عصر یولیوس قیصر که ۵۵ سال قبل از حضرت عیسی بود انرا فتح کردند اهلیش پنجاهت توخس و بربریت بودند و از شیر مویشی و گوشت آنها معیشت میکردانند و حکومت رومانیین مدت ۴۷۵ سال طول کشید و پس از آن طائفه سکسئیه در انگلند آمدند و باهالی صلیبه آن غلبه کردند و با آنها امیزش نمودند و این بلاد در آنوقت بهفت مملکت مستقله منقسم بود تا اینکه در سنه ۸۲۸ ملک اغرت انرایک مملکت ساخت اما اسکولتیا یعنی اسکاتلند در جهت

شمالی انگلند واقعست و اهلیش از آن کمتر و هوایش سردتر و کوههایش بیشتر و بواسطه کوههای غریب میان بد و قسم تقسیم میشود اعلی و اسفل اما قسم اعلی در جهت شمال غربی است و آن کوهها بلند سردی است که سوای تربیت بعضی از مویشی قابل چیز دیگر نیست و در آن چند بحیره است که از جمله آنها بحیره لنس و لومند است که طولش مقدار ۳۰ میل است و اهل سیاحت از هر ولایت بجهت تفریح در ضد تابستان قصد آن میکنند و اما قسم اسفل در جهت جنوبی واقع است و در خوبی معادل انگلند است و زمین آن قابل زرع و برای مرتع مویشی خوب است و اهالی آن بلاد خودشان بسیار مایل و راغب و آنها را بسیار بلاد مسکونه تفضیلی دهند و علوم و شیوع معارف در بلادشان بسیار اتمام دارند اما اهل کوهها و سکان جزائر ارکا ده و هبریدن و شتلند غالباً مردمانی فقیر و بی بضاعت اند و در اسکا تلند معدن زغال سنک و قلع بسیار است و کارخانههای عظیمه از برای ساختن اقمشه از پنبه و پشم و کتان و آلات آهن فراهم است و در آن سه مدرسه جامعه و چند مدرسه عامه برپا و مدرسه ایدنبرک مشهورترین مدارس انگلستان است در علم طب و اما هنرهای اسکاتلند از جمله آنها هنر فرش است که در نزدیکی شهر ایدنبرک در خلیجیکه از بحر ممتد است بخته میشود و دیگر هنر کلاید و هنر تویدا است که میان آن و انگلند فاصله است و از جمله ترعههای آن



ترعه کلا سکو است که میانه هر کلاید و هر فورث را بیکدیگر  
وصل میکند و دیگر ترعه کالید و نیاست که میا خلیج مور  
واوقیا نوس اتلانیتک را جمع میکند و از امهات شهرهای  
اسکا تلند اید نبرک و اوردین و دندی و کلا سکو است  
شهرهای مذکوره از حیث تجارت و جمعیت اعظم شهرها انت  
واسکا تلند در زمان قدیم مملکت مستقلی بود تا اینکه در سنه  
۳۰۴ مسیحیه که الیزابت ملکه انگلند وفات یافت بواسطه  
انکه نسلی از او باقی نمانده بود سلطنت بیعقوب ملک که از  
اقارب او بود را جمع شد و از آنوقت بمملکت انگلند منضم گردید  
و این دو مملکت مملکت واحد و در تحت یک حکومت داخل  
شد و اهالی آن مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر است و بدیانت  
عیسویه بمذهب پروتستانیه متدین اند و اما ایرلند جزیره  
خوبی است و مساحتش مقدار ۳۰۴۰۰ میل مربع است و  
بخلیج سنت جارج و ایرلند از انگلند واسکا تلند منصل  
است بچهار قطعه تقسیم میشود اول و لستر در جهت شمال  
اعظم شهرها آن بلفاست است و دبلین در جهت شرق  
اعظم شهرهای آن دبلین است و سیم منستر در جهت جنوب  
اعظم شهرها آن کارک است چهارم کانت در جهت غرب و اعظم  
شهرهای آن کالوه است و خاک این جزیره خوب و قابل کشت  
و زرع و هوایش معتدل و تراست و جنوب و کتان که انواع  
عدیده از امتشه از آن ملیسازند در آنجا بسیار است اعظم  
هرهای آن هر شین است که طولش مقدار ۱۶۰ میل است

و بعد از گذشتن آن از چند بحیره در او قیا نوس اتلانیتک بخیر  
میشود و اعظم بحیرات آن بحیره نیاغ است در جهت شمال شرقی  
و طول آن مقدار ۵۱ میل و عرضش ۷ میل است و دیگر بحیره  
آن است و آن دو بحیره است که متصل بترعه ایست از جمله  
ترعه ها آن ترعه ملکیه است که میانه بحر ایرلند و او قیا نوس  
اتلانیتک را بیکدیگر وصل میکند و این بحیرات بعضی اوقات  
حسن منظر مشهور و معروفند و از این جهت اهل سیاحت  
در فضل تابستان محض تفریح و تماشا و عیش قصد آنها می  
کنند و در ایرلند یک مدرسه جامعه است که در علم طب  
مشهور است و آن مدرسه دبلین است و مدرسه دیگر  
در مینوت از برای کاتولیکهاست و سه مدرسه عمومی یکی  
در بلفاست و دیگری در کالوه و سیم در کارک است بواسطه  
انکه اکثر ارضی آن ملک اکابر و اشراف این بلاد است و بیشتر  
اهالی شرکاء آنها هستند از این جهت اکثر آنها فقیر و بی بضاعت  
و از علوم و فنون و صنایع بی بهره اند و اکثر اهل ایرلند از طائفه  
کاتولیکیه اند و مقدار ربع آنها پروتستانیه است و آنها  
غالباً در جهت شمالیه ساکنند و اما شهر دبلین و کارک و  
بلفاست اعظم شهرها است و آن در زمان قدیم مستقل بود  
و در سنه ۱۱۷۲ عیسویه انگلیس بان استیلا یافت  
قسمی بخرم مملکت فرانسه است و آن از جهت شمال ببلجیک  
و خلیج انگریزی و از شرق بپروسیا و بوری و بادن و بلاد  
سولیس و سردینیا و از جنوب ببحر متوسط و اسپانیا و از غرب



بخلیج بسکی حدود و مسافت سطح آن ۲۵۰۰۰ میل مربع و  
اهلش مقدار ۳۳۰۰۰۰ نفر است از جمله کوهها  
آن سلسله کوهها سرفان است که از طرف شرقی این مملکت جنوب  
غربی امتداد است تا اینکه بطرف شرقی کوهها تنگه میانه فرانسوا  
اسپانیا فاصله است متصل میشود و شعبه های جنوبی را  
کانتال مینا مند بلندترین کوههای فرانسوا کوه اوراست که  
ارتفاع آن بمقدار ۲۳۰۰ قدم میرسد و در نزدیکی بلاد شوب  
کوههای جورا و کوههای الپاست که میافرانسوا و بلاد سویس  
و ایتالیا واقع است و اما نهرهای این مملکت بسیار است از جمله  
انها نهر سین است که طولش مقدار ۵۰ میل است از وسط  
پاریس میگذرد و دیگر نهرهای است که اعظم نهرها فرانسوا  
طول آن مقدار ۶۰۰ میل است از کوهها سرفان بیرون میاید  
و در خلیج بسکی ریخته میشود و دیگر نهر گرُن است که طولش  
۴۰۰ میل است و در بحر بسکی ریخته میشود و دیگر نهر روهن  
است که طولش ۴۵۰ میل و بحر جشر در کوهها الپا و عمیق  
سریع جریان است و در بحر متوسط ریخته میشود و اما خلیجها  
آن از جمله انها خلیج انکیر بری است که گذشتن کشتی از آن محل خطر  
است در جهت غرب خلیج دیگری است که آنرا خلیج بسکی می  
گویند و دیگر خلیج لایون است و آن جزئی از بحر متوسط است  
و اما ترعه ها این مملکت بمقدار ۸ ترعه میرسد و طول جمیع انها  
۲۳۵۰ میل است و اکثر نهرها را بیکدیگر وصل میکنند  
بواسطه آن انتقال از جایی بجای دیگر سهل و آسان است اما

جزائر آن از جمله انها جزائر الیربان وری و نایر موتیر و بلی و لانت  
است در خلیج بسکی و جزائرها پارس در جهت جنوبی و جزیره  
کارسیکا در بحر متوسط که طولش مقدار ۱۱۰ میل و عرضش  
۵۰ میل است و در انها سلسله کوهها نیست که ارتفاع رؤس  
انها بمقدار ۹۰۶۰ قدم میرسد و از جمله شهرها انها باستیا  
که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهرها شیلت که  
مولد ناپلیون است و معدن آن بسیار است و اهلش مقدار  
۱۰۰۰۰ نفر است اما زمین این مملکت خصیصه خوب بهترین  
آن را صحرای شمالیه است که قابل تربیت حبوبات است و وادی  
ایمان خصیل را صحرای دینا است در جهت جنوب غربی بیابانها  
است که ابدان باتات در انها نمیرود و اما هوای فرانسوا خوب  
و لطیف و نواهی شمالیه آن بسیار سرد است به قسمیکه نهر  
سین که قریب پاریس است منجمد میشود و در اماکن متوسطه  
آن هوا معتدل و پاکیزه و مقوی بدن است و در ماه تموز  
شروع بدر وید زراعتهای آن میشود و اما نواهی جنوبیه هوا  
گرم است و مع ذلک بد نیست و اما اشجار و نباتات آن از  
جمله انها انجیر و امرود و شفتالو و صنوبر و صفصاف و بلوط و  
زیتون و لیمو و توت سفید و سیب و زردالو و بادام و گردو و نا  
و خربره و انار و انواع حبوبات بقول است و مشهورترین شرابها  
آن شراب شمپین و برغندی است که آنرا برندی میگویند و  
از جمله معادن آن نقره و قلع و توتیا و انواع رخام و زغال سنگ  
است از بهائیم اسب است و خر و گاو و گوسفند و روبان و کرک



و کره ببری و سکنای و غیر اینها از حیوانات در ایا قلیت  
و از امهات شهرها این مملکت پاریس است که قصبه آن و در  
جمعیت دوی شهرها او روپاست و در دو جانب نهر سین  
واقعست و محیطش ۲۰ میل و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر  
است و از جمله قصرها آن قصر عظمی است که آنرا لوفیر میگویند  
و در آن تصویرهای خوب گران بها و چیزهای تازه که قابل دیدن  
است که از زمان قدیم تا حال از اقطار عالم جمع کرده اند و موجود  
است و کنائش و مدارس و دیرهای آن بسیار است و از جمله  
مدیرها آن مدرسه کلیه ایست که تلامید آن بمقدار  
۱۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله کتابخانه های آن کتابخانه ایست که  
بمقدار ۵۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و این شهر بکثرت  
مطبعه و سهولت اکتساب علوم و فنون معروف و مشهور است  
و اکثر مدارس آن برای استفاده جمهور ناس مفتوح و مانعی از  
دخول نه و دیگر از شهرهای آن لایسنس است که دوی شهرها  
فرانسوا شمرده میشود و کارخانه های آن بسیار و در ساختن  
امتشه حریر مشهور و تجارتش وسیع و اهلش مقدار ۲۰۰  
نفس است و دیگر شهرها مارسل است و آن قدیم ترین  
شهرهای فرانسا است و اهلش مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر است  
و دیگر شهر طولان است در جهت جنوبی و اهل آن مقدار ۲۰۰  
نفس است و دیگر شهر بوردو است در جهت غربی و تجارت  
آن وسیع و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر  
روان است که بمسافت ۱۷۰ میل از مصب نهر سین واقع است و

کارخانه های بیش متعدد و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ نفر است  
و اما اهل این مملکت کثرت بفلاحهت و زراعت اعتنا دارند و در  
این عمل بنهایت درجه آن رسیده اند و اکثر آنها صاحب ملکند  
و بالطبع مایل بتجارت نیستند و لکن در مدتی در آن تقدر  
یافتند بقسمی که در امور تجارتیه مشهورترین اهل او را بشمارند  
و کارخانه های آنها بسیار است و از باب آنها در انواع صنایع  
دقیقه کمال مهارت دارند و لکن در اکثر مصنوعات عایت  
ملاحظه ظرافت را بدیشتر از منفعت متانت میکنند و اما  
املاک خارجی آن از جمله آنها بوندی شاری و تاریکال  
بانان و ماها ای است در آسیا و جزیره برون در اوقیانوس  
هند و جزیره مره در نزدیکی جزیره مدکاسکر و جزایر غریبه  
افریقا و منزله سینغال در کنار بحر غربی و جزیره پطرس و  
میکلون و مارتیکا و غوادیلوب جزئی از جزیره مارتین و جزیره  
غیانا و اما عسکر این مملکت مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفر است  
و لکن در وقت جنگ سکوا عسکر ردیف بمقدار ۵۰۰۰۰۰  
نفر میرسد و کشتیهای جنگی آن مقدار ۴۰۰ است و حال در  
ساختن کشتیها تجارتی سعی و اهتمام دارند و عسکران بطریق  
قرعه گرفته میشود و تا مدت پنج سال باید که خدمت کند و یا  
آنکه دیگر بیا عوض خود بدهد که بجای او خدمت کند و اهل  
این مملکت صاحب نخوت و شجاعت و انصاف و مروءت تمدن  
و تربیت و بله و ولع غنا و رفص مایل و راغب در جمع  
علوم و فنون سعی و اهتمام دارند چنانچه مدارس پاریس و



کتابخانه‌های آن در همه جا مشهور و معروف است و در این مملکت برجها و قصرها و قلعه‌ها و بناهای خوبیافت میشود که در دنیا شبه و مثل آنها نیست و اهالی آن به سفر میل و رغبت ندارند و حکمران جمهوری است و اکثر اهالی آن از طائفه لاتینیّه است و لکن میا آنها بیاری از پروتستانیّه نیز یافت میشود و حریت و آزادی از برای تمام مذاهب حاصل است قسماً ششم و هفتم بلجیم و هالند است اما مملکت بلجیم که انرا بلجیک میگویند از جهت جنوب به فرانسوا و از غرب نیز به فرانسوا و بحر شمالی و از شمال به آلمان و از شرق به بحر مانیخ محدود و مساحت سطح آن ۱۱۵۰۰ میل مربع و اهالش مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است و اکثر اراضی آن خوبه خصبه هوایش معتدل و خشک و مقوی بدن است از طرف فرانسوا هر شلت داخل آن میشود و از شهر کنت و انتورین میکند و در بحر شمالی ریخته میشود و هم چنین هر میوسی یا ماس که از آن بیرون هالند میکند و در بحر شمالی ریخته میشود و ترعه‌های آن بسیار است و از این جهت اکثر هرهای آن بیکدیگر وصل است و سفر کردن از شهر به شهر دیگر بکمال آسانی ممکن و میسر است و از اما شهرها آن برسل است که در دو جانب هر سن که در هر شلت ریخته میشود واقعست و آن شهر نسبت خوش منظر و بساختن فرش و انواع اقمشه‌ها مشهور و معروف است و در آن کتابخانه‌ها ایست که بمقدار

۱۰۰۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و دو مجلس از جهت ترتیب قوانین و شرائع و احکام و قواعد مملکت در آن مقرراست و اهالش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفر است و مقرر سلطان مملکت در آنجا است و دیگر شهر انتورین است که در دو جانب هر شلت بنا شده و آن شهری است خوش منظر و بناهایش خوبه اهالش مقدار ۸۰۰۰۰ نفر است و از جمله بناهای آن کنیسه ایست که بشکل خاصی بنا شده که معروف بدناء غوثی است و دیگر مناره ایست که ارتفاع آن بمقدار ۴۴۱ قدم میرسد و اهالی آن در امور فلاحه و زراعت با علی درجه آن فائز شده اند و بیشتر زراعت آنها حبوب است و در صنایع و امور تجارت یدی طولی دارند و چیزهای خوب و پاکیزه میسازند و بواسطه حریت و آزادی ایشان در تجارت آنها را بقیمتی ارزانتر از آنچه دیگران میفروشند میدهند و اکثر آنها از طائفه لاتینیّه اند و مابقی پروتستانیّه است سه مدرسه کلیه دارند و تحصیل علوم و معارف از برای خاص و عام سهولت و آسانی است و جنگهای بسیار در آن واقع شده و حکمران از نوع ملکی مقید است و دو مجلس از برای ترتیب احکام و قوانین در شهر برسل مقرراست که اجزای آنها از میا قبائل و طوایف انتخاب میشود و اجزای مجلس اول هشت سال و اجزای مجلس دوم چهار سال بوظیفه خود قیام میکنند و اصل اهالی این مملکت از قبائل متفرقه است و لکن بیشتر با هالند و فرانسوا و فلندک شباهت دارند و بعضی از آنها بلغت فرانسوا و



بعضی بلغت فلانکی تکلم میکنند و اما حاکمیت هالند که معروف  
 بفلانک است و ندرلند نیز انرا میگویند از جهت شمال و غرب  
 بحر عمانیا و از شرق بمملکت جرمانیا و از جنوب بمملکت بلژیک  
 محدود و مساحت سطح آن ۱۳۰۰۰ میل مربع و اهالش مقدار  
 ۳۰۰۰۰۰ نفر است و از جهت شرق هر راین داخل آن می  
 شود و از آن میکند رود در بحر شمالی ریخته میشود و هر میوسه  
 هر شلت از بلجیک داخل آن میشود و از آن میکند رود در بحر  
 شمالی ریخته میشود و از بحر عمانیا خلیج زویدر داخل آن میشود  
 و طولش مقدار ۷۰ میل است و از جمله بجزایر آن بحیره هارلیم است  
 که طولش مقدار ۱۴ میل است و اعظم جزایر آن جزیره بیولند  
 و الکرن است و اما هوای آن ترواکثر از ارضیش ریک زار و  
 حرتهایش حوزی بواسطه آنکه قسمی از آن مساحت سطح دریا  
 اهل آن ناچارند که در کنار دریا و هر هائیکه در جنب بلاد  
 آنها واقعست سدهای عظیم بنا کنند که در وقت مد دریا  
 آنها را از ضرب آب نگاهداری کند و مع ذلک کرازا و حرارا بلاد  
 ایشانرا فر و گرفته و از امتهات شهرهای این مملکت هکانت  
 که قصبه آن است و در آن چند قصر و مجلس از برای ترتیب  
 احکام و قوانین این مملکت مقرر و معین است اهالش مقدار  
 ۷۰۰۰۰ نفر میرسد و دیگر شهر استردم است که در  
 زمان قدیم از حیثیت تجارت و قوه جریه اعظم شهرها عالم  
 بوده و حال در آن کتابخانه ها و مدارس و مجالس و محافل  
 عدیده از برای صنائع غریبه مهیا و موجود است و اهالش

مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر لیدن است که  
 مدرسه کلیه و علماء آن مشهور است و اهالش مقدار  
 ۳۰۰۰۰ نفر است و اهل این مملکت بواسطه همان دریا  
 باراضی آنها و کثافت و رطوبت هوا و بدی آب در امور فلاحه  
 زراعت عسرت و مشقت بسیار دارند و مع ذلک بلاد آنها  
 خصب نباتات بسیار و حرته مواشی آنها خوب است تجارت  
 آن در ایام قدیمه وسیع بوده و لکن حال کم است کارخانه ها  
 بسیار از برای ساختن قماشه صوف و کتان و حریر و ینبه در  
 آن مهیا و فراهم است و از جمله املاک خارجیّه آن جزایر کوراسا  
 و یوسینیا نیاست و جزئی از سورینام در کیانا که در امریکاست  
 و چند قلعه و کارخانه در افریقا و جزایر یافا و سومطره و بورنیو  
 و جیلبر و تیمور و غیر اینها از جزایر که در اوقیانوس محیط است  
 است و اهالی جمیع املاک خارجیّه آن مقدار ۱۰۰۰۰۰۰  
 نفر است و اکثر اهل این مملکت پروتستانیّه و مابقی کاتولیک  
 و یهود است چند مدرسه کلیه در لیدن و غر و یندجین  
 و تریشته دارند و بتحصیل علوم و فنون و معارف راعب و  
 مائل و بواسطه کثرت مدارس اکتساب تعلم از برای آنها  
 بکمال سهولت و آسانی ممکن و میسر و مانعیه و حکم آن از نوع  
 ملکی مقید است و در مجلس از برای ترتیب قوانین و احکام  
 مقرر و معین است که اجزاء یکی از آنها را سلطان بنفسه  
 اختیار میکنند و اجزای دیگر پراسایر ناس انتخاب میکنند  
 و اینها احکام و شرائع مملکت را بموافقت سلطان ترتیب می



دهند و اصل اهالی آن از جنس اهل جرمانیا است و مردمانی  
نظیف و ظریف و بعمل خیر و احسان و بناء مدارس باغبانان و  
راههای آنها خوب و قریه هایشان نیکو و بازارهای آنها وسیع  
و پاکیزه است **قسم هشتم** جرمانیا است که آنرا المانیا  
نیز میگویند و آن از جهت شمال بحر جرمانی و تخوم دینمارک و  
بحر بلتیک و از شرق پروسیا و اوستریا و از جنوب باوئریا  
و بلاد سولیس و از غرب بفرانسا و بلجیک و هالند محدود  
و مساحت سطح آن ۲۴۵۰۰۰ میل مربع و اهالش مقدار  
۳۷۰۰۰۰ نفر است و در آن سلسله کوههای  
است که از جمله آنها شعبه از کوههای الپا و شعبه از کوهها  
کرباث است و نهرهای آن بمقدار ۵۰۰ میرسد و مخزج نهر  
الطونا و ویسروالبدان است اما هوای آن مختلف است  
و خاکش خصیصه خوب در ناحیه جنوبیه اشجار یک در  
اقایم جنوبیه نمومیکند در آن یافت میشود و نصف اهالی  
آن پروتستانی و نصف دیگر لاتینی و از یهود اکثر از  
۳۰۰۰۰۰ نفر در آن ساکن و حریت و آزادی از برای جمیع  
مذاهب حاصل است و حکمران از نوع جمهوری است و هر طائفه  
و کیلی از جانب خود بدیوان عمومی که در شهر فرنک فادت  
منعقد میشود میفرستد و عساکران بمقدار ۳۰۰۰۰۰  
نفر میرسد و اهالی آن صاحب همت و حرص و امانت و ثبات  
در اعمال و در ابداع و اختراع موهبتی الهیه دارند چنانچه  
ساختن بارود و صنعت چاپ و عمل ساعته استنباط

کردند و علمای آنها در تالیف و تصنیف کتب صاحب غیرت و  
همت اند و ۲۰ مدرسه کلیه و ۵۰ کتابخانه که بمقدار ۵۰۰۰۰  
مجلد کتاب مشتمل است از برای تحصیل علوم و فنون  
و معارف در آن موجود و فراهم و از علماء صاحب تالیف مقدار  
۱۰۰۰۰ عالم در آن است که هر سال قریب ۵۰۰۰ کتاب  
تالیف میکنند و بواسطه کثرت و سائلا کتاب علوم از برای  
انها سهل و آسان است و از جمله شهرهای آن فرنگفورت و  
لیپسک و درسدن و مونخ و اوگسبرج و استراسبرج و  
غیر اینهاست **قسم نهم** مملکت پروسیا است و آن از جهت  
شمال بحر بلتیک و از شرق پروسیا و از جنوب باوئریا و  
جرمانیا و از غرب نیز بحرمانیا محدود و مساحت سطحش مقدار  
۱۰۶۰۰۰۰ میل مربع و اهالش مقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفر  
است و از جمله نهرهای آن نهر اودرا است که طولش مقدار ۵۰۰  
میل است و در بحر بلتیک ریخته میشود و دیگر نهر الباست که  
طولش ۵۰۰ میل است و در بحر شمالی ریخته میشود و دیگر  
نهر فلیستولا است که طولش ۵۰۰ میل است و در بحر بلتیک  
ریخته میشود و از جمیع این نهرها کشتی بسهولت و آسانی عبور  
میکند و اما بحیرات آن کوچک و قابل ذکر نیست جزیره روچین  
در بحر بلتیک تابع آنست و سطح آن ۳۷۰۰۰ میل مربع و اهالش  
مقدار ۲۵۰۰۰۰ نفر است و در حول آن چند جزیره کوچک  
واقعست اما هوای این مملکت معتدل و در نواحی جنوبیه  
موافق صحت از جهت و در نزدیکی بحر بلتیک سرد و تر است



از جمله معادن آن نقره و مس و آهن و قلع و نمک و کربا است  
و از امهات شهرهای آن برلین است و آن شهری است خوش منظر  
و بازارهایش وسیع و مستقیم و بناهایش عالی و فاخر و در آن  
یک مدرسه کلیه و چند مدرسه دیگر از برای تحصیل علوم  
فنون و معارف مهیا و موجود است و اهلیش بمقدار . . .  
۲۵۰ نفر میرسد و دیگر شهر بولندام است که صواباها  
عظیمه است و اهلیش بمقدار ۴۰۰۰ نفر میرسد و دیگر  
شهر کولون است و اهل آن مقدار ۷۰۰۰۰ نفر است و  
دیگر شهر کوننبرج است در عرض شمالی ۵۴ ۴۲ و  
طول شرقی ۲۰ ۴۸ و میان آن و دریای مسافت ۲۴ میل است  
و باروتی بان احاطه دارد که طولش مقدار ۱۷ میل است و  
آن بمقدار ۴۰۰۰ نفر میرسد و دیگر شهر دانتریک  
است که در طول شرقی ۱۳ ۱۸ و عرض شمالی ۵۴ ۲۱  
واقعست و اما اهل این مملکت از امور فلاحه و زراعت  
چنانچه باید و شاید آگاهی ندارند و در تربیت مواشی بجا  
اعتنا و اهتمام مینمایند و در آن تماشهای صوف و کتان و پنبه  
ساخته میشود و چنانچه آنها را بسیار تجارتش در موا  
و محبوب است و اکثر تجارت بحری آن در دست غرباست و  
بیشتر اهالی آن پروتستانیست و طائفه از لاتینیست و  
یهود نیز در آن ساکن است و حریت و آزادی از برای جمیع  
مذاهب حاصل است و در آن شش مدرسه کلیه که بهترین  
مدارس اروپاست و چند مدرسه متوسطه ۲۲۰۰۰

مدرسه عمومی از برای تحصیل علوم و معارف مهیا و فراهم  
است و بحسب معرفت عمومی بهترین ممالک اروپاست و  
اهالی آن در تعلیم و تربیت اطفال خود کمال سعی و اهتمام دارند  
و اما حکمران از نوع ملکی مطلق است و عساکران بمقدار  
۳۰۰۰۰ نفر میرسد و هر یک از اهالی آن که بسن هفده  
سالگی رسیده باشند سه سال باید که در میان عسکر تعلیم  
بگیرند و خدمت کنند و تا سن سی سالگی عسکر ردیفند و در  
هر هفته یک مرتبه از برای تعلیم و مشق حاضر میشوند و در هر  
سال سه هفته خیمه هایشان را از برای تعلیم و مشق نصب  
میکند پس در الحقیقه عساکران بعد از اهالی آن است آنها  
بهترین عساکران اروپا هستند چنانچه از جنگهای که میان  
آنها و مملکت اوستریا و فرانسا واقع شد مشهود و معلوم  
میشود و اول کسیکه سبب شهرت و اعتبار این مملکت گردید  
فریدریش اول بود و فریدریش ثانی بعضی از اراضی بان اضم  
کرد و لکن تا سنه ۱۸۱۵ از ممالک معظمه شمرده نمیشد و  
از جمله توابع آن بعضی از مقاطعات جرمانیاست قسم دوم  
بلاد سولسی است و این ولایت کوچک و از جهت شمال بحرمانیا  
و از شرق با اوستریا و از جنوب بسربینیا و اوستریا و از غرب  
بفرانسا محدود و مساحت سطحش ۱۷۵۰۰ میل مربع و  
اهلیش مقدار ۲۲۰۰۰۰ نفر است و کوههای آلیا که  
مرتفع ترین کوههای اروپاست در آن ممتد است و ارتفاع  
اعلا ی آنها بمقدار ۵۷۰۰ قدم میرسد و هیچ وقت خالی



از برف نیست و چند هزار از آنها بیرون میاید که اعظم آنها هر  
داین است که از شمال درجه مانیا جاری میشود و دیگر هر  
رون است که از جهت جنوب در فرانسجا جاری میشود و  
دیگر هر بواست که میان ایتالیا و اوستریا جاری میگردد  
و در خلیج بندتی ریخته میشود و اعظم جیرات آن بحیره جنیفه  
است که طولش مقدار ۴۰ میل و عمقش ۱۰۰۰ قدم و آبش  
زال و صافی است و دیگر هر قنستانس است که طولش ۴۵  
میل و عرضش ۱۵ میل است و اما هوای این مملکت بواسطه  
ارتفاع آن خوب و موافق صحی است از جبهه است و در کوههای  
الیا سرد و در بیا با آنها معتدل و در مقاطعه طیسین گرم  
و در وادیها بحسب بلندی و پستی آنها مختلف است و بالا  
رفتن از کوههای آن بواسطه زیادتی برف و پستیهای خطرناک  
انها بسیا صعبه مشکل است و گاهی از اوقات تیکه های  
بزرگ برف بطرف وادیها سراسیم میشود و قریه هائیکه در  
میان راه واقعست خراب میکند و در آن انواع وحوش و نوعی  
از کمر کس که کودکان خرد سال را بچنگال گرفته پرواز میکند  
یافت میشود و این مملکت به بلیست و دو قطعه تقسیم میشود  
و از امهات شهرهای آن ذوریک و برن و لوسرن و جنیفه  
است که صاحب بناهای عالی و فاخر و اهلیش بر غبت در تحصیل  
علوم و معارف مشهور و معروفند و از باب فلاحه و زراعت  
انها کمال خبرت در این عمل دارند و در آن قماشهای حریر و پنبه  
و کتان و آلات آهن ساخته میشود و بواسطه آنکه کمرک از آنها

مرفوع است تجارت آنها بسیا خوب و ربح و سود آنها بیشتر است  
و نصف اهالی آن پروتستانی و نصف دیگر کاتولیک است و  
اما حکمران از نوع جمهوری است قسمی از این مملکت  
اوستریا است و آن از جهت شمال به با فاریا و ساکونیا و  
پروسیا و روسیا و از شرق نیز بروسیا و ملدا فیا و از  
جنوب بولاخیا و سربیا و بلاد ترک و بجا دریا و هر بوا و از غرب  
بسر دینیا و بلاد سوئیس و با فاریا محدود و مساحت سطحش  
۱۰۰۰۰۰ ۲۵۰۰۰ میل مربع و اهلیش ۵۰۰۰۰ ۳۰۰۰ نفر است  
و کوههای کرباث و الیا از شرق بجزب ران ممتد است و دیگر  
کوه اورتلو که ارتفاعش بمقدار ۱۲۵۰۰ قدم میرسد و کوه  
دیگری که ارتفاعش ۱۲۷۷۵ قدم است و کوه البیدنا که  
ارتفاعش ۱۱۵۰۰ قدم است در آن ممتد است و اعظم  
هرهای آن هر دو نو است که از دانیوب میگویند و دیگر هر  
الطونا است که در بحر اسود ریخته میشود و دیگر هر البلت  
که در بحر شمالی ریخته میشود و اعظم جیرات آن بحیره بلاتون  
است که طولش ۴۵ میل و عرضش ۱۰ میل است و دیگر  
بحیره نیوسیدال است که طولش ۲۰ میل و عرضش ۵ میل  
است اما هوای این مملکت مختلف است چنانچه در جهات  
شرقیه معتدل و در ناحیه غربیه سرد و در بقاع هر الطونا  
گرم است و اما خاک آن خوب و بعضی از آن قابل زرع و بعضی  
مرتع مواشی است و از معادن طلا و نقره و مس و آهن و قلع  
و زغال سنگ و نمک در آن یافت میشود و از چشمه ها معد







و اینها اعظم نهرهای اسپانیا هستند و چشمه های معدنشان  
بمقدار ۱۲۰۰ میرسد و اما هوای آن معتدل و مقوی بدن و  
خاکش خوب بسیاری از معادن در آن یافت میشود و اسب  
خروگاه و کوسفند و بز آن به نایت خوب بسیاری از فنون  
لغویه در نزد اهالی آن یافت میشود و حکم آن از نوع ملکی  
است و دخلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه و قرض  
آن بمقدار ۲۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیسیه میرسد و عسکر  
آن بمقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و کشتیهای جنگی آن قابل ذکر  
نیست و اما شهرهای این مملکت از جمله آنها قرطبه است و اهل  
آن بمقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و دیگر اشبیلیه است و آن  
از شهرهای معتبره بوده و دیگر طلیطله است که از شهرهای  
مشهوره آن است و دیگر مادرید است و آن قصبه این مملکت  
و شهری خوب صاحب بناهای عالی و کنائش و مدارس و قصرها و  
کتابخانه ها است و اهلش بمقدار ۱۷۰۰۰۰ نفر است و دیگر  
بلیوس و قادس و ملاغه و مرسیه و بلنسیه و طرطوشه  
و برشلونه و سلمنکه و لیوس و قستلیون و سرقسطه است  
و اما مملکت پرتوگال از جهت شمال و شرق بمملکت اسپانیا و از  
جنوب غرب با و قیانوس اتلانیک محدود و مساحت سطح  
آن ۳۵۰۰۰ میل مربع و اهلش بمقدار ۳۵۰۰۰۰  
نفس است و اعظم نهرهای آن نهر دور و نهر الودیان و نهر  
تاغوس است و اما هوایش خوب و معتدل و موافق صحت اخراج  
است و حکم آن از نوع ملکی معتد است و بلادش بد و زده

قطعه تقسیم میشود و اعظم شهرهای آن لیسبون است و آن  
شهر زیست خوب صاحب بناهای عالی و قصورش بهترین قصرها  
اوروپا و در آن ۱۴۰ کنیسه و ۷۵ دیویک کتابخانه است  
که بمقدار ۸۰۰۰ مجلد کتاب مشتمل است و اهلش بمقدار  
۲۵۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر ایورتواست و اهل آن  
مقدار ۷۰۰۰۰ نفر است و تجارتش در لیمو و پرتقال و شراب است  
و اهل این مملکت با وجود اینکه اراضی آنها خوب و خصیصه است  
بفلاحت و زراعت اعتنائی ندارند و کارخانه های آنها کم  
است و بمذهب لاتینه اند و یک مدرسه کلیه در کومینا  
دارند و مدارس عامه آنها کم است و در زمان قدیم املاک  
خارجیه آن وسیع بوده و لکن در این عصر مکرر قلیلی در آمریکا  
و هند و جزایر آسیا باقی نمانده و اهالی آن از اصل اهل اسپانیا  
هستند و در لغت و خلق و عادت با آنها شبیه اند و این مملکت  
سابقا در تحت حکومت رومانیین بوده و در سنه ۱۱۳۹  
استقلال یافت و در سال ۱۵ مشهور شد و املاک آن در  
شرق و آمریکا امتداد یافت و در سال ۱۷۸۱ مملکت عظیمی گردید  
و در سنه ۱۵۷۸ بمملکت اسپانیا اضافه شد و پس از آن  
در سنه ۱۶۴۰ استقلال یافت و لکن حریت و سطوت و قوه  
بریه و بحریه قبل را حاصل نکرد قسم چهارم مملکت  
ایتالیا است و آن از جهت شمال بفرانسا و سویس و اوستریا  
محدود و از شرق بجزایر و از جنوب غرب ببحر متوسط و  
مساحت سطح آن ۱۲۰۰۰۰ میل مربع و اهلش بمقدار ۰۰۰



۲۰۰۰۰ نفر است و کوههای آلیا و پنین و کوه کورنو که ارتفاعش مقدار ۹۵۲۰ قدم است و کوه فیلینو که ارتفاع آن مقدار ۸۱۸۳ قدم است در آن حمتداست و اعظم نهرهای آن نهر یواس است که میان ایتالیا و اوستریا فاصله است و دیگر نهر تیر است که در شهر رومیه جاری میگردد و از جمله خلیجهای آن خلیج بندقی و خلیج تریسته است و از جمله جزائر آن جزیره سیسیلیا و سر دینیا و کاسیکا است و نهرهای آن بسیار است و اعظم شهرها آن شهر رومیه است که صاحب بناهای عالیه و قصرهای عظیمه است و کلیسه پطرس و پولس رسول در آن واقعست و آن بزرگترین کنائس عالم و بهترین آنهاست و مقر پاپا که رئیس کلیسه لاتینیه است در آنجا است و اهل آن مقدار ۱۶۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر ناپولی است و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر یالیرمو است و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر یولونیا است و اهل آن مقدار ۸۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر یادوا است و اهل آن مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و بواسطه فقدان حریت در این مملکت اکثر اهالی آن بحالت جهل و غناوت مشا هده میشوند و بمذهب لاتینیه اند و در آن بناهای فاخره جمیده یافت میشود که مثل آنها در عالم نیست و اکثر اهالی آن کندی کون و چشمهای آنها درخشنده و مویشان سیاه و زنان آنها خوش صورت اند و این مملکت بچند قسم منقسم است و احکام مختلفه در آنها

جاری و از جمله آنها سر دینیا است که آنرا سارود میگویند و در شمال مملکت است و مساحتش مقدار ۱۹۱۲۵ میل مربع و از جمله شهرهای آن جنوا و نیکا و تورین است و دیگر لومباردیا است و از جمله شهرهای آن میلانو و فیرونا و فیلیس است و دیگر بارماست و قصبه آن شهر بارماست و دیگر مودینا است و قصبه آن شهر مودینا است و دیگر توسکانیا است و قصبه آن شهر فیورنسا است و دیگر ناپولی است و قصبه آن شهر ناپولی است قسم پانزدهم مملکت عثمانیه است و در آن و از جهت شمال با و ستریا و روسیا و از شرق بجز اسود و بحر مرمره و بوغاز در دندیل و بوغاز قسطنطنیه و از جنوب ببلاد روم و از غرب بجز روم و اوستریا محدود و مساحت سطح آن ۱۴۰۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار ۹۵۰۰۰۰۰ نفر است و کوههای بلقان آنرا حرق میکند و ارتفاع رؤس آنها به مقدار ۱۰۰۰۰ قدم میرسد و از جمله نهرهای آن نهر هارینا است که از کوههای بلقان بیرون میاید و در بحر جزائر روم ریخته میشود و طول آن ۲۵۰ میل است و دیگر نهر دینواس است که در بحر ادریا ریخته میشود و دیگر نهر وردا است که از کوهها بلقان بیرون میاید و در بحر سالونیکیه ریخته میشود و طول آن مقدار ۲۰۰ میل است و دیگر نهر مالاستا که از کوهها بلقان بیرون میاید و در بحر جزائر روم ریخته میشود و اما هوای آن بهتر از هوای بقیه بلاد اوروپاست و امراض و وباها نیکه در آن حادث میشود نه بواسطه بدی



کثافت هواست بلکه بواسطه عدم اعتناء اهالی آن بنظافت  
ابدان و بیویت و بازارهایشان است و زمین این مملکت خوب  
و در آن لیمو و پرتقال و انار و انکور و انجیر و بادام و زیتون و  
اشجار بریه مثل بلوط و صنوبر و صفصاف و غیره روئیده می  
شود و از جمله معدنهای آن آهن و مس و قلع و کبریت و رخام  
است و از امتهات شهرها آن قسطنطنیه است که مشهور  
با اسلامبول است و قسطنطین ملک سنه ۳۰۳۳ از ارباب  
کرد و در آن ۳۰۰۰۰ حمام و ۳۰۰۰۰ جامع است و اهلش مقد  
۰۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهرادر یانوپلی است که در  
شهرها این مملکت است و مقام قدماء سلاطین بوده و تجارت  
آن وسیع و صاحب بناهای عالی و قصور قدیمه و جامعه  
خوب اهلش مقدار ۱۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهرگر  
فیالیبولی است که بواسطه تجارتش مشهور است و اهل آن  
مقدار ۳۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر غالیبولی است  
اهل آن مقدار ۸۰۰۰۰۰ نفوس است و دیگر شهر سالونیکیه  
است که محل تجارت و بعل اقمشه و پوست مشهور و اهلش  
مقدار ۷۰۰۰۰۰ نفوس است و در نزدیکی آن کوه اتولوس  
که آنرا کوه مقدس میخوانند و در آن ۲۲ دیرو ۵۰۰ کنیه  
و یک مغاره است و اهل این مملکت با اینکه اراضی آنها خوب  
قابل انواع زراعت است عمل فلاحات آنها خوب نیست و تجارت  
چندان التفاتی ندارند بلکه اکثر تجارت در دست روم و  
ارمن و غریباست و کارخانه های آنها قابل ذکر نیست و علو

در نزد آنها کمتر یافت میشود و لکن چند سال میشود که شروع  
باقامه مدارس در قسطنطنیه کرده اند و در تحصیل علوم  
جد و جهد مینمایند و اما دیانت اترک اسلام است و لکن  
میان آنها روم و ارمن و لاتینیه و یهود و پروتستانییه نیز  
یافت میشود و حریت و آزادی از برای جمیع مذاهب حاصل  
است و حکمران آن نوع ملکی مطلق است و اکثر اهالی آن مردمان  
کریه و امین و در این عصر شروع بحصول معارف و تمدن و  
تربیت کرده اند قسمشان نیز بهم جزا و روبا است که بعضی  
از آنها در بحر ثلج شمالی بعضی در اوقیانوس اتلانتیکی و بعضی  
در بحر متوسط و اقصی است و از جمله آنها جزایر سیبیر کن است  
ثلج شمالی که میان ۷۶ و ۸۰ عرض شمالی و ۹ و ۲۴ طول  
شرقی و بزرگترین این جزایر طولش بمقدار ۳۰۰ میل میرسد  
و در آنها کوههایی است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۴۵۰۰  
قدم میرسد و اینها تابع مملکت مسکوپا است و دیگر جزیره  
ایسلند است که طولش مقدار ۲۸۰ میل و عرضش مقدار  
۲۱۰ میل و مساحتش مقدار ۵۰۰۰۰ میل مربع و اهلش  
مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفوس است و این جزیره تابع مملکت دینمارک  
است و در آن کوههایی است که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار  
۶۰۰۰ قدم میرسد و چشمه ها آن بسیار است و آب بعضی  
از آنها بدرجه غلیان میرسد و از جمله حیوانات آن روباه و خرس  
سفید و کوساله دریائی و امثال اینهاست و اکثر نباتات  
ماکوله شمالیه در آن یافت میشود و از کناره ها آن بسیار از



انواع ماهی میگیرند و دیگر جزاثر فر و است و آنها مقدار ۲۵  
جزیره است که میانه ایسلند و جزاثر شتلند واقعست تابع  
مملکت دینمارک است و اهلیش مقدار ۳۰۰ نفر است و  
اکثر اعتماد آنها بصید ماهی است و اما جزاثر شتلند و هبریدن  
تابع انگلستان است و اهالی آنها فقیر و بی بضاعت و بیشتر  
اعتماد آنها بصید ماهی و طیور است و اما جزاثر بحر متوسط ارجله  
انها منور که و میور که و افیکه است و اینها تابع مملکت اسپانیا  
ست و دیگر جزیره کاسیکا است و آن تابع مملکت سار و دست  
و دیگر جزیره سیسیلیا یا سقلیه است و آن تابع مملکت ناپولی  
است و دیگر جزیره مالطه است و آن تابع انگلستان است و  
دیگر جزیره سر دینیا است و آن تابع مملکت سار و دست و دیگر  
جزاثر بند قیه است و آن هفت جزیره بزرگ و چند جزیره  
کوچک است که بنفسه مستقل و در تحت حمایت دولت انگلند  
داخل است و اما جزاثر روم چند جزیره است که میانه بلاد روم  
و اسکیا صغری واقعست و ارجله آنها جزیره میلو و اندروس  
و تینو و سیرا و غیر اینها است و اما جزاثر آسیا سابقا ذکر شد  
**فصل هجدهم** در قاره افریقا و آن از جهت شمال به  
بوغاز کوه طارق و اوقیانوس اتلنتیک و بحر متوسط و اشرق  
بزرخ سولیس و بحر احمر و بوغاز باب مندب و اوقیانوس  
هندی و از جنوب باوقیانوس جنوبی و از غرب باوقیانوس  
اتلنتیک محدود و مساحتش مقدار ۱۱۰۰۰۰۰۰۰ میل  
مربع و اهلیش مقدار ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ نفر است و ارجله

کوههای آن سلسله کوههای اطلس است و آن فی الحقیقه  
چند سلسله است که در بلاد غرب میانه ۲۸ و ۳۷ عرض  
شمالی ممتد است و در این کوهها جنگلهای وسیعی است که  
وحوش موزیه و درندگان و افغی در آنها مأوی دارد و دیگر  
سلسله ایست که از جهت جنوب از بلاد حبش ممتد است و  
در وسط این قاره سلسله کوههای قمر است و آن از جهت  
غرب از جنوبی بلاد حبش ممتد است و معلوم نیست که در  
وسط این قاره منتهی میگردد یا اینکه بکوهها غربیه متصل  
میشود و جانب بزرگی از او وسط این قاره غیر منکشف است  
که کوهها آن و اهالیش معلوم نیست و در آنچه منکشف شده  
صحراها و بادیه ها وسیعی است که ارجله آنها صحرا و کبیر است  
که میانه ۱۶ و ۲۹ عرض شمالی واقعست و طول آن مقدار  
۲۶۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۵۰ میل است اما نهرهای  
افریقا مخرج و مصب بسیاری از آنها معلوم نیست و ارجله  
انها نیل مصر است و آن از دوه نهر مجتمع است که یکی از آنها را  
بحر ابیض و دیگر پراجر ازرق میگویند و مخرج این نهرها در  
کوههای قمر است و در بحر متوسط ریخته میشود و دیگر  
نهر سنیکال است که از کوهها نیکه در جنوبی صحرا و کبیر است  
بیرون میاید و در ۵۶ عرض شمالی در اوقیانوس اتلنتیک  
ریخته میشود و طول آن مقدار ۸۰۰ میل است و دیگر  
نهر کبیا است که از کوهها نیکه در جنوب غربی صحرا و کبیر است  
بیرون میاید و در عرض شمالی ۳۰ و ۱۴ در اوقیانوس



ریخته میشود و طولش مقدار ۱۰۰ میل است و دیگر نهر نیکر است که از کوههای نیکه در جنوبی صحراء کبیر است بیرون میاید و چند شعبه میشود و اعظم آنها در اوقیانوس اتلانتیک داخل میگردد و طول آن مقدار ۱۴۴۰ میل جغرافی است و دیگر نهر اورانیا است که مصبش در ۲۹ عرض جنوبی است و دیگر نهر کویلیمان است که در اوقیانوس هندی ریخته میشود و اما بحیرات افریقا از جمله آنها بحیره تشاد است که در اواسط اینقاره در ۱۳ عرض شمالی واقعست و چند نهر از جنوب و غرب داخل آن میگردد و در آن ماهی بسیاری یافت میشود و در اطراف آن اراضی خصیب خوبی است و دیگر بحیره دبو است در نزدیکی تنبکتو و بحیره قارون در مصر و بحیره دنیله در بلاد حبش و اما هوای افریقا بواسطه واقع شدن آن در اقلیم استوائیه و کثرت صحرائش گرم و خشک است و در بعضی از جایهای آن باد سموم میوزد و بواسطه قلت آب و کثرت دریاها در صحرائی آن سفر کردن در آنها صعب است و از حیوانات بریه و درندگان شیر و پلنگ و یوز و کفتار و کرکدن و فیل و شتر و زرافه و اسبایی و خر و هنک و ۴۲ صنف از طيور و اقسام بسیاری از نماد در آن یافت میشود و از جمله معادن آن طلا و آهن و مس و زینق و نمک و زغال سنگ است و اما اهل آن سودان و برابره است اما سودان در تمام اماکن آن یافت میشود و اما برابره در جهت شمالیه ساکنند و دین آنها اسلام است و سودان بمذاهب مختلفه از بت پرستی تا

و در آن بمقدار ۱۵۰ لغت تکلم میشود و بواسطه عدم تعیین حدود ولایات و محالک و قلت معرفت باها باعتبار وضع آنرا بهفت قسم تقسیم میکنیم قسم اول بلاد نیلیه است که مشتمل بمصر و نوبه و حبش و بعضی ولایات کوچک است قسم دوم بلاد مغرب است که مشتمل بصحراء کبیر و برقه و فزان و تونس و طرابلس و جزائر و مراکش و توابع آنهاست سیم افریقای شرقی است که مشتمل بر نیکبار و جز مبق و صوفالا و غیر اینهاست چهارم افریقای وسطی است که مشتمل بر بلاد سودان است پنجم افریقای غربی است که مشتمل بسنیکامبیه و کویذیه است ششم افریقای جنوبی است که مشتمل بر بلاد راس و بلاد کفره است هفتم جزائر است قسم اول بلاد نیلیه است و از جمله آنها بلاد مصر است که از جهت شمال بحر متوسط و از شرق بحر احمر و از جنوب بلاد نوبه و از غرب بحیراء کبیر و بلاد برقه محدود است و میانه ۲۴۴۰ و ۳۱۲۰ عرض شمالی و ۳۰ و ۳۴ طول شرقی واقعست پس معظم عرض آنها ۴۰ میل و معظم طول آنها ۲۴۰ میل جغرافی است و مساحت آنها مقدار ۸۰۰۰۰۰ میل مربع و اهل آنها مقدار ۲۰۰۰۰۰ نفر است اما نهر نیل مخربش بتحقیق معلوم نیست و چند نهر از بلاد حبش در آن ریخته میشود و آب آن قابل اشامیدن نیست و انواع ماهی و هنک بسیاری در آن یافت میشود و اما هوای این قلم با اختلاف فصول مختلف میگردد چنانچه از ماه کانون تا اذار سرد و از ماه اذار تا وقت فیضان نیل بسیار





کرم و اراض و بائی و چشم در بسیار حادث میشود و در  
 ان جمیع انواع حبوب و جوارش و بزرها یافت میشود و از جمله  
 اشجار ان سیب و کلابی و شفتالو و لیمو و عناب و نارنج و  
 زردالو و انار و موز و تمر هندی و حناء و حیار شنبر و  
 خرما و غیر اینهاست و مواشی ان کماست و لکن شتر و استر  
 و غران بسیار خوب است و حیوانات بریه اش نیز قلیل است  
 لکن گفتار واهو و اسبابی و شغال و هک در ان یافت می  
 شود و از طیور اهلیه و بریه انواع بسیاری در ان موجود  
 است و از جمله معادن ان رخام و یشم و نظرون و نمک یافت  
 و لا جورد و غیر اینهاست و اهل ان قبطی و عرب و ترک است  
 اما شهرها مصر و اماکن مشهوره اش از جمله انها اسکندریه  
 است که در زمان قدیم باعتبار تجارت و علوم و فنون مشهور  
 ترین شهرها عالم بوده و در ان کتابخانه عظیمی بود که در اول  
 استیلاء مسلمان سوخته شد و در ان وقت قصبه بلاد  
 مصر بود و اهالی ان از اب چاهها نیکه از اب نیل پر میکنند  
 اشامند و دیگر شهر رشیده است که میانه ان و اسکندریه  
 مقدار ۴۰ میل و میانه ان و دریا مقدار ۴۰ میل است  
 و در نزدیکی ان بوستانهای بسیاری است که درخت خرما  
 و لیمو و موز و حناء و غیر اینها در انها غرس شده و اهالش  
 مقدار ۱۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر میاط است و  
 اهل ان مقدار ۴۰۰۰۰ نفس است و دیگر شهر منوف  
 است و اهل ان مقدار ۵۰۰۰۰ نفس است و اکثر انها ببا



حصیر اشتغال دارند و از جمله قریه های این ناحیه برنبال و  
رحمانیه و دمهور و طرانه و وردان و غیر اینهاست اما شهر  
قاهره قصبه این ولایت است و جوامع و مساجد آن بسیار  
است و مشهورترین جوامع آن جامع ازهر است که اکثر از  
علوم موجوده در لغت عربیه در آنجا درس داده میشود و  
دیگر شهر فیوم است و آن بلده ایست خضید اهلش مقدار  
۵۹۰۰۰ نفر است و شیخ فیومی صاحب کتاب مشهور در  
لغت عربیه منسوب بآنست و بعضی از اقمشه و کلاب زیت  
و شراب آن ساخته میشود و لکن شرابش خوب نیست و  
از برای آن ترعه از نیل است که آنرا خلیج یوسف میگویند و  
نزدیکی آن برکه قارون است که طولش مقدار ۳۰ میل و  
عرضش مقدار ۵ میل است اما صعیده که از امر عالییه می  
گویند از جمله شهرهایش اسیوط است که شیخ جلال الدین  
اسیوطی صاحب مصنفات کثیره در جمیع فنون منسوب بآن  
است و اهلش مقدار ۵۰۰۰ نفر است و مجمع قوافل  
نوبه و بلاد سودان است و اینون نواحی آن خوب است دیگر  
از بلاد نیلیه بلاد نوبه و حبش است اما بلاد نوبه از  
جهت شمال بمصر و از شرق بحیر احمر و از جنوب ببلاد حبش و  
از غرب ببلاد سودان محدود و بعضی ذکر کرده اند که دیار  
عیسویه در سال هفتم داخل آن شد و اهالی آن از اصول  
مختلفه و بیئات متنوعه و بلغات متفرقه که بعضی از آنها بر بزه  
و بعضی متفرع از لغت عربیه است تکلم میکنند و اراضی آن

خورده خورده از حد و مصر بنا حیه جنوب مرتفع میشود و  
اما هوای نوبه گرم و امراض مسریه در آن حادث نمیشود مگر  
طاعون در بعض اوقات و ابتداء فصل باران در جهت جنوبیه  
در ماه حزیران است و در وادی نیل گرمی شدت دارد و از  
جمله حیوانات این جهات اسب کاو و کوسفند و بز و شتر  
و فیل و زرافه و اهو و کفتار و اسبابی است و از جمله طیور  
انها کرکس و کلاغ و انواع طیورابی است و از جمله اشجار و نباتات  
انها ابوس و کز و سنا و پنبه و تن و تمر و انواع حبوبات  
و بصناعت تجارت انها طلا و عاج و مشک و ابوس و قهوه و  
تمر و عسل و حبوبات است و اما اهل نوبه مقدار ۱۵۰۰۰۰  
نفر و مساحتش مقدار ۱۷۰۰۰۰ میل مربع است اما  
شهرهای آن از جمله انها در است اهلش مقدار ۳۰۰۰ نفر  
است و دیگر سنار است و اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است  
و دیگر نکه قدیم است که بالکلیه خراب شد و دیگر نکه  
جدید است در جانب یسائیل و اما بلاد حبش از جهت شمال  
بسنار و از شرق بحیر احمر و خلیج عدن و از جنوب باراضی حبشه  
که شعبه هائی از کوههای قره در انها منشعب است و از غرب  
ببلاد شلوك محدود و این مملکت در زمان قدیم صاحب  
شوکت و اقتدار بوده و دین عیسوی در سال ۴ داخل آن  
گردید و مقدار ۷۰ سال بلاد یمن را مالک شد تا اینکه  
سیف بن ذی یزن انها را بیرون کرد و لکن حال مملکت انها ضعیف  
و بی اعتبار است و حکما انها از نوع ملکی مطلق است و کوهها



این بلاد بسیار است و از جمله آنها سلسله ایست که به  
محاذات شط بحر احرمت است و طول آن مقدار ۳۰ میل است  
و از جمله شهرهای آنها نیل ازرق است که از بحر ازرق میگویند  
و نیل ابیض در ۱۰ عرض شمالی بان میرسد و شهرهای بسیار  
از کوهها آنها سر اشیب میشود که بحال ذکر آنها در این مختصر  
نیست و این بلاد با وجود اینکه در منطقه حاره واقعست  
کرمهای آنها شدت ندارد مگر در کناره گاه بحر احرمت و فضل باران  
از مانیس شروع میشود و خاک آنها خوب و جنوب و میوهها  
مثل انگور و لیمو و نارنج و غیر اینها بخوبی بثمر میرسد و از جمله  
حیوانات آنها اسب کاو و کاه و میش و گوسفند و فیل شیر  
و پلنگ و کفتار و کرگدن و یوز و زرافه و هنک و اسبابی  
است و طیور و دبابات آنها مثل اکثر اقالیم استوائیه است  
و معادن آنها سوای نمک کم است و اهالی آنها در هیئت بجز  
شباغت دارند و در لغتشیای بسیاری از الفاظ عربیه  
استعمال میکنند و باعتبار اصل و دیانت باقسام مختلفه  
منقسم اند و اما شهرها این مملکت از جمله آنها تیغری است  
و اهلیش مقدار ۸۰۰۰ نفر است و دیگر اناالواست که  
پای تخت این مملکت است و اهلیان مقدار ۱۰۰۰ نفر است  
و دیگر غندار است در ۱۲۳۵ عرض شمالی و ۳۳۶ طول  
شرقی و اهلیان مقدار ۱۰۰۰۰ خانه است و اما مملکت  
عادل که از بلاد ذیلیع میگویند اهلیش از جلیس بربر و دین  
انها اسلام و تجارتشان در بنده کان و طلا و نقره و عاج

زیت و عسل و نوعی از فلفل است و اعظم شهرهای آن ذیلیع و  
بربره است و این بلاد سابقاً تابع جلیس بود و در سینه  
۱۵۳۵ در تحت حمایت دولت عثمانیه داخل گردید و اما  
مملکت آجان میانه عادل و زنکار واقعست و اهلیش بعضی  
عرب بعضی سودان است و اما مملکت دارفور میانه ۱۱ و  
۱۰ عرض شمالی است و طولش مقدار ۳۴۵ میل و عرض  
مقدار ۲۳۰ میل است و از آب باران سیراب میشود و  
بیشتر اعتناء اهالی آن بفلاحت و زراعت است و بواسطه  
قوافل بامصر تجارت میکنند و بضاعت تجارت آنها بنده کان  
و عاج و پوست کرگدن و اسبابی است و دین غالب راجا  
اسلام است و اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و قصبه  
آن شهر قنه است در ۱۴۱۱ عرض شمالی و ۲۸۸ طول  
شرقی و اهلیان مقدار ۶۰۰۰ نفر است قسم دریم  
بلاد مغرب است و آن از جهت شمال باوقیانوس تلتیک  
و بوغاز کوه طارق و بحر متوسط و از شرق ببلاد مصر و بحر متوسط  
و از جنوب بحال و کبیر و از غرب باوقیانوس محدود و معظم طول  
آن از شرق بغرب مقدار ۲۶۰ میل و عرضش در بعضی از  
جایها ۵۵ میل و در بعضی دیگر ۱۴۰ میل است و زما  
قدیم ببلاد بربر نامیده میشده و بهفت قسم منقسم است  
برقه و فزان و تونس و طرابلس و جزائر و مراکش و فاس اما  
برقه از جمله شهرهای آن برقه و ابن غازی و در تادجی است  
و اما بلاد طرابلس حاصلهای آنها بسیار است و مواشی آنها



خوب درخت خرما در آن بمقدار صد قدم نمومیکند و تمرش مشهور است و در آنجا درخت سدر بسیار است و در کنارهای دریا طلا یافت میشود و بامالطه و بلاد یونان و جزائر آنها تجارت بسیاری دارد و بواسطه قوافل بافران و و اغذا سر و بلاد صحراء تجارت میکنند و با آنجا اقمشه و اسلحه میفروشند و بعضی بنده کان و عاج و طلا و غیر اینها میآورند و از جمله شهرهای آن طرابلس است و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر لبید است که حال قابل ذکر نیست و دیگر شهر مسورا است و اهل آن مقدار ۴۰۰۰۰ نفر است و اما بلاد فران از جهت شمال بطرابلس و از شرق بوادری برقه و از جنوب غرب بحیراء کبیر محدود و معظم عرض آن از شمال بجنوب مقدار ۲۵۵ میل و معظم طولش از شرق بغرب مقدار ۲۰۰ میل است و در شمالی آن سه سلسله کوه است که آنها را جبال سود میگویند و علواها بمقدار ۵۰۰ قدم میرسد و طولشان از شمال بجنوب مقدار ۱۰۰ میل است و اما هوای فران کرم و باران در آن کم میباشد و بدیشترا اعتدالهای آن بد درخت خرماست و لیمو و نار و انجیر نیز یافت میشود و از جمله حیوانات آن هو و پلنگ و کفتار است و اهالی این بلاد بنا بر قول بعضی ۷۵۰۰۰ نفر و بحسب آنچه دیگران گفته اند مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و از جمله شهرهای آنها سقناست و اهل آن مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و در نزدیکی آن مقدار ۲۰۰۰۰۰ درخت خرماست که خرماهای آنها را در

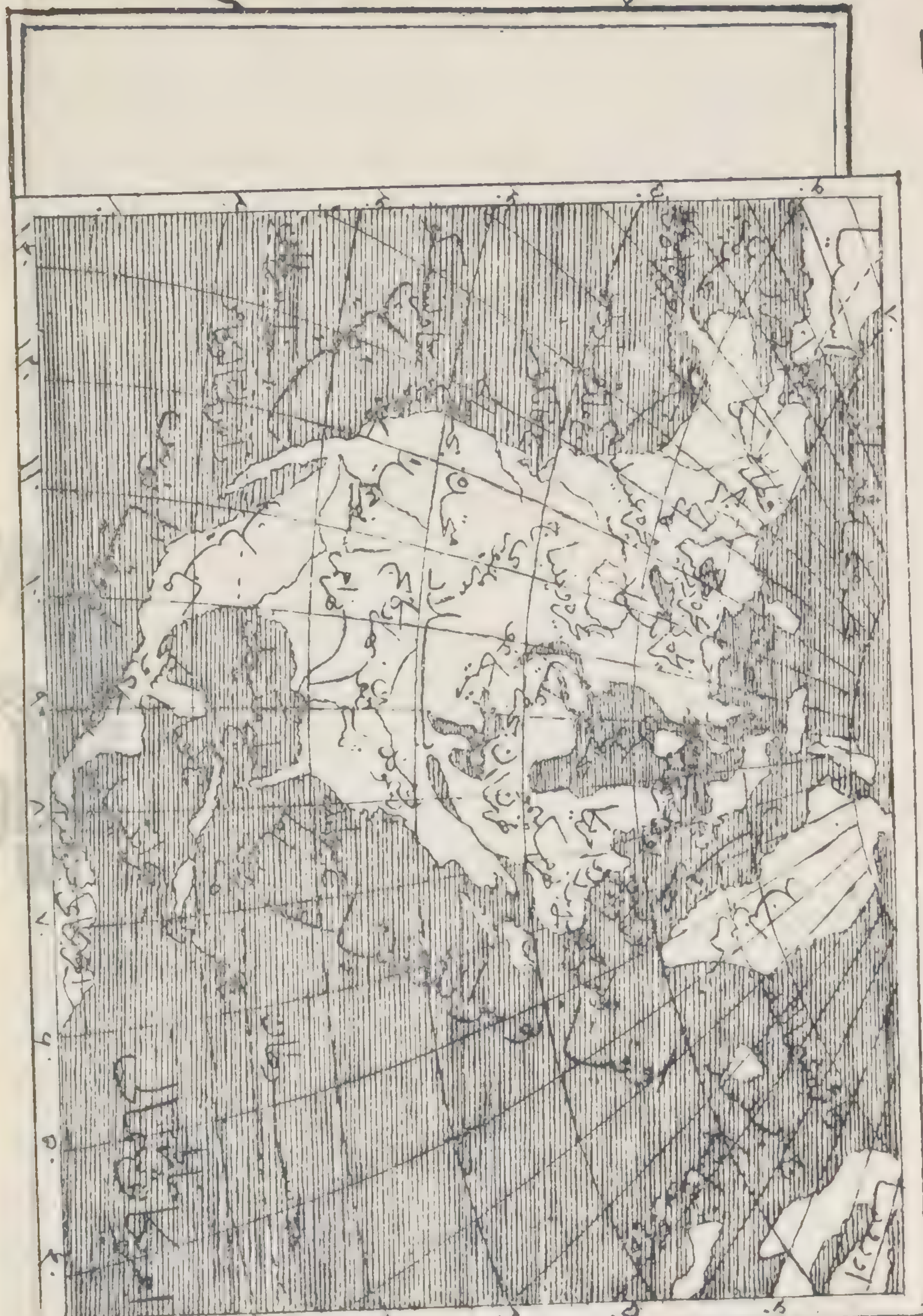
بازار طرابلس میفروشند اما بلاد تونس از شمال بحیر متوسطه و از شرق بحیر مذکور و طرابلس و از جنوب ببلاد بعض قبائل متبذیه و از غرب ببلاد جزائر محدود و مساحت آنها مقدار ۷۰۰۰۰ میل مربع است و از جمله حاصله های آنها حبوب و انواع میوه ها و صابون و پشم و اسفنج است و حکم این مملکت از نوع ملکی مطلق است و در زمان سابق تابع مملکت عثمانیه بوده و الان بنفسه مستقل است و از جمله شهرهای آن تونس است و اهل آن مقدار ۱۳۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر قران است که در صد اسلام بنا شده و در نزدیکی آن شهر قاده است که اول خلفاء فاطمیین که معروف بمهدی بود در آن اقامت داشت و دیگر شهر صفاقس است و اهل آن مقدار ۶۰۰۰۰ نفر است اما بلاد جزائر از جهت شمال بحیر متوسطه و از شرق بتونس و از جنوب بحیراء کبیر و از غرب بمراکش محدود و میان ۸۳۰ طول شرقی و ۱۳۰ طول غربی واقع و طولش مقدار ۵۶۰ میل و عرضش میان ۴۰ و ۱۰۰ میل است و سابقا تابع مملکت عثمانیه بوده و پیش از آن در سنه ۱۵۸۵ استقلال یافت و بعدا کثراها در تحت حکومت فریساویه داخل گردید و در آنها چند هزارت که از کوهها اطلس بیرون میاید و در بحیر متوسطه ریخته می شود و اعظم آنها هر سلف است و اما هوای این بلاد خوب و جمیع حاصله های اقالم حاره در آنها یافت میشود و اهل آنها بمقدار ۲۵۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله شهرهای آنها



مستغانم و قسطنطنیه و تلسان است و اما بلاد حراکش  
از جهت شمال باوقیانوس تلاتیک و بوغاز کوه طارق  
متوسط و از شرق بمقاطعه تلسان و از جنوب بحرا کبر  
از غرب نیز باوقیانوس محدود و مساحت آنها مقدار ۴۲  
۰۸۵ میل مربع است و بچهار قسم تقسیم میشوند اول

و در آن شیر و پلنگ و افغی بسیار است و اهالی آن قبائل  
متوحشه است و اما اجزاء شرقیه و وسطی از این قاره چنانچه  
باید و شاید معلوم نیست و از جمله آنها ننگبار است که قریب  
۳۰ عرض شمالی و ۱۰ عرض جنوبی واقعست و دیگر مرکز آن است  
که آنرا منومبتا نیز میگویند و اهلیش سودان است و از جمله





و انواع رخام و از سنگهای نفیسه الماس و زهره و لؤلؤ  
و غیر اینهاست و اهلش بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفر میرسد  
که بعضی از آنها اهالی اصلیه و بعضی دیگر از نسل اهل اروپا  
هستند که بعد از استکشاف این قاره در آنجا متوطن شدند  
و اما زمین این قاره وسیع و خیر و برکتش بسیار بقسمیکه  
گاه ۵۰۰ میلیون نفر با اهالی آن اضافه شود تمام بحال  
وسعت و رفاهیت معیشت خود میکند رانند و هیچ تنگی و  
سختی پیدا نمیشود و این قاره پیش اهل اروپا معروف  
نبود تا اینکه مستر کریستوفر کلمبوس سنه ۱۴۹۲ آنرا  
کشف کرد و در آنوقت قبائل متوحشه بسیاری در آنجا  
ساکن بود که شباهت بطائفه هنود داشتند و بعد از  
آنکه مستر کلمبوس با سپاهیان مراجعت کرد و اخبار کشف  
کردن آنرا داد مستر احریکوس منبوس سیوس بان جهت  
مسافرت کرد و شطوط جنوبیه آنرا کشف کرد پس هر دو  
باسم او نامیده شد و حال اینکه حقان این بود که کلمبوس با  
کلمبوس نامیده شود و این قاره بدو قسم تقسیم میشود  
شمالی و جنوبی اما امریکای شمالی باعتبار دول و احکام و بعضی  
از آن باعتبار موقع و محل بچند قسم تقسیم میشود اول  
املاک روسیاد امریکا قبل از این ذکر شد که مسکو  
اثنا سنه ۱۴۴۰ سیدریار افتتاح کرد و باین واسطه تجارت  
خوبی و رفعت و بعضی چیزها پیدا کرد و هم چنین بجهت شرق  
پیش آمد تا اینکه بوزان بزرگین را قطع کرد و جزائر کوریل و



الوتیان و شطوط امریکا را مالک شد و این املاک در مقدار  
 ۱۴۱ طول غربی از بحر شمالی تا کوه مارالیا س است و این  
 بلاد سرد و کوههای آنها خالی از برف نمیآیند و دریاها  
 که میانه کوهها و دریا است بعضی از گیاهها میروید و  
 جنگلهای بسیار در آنها واقعست در ۱۴۰ میلاد کربینند  
 است یعنی بلاد خضراء چه که لند در لغت انگلیسیه بمعنی  
 بلد و زمین و کربین بکاف فارسی بمعنی سبز استعمال میشود  
 اما طرف جنوبی این بلاد در ۵۹۳۰ عرض شمالی و شط  
 شرقی آنها بجهت شمال شرقی تا محاذی جزیره سبتسبر کن محدود  
 و شط غربی آنها بجهت شمال غربی محدود و بوغاز دافیس و  
 بوغاز بافین محدود و اما جهات شمالیه آنها معلوم نیست  
 و اهالی اصلیه آنها از طائفه اسکیمواس است و ایشان در دریا  
 کوتاه قامت و بر طاقت و کلاه آنها مانند کلاه رهبانان و در  
 زمستان در خانههای کوچکی که از سنگ میسازند و سقف  
 آنها را از گیاه و علف میپوشند بسر میبرند و طعام آنها از  
 گوشت کوساله دریائی است که صید میکنند و درینها  
 بت پرستی است و اما تجارت این بلاد در دست مملکت  
 دینمارک است که آلات آهن و انواع اقمشه و اسلحه با آنجا  
 میفرستند و در عوض پرطیور و شاخ اسب و ریاض و پوست  
 کوساله دریائی و پوست روباه و خنزیر و خرس و یوز و  
 امثال اینها میگیرند و در این بلاد سلسله کوههایی است که  
 ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۳۰۰۰ قدم میرسد و نهری

که قابل ذکر باشد در آنها نیست و لکن چشمهها آنها بسیار  
 و از جمله آنها چشمه گرمی است که درجه حرارتش بمقدار ۱۰۴  
 میرسد و اما هوای این بلاد سرد و در زمستان دریاها قافست  
 بعیده منجمد میشود و روشنی شفق در این بلاد بیشتر از  
 اقالم معتدله و استوائیه است و در دریاهای آنها نوعی  
 ماهی یافت میشود که روغن از آن بجهت چراغ میگیرند و برای  
 سوزانیدن بسیار خوب است و طول این ماهیها گاهی بمقدار  
 ۶۰ قدم میرسد و در آنها اسبابی و کوساله دریائی و خرس  
 سفید یافت میشود و در شطوط کربین لند بسیاری از  
 جزائر غیر مسکونه است که پرندگان دریائی آنها بیشمار  
 است و بواسطه پرشان آنها را صید میکنند و پر آنها نرم تر از  
 پر طیور اقلیم استوائیه است و ۱۴۰ میلاد انگلیس در  
 امریکا و آن را صافی ایست که میانه ۵۰ و ۴۲ و ۷۰ عرض شمال  
 و ۵۵ و ۱۴۰ طول غربی واقعست و از جهت شمال بحیر  
 بلج شمالی و از شرق بخلج بافین و بوغاز دافیس و اوقیانوس  
 اتلانتیک و از جنوب باوقیانوس مذکور و بلاد متحده و از  
 غرب باوقیانوس محیط و املاک مسکوب محدود و بچهار  
 قسم تقسیم میشود اول برتانیه جدید و دوم کناره سیم  
 اسکاتلند جدید چهارم فرانلند جدید و جزائر برمودا  
 اما برتانیه جدید اراضی ایست که در شمالی ۵۰ عرض  
 شمالی واقعست و خلج هدسون که طولش بمقدار ۱۰۰۰  
 میل و معظم عرضش بمقدار ۶۰۰ میل است میانه ۵۲



و ۶۷ عرض شمالی در آنها واقعست و بواسطه بوغاز  
هدسون باوقیانوس متصل است و مدخل آن نزد مدخل  
بوغاز دانیس است و در این بلاد چند بحیره است که از  
جمله آنها بحیره وینبک است میانه ۵۵ و ۴۵ عرض شمالی  
و ۹۶ و ۹۹ طول غربی و چند هزار غربی ران ریخته می  
شود و چند هزاران بخلیج هدسون بیرون میرود و در نزدیکی  
آن جنگلهای وسیعی است که چوبهای آنها از برای بنا و خوب  
است و از جمله آنها درختی است که در آمریکا بسیار است و  
در ایام بهار سوراخ میشود و آب شیرینی از آن بیرون میاید  
که هرگاه آنرا بخوشانند شیر خوش طعمی میشود و اگر زیاده  
بخوشانند شکر میگردد و دیگر بحیره غیاض است که از  
هزیکه طولش مقدار ۸۰ میل است پیدا شده و دیگر بحیره  
عبید است که میانه ۳۸ و ۳۰ عرض شمالی و ۱۱۰ و  
۱۱۹ طول غربی واقعست و طولش مقدار ۲۷۰ میل و  
محیطش مقدار ۱۰۰۰ میل و چند هزار داخل میگردد و  
هز مکنزی که در ۷۰ عرض شمالی در بحر شمالی ریخته می  
شود از آن خارج میگردد و چند هزار در خلیج هدسون ریخته  
میشود که از جمله آنها هز بشرشل و هز نلسون و هز سفرن  
و هز آلبنی و هز مؤس و هز مین و غیر اینهاست و بدان که  
سلسله کوههایی که آمریکا را از شمال بجنوب حرق میکند  
اول آنها در نزدیکی حدود املاک مسکوب نزد بحر شمالی  
است و از آنجا بجنوب غربی ممتد است و ارتفاع بعضی از آنها

در این بلاد مقدار ۵۰۰۰ قدم است اما هوای این بلاد  
جهات شمالیه آنها سرد و جهات جنوبیه اعتدال شربیشتر  
و هوای جوار خلیج هدسون و زمین که قابل کشت و ذرع باشد  
در این بلاد کم است و در آنها معدن آهن و قلع و رخام و  
زغال معدنی یافت میشود و از جمله حیوانات آنها کاه و میش  
بری و کُرک و روباه و کرپه بری و خرگوش و سنجاب است  
و در اهای آنها انواع بسیاری از ماهی یافت میشود و آنها  
از طائفه اسکیمو و قبائل دیگری از هند متوحشه  
است که بطوائف کثیره که لغات آنها مختلف است تقسیم می  
شوند و اما بلاد کناده میانه ۳۰ و ۴۰ عرض شمالی  
و میانه ۶۴ و ۹۷ طول غربی واقع و از جهت شمال بر تانیه  
جدیده و از شرق بخلیج مارلارنس و برنسویک جدید و از  
جنوب ببلاد متحده و جزئی از هز مارلارنس و بحیره انتاریو  
بحیره اری و بحیره هورون و بحیره علیا و از غرب بحیره هورون  
و بحیره علیا و بر تانیه جدید محدود و بدو قسم تقسیم می  
شود کناده علیا در جهت غرب و کناده سفلی در جهت  
شمال شرقی و حد میانه آنها هز اتاوا است که در هز مارلارنس  
ریخته میشود و حد میانه کناده علیا و بلاد متحده چند  
بحیره بزرگ است که از جمله آنها بحیره علیا است که طولش  
مقدار ۴۰۰ میل و معظم عرضش مقدار ۱۰۰ میل و محیطش  
مقدار ۱۲۰۰ میل است و آبش خوشکوار و ماهیش بسیار  
و در فصل تابستان که روی آن کرم میشود قعرش سرد



است و در آن چند جزیره است که طول یکی از آنها بمقدار  
۱۰۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و زیاده از  
۴۰ هزار در آن ریخته میشود و طلائع این بحیره سخت است  
و اما هوای این بلاد اجمالا سرد و مقوی بدن و اراضی کناره  
علیا قابل انواع زراعت است و لکن کناره علیا از این حیثیت  
مثل آن نیست و در آنرا از حیوانات کاه و ملیش بری و خر  
و گاو و امثال اینها یافت میشود و از جمله معادن آنرا  
اهن و مس و قلع و زغال سنگ است و اهالی آنها مقدار  
۱۱۰۰۰۰ نفر است و جمیع آنها در تحت حکومت انگلیز  
است و از جمله شهرهای کناره سفلی کوئیک است و اهل  
آن مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است و دیگر متریال است و  
اهل آن بمقدار ۳۰۰۰۰ نفر میرسند و از جمله شهرهای  
کناره علیا کینستون است که محل تجارت این جهات است  
و دیگر تورونتو و کویبنستن است و اما اسکا تلند جدید  
از جهت شمال بجز مارلارنس و از شرق بخلیج مارلارنس  
از جنوب باوقیانوس اتلانتیک و خلیج فونیدی و از غرب  
نیز بخلیج فونیدی و بلاد متحده محدود و از جمله شهرهای  
آن هلیفاکس و شهر مار یوحنا است و جزیره بریتون و  
ادورد در خلیج مارلارنس و جزیره سابل تابع آن است  
و اما فانلند جدید جزیره ایست در خلیج مارلارنس که  
میان ۵۰ و ۵۵ و ۴۰ و ۵۱ عرض شمالی و میان ۳۰ و ۳۵  
و ۲۰ و ۵ طول غربی واقع است و طول این جزیره مقدار

۳۱ میل و عرضش از ۴۰ تا ۲۱ میل مختلف است  
و محیط آن مقدار ۹۰۰ میل است و هر سال مقدار زیاد  
ماهی خشک از آنجا با قاق میرود و در غربی فانلند جدید  
جزیره انتیکوسی است که طولش مقدار ۹۰ میل و عرضش  
۲۰ میل است و جزائر پرموداس که در عرض شمالی ۳۱ و ۲  
و طول غربی ۵ و ۶ واقع است تابع اسکا تلند جدید است  
و اکثر لوازم این جزائر از بلاد متحده میاید و اهالی آنها از آب  
چاه میاشامند چهار صرب بلاد متحده است و آن چند  
قسم مستقل است که هر یک بنفسه صاحب حکم و شرعی  
است و لکن جمیع در تحت یک حکم عمومی که ملاحظه  
امور متعلقه با قسما مذکوره عموما در آن کرده میشود  
متحدند و حدود این املاک از جهت شمال املاک انگلیز  
و بجزایر تیکه ذکر شد و هر مارلارنس است و از شرق باوقیانوس  
اتلانتیک و خلیج مکسیکو و از جنوب مکسیکو و خلیج  
آن و خلیج کلیفورنیا و از غرب مکسیکو و اوقیانوس محیط  
و مساحت آنها مقدار ۲۵۰۰۰۰۰ میل مربع و اهل  
آنها مقدار ۲۳۵۰۰۰۰ نفر است و کیفیت اتحاد  
این بلاد اجمالا اینست که در سنه ۱۶۰۷ مسیحیه  
و پس از آن بسیاری از اهالی اروپا بخصوص از املاک  
انگلیس بعضی اماکن بلاد متحده رحلت کردند و بعد از آن  
که جمعیت آنها زیاد گردید و املاک وسیعه از هژود  
بجنگ و خریدن گرفتند و بلاد آنها معمور و آباد شد و



انگلستان عمال خود را میفرستاد و جور و تعدی با آنها میکرد تا اینکه اقسام مذکوره در شهر فیلدلفیا دیوانی منعقد کردند و وکلای از هر قسم حاضر شدند و بالاخره در سنه ۱۷۷۶ بنا بر معاضدت و معاونت از عموم جمهور شد و مجریّت آزاد ندادند و معاهدات مستحق که در این باب نمودند پس جنگهای بسیار میان آنها و دولت انگلیس واقع شد تا این که بالاخره در سنه ۱۷۸۲ بلاد مذکوره مجریّت و آزادی با آنها مسلم گردید و اقسام میکه اولاد را این معاهدات داخل شدند ۱۳ قسم است نیو همپشایر و مناسکوشس و نیو دایلند و کنتیکوت و نیو یورک و نیوجرسی و پنسیلوانیا و دلاویر و مریلند و ورجینیا و کراولینای شمالیه و جیو و جارجیا و جانب بزرگی از این بلاد غیر معور بود که سوای قبائل هند و وحوش کسی را آنها مسکن نداشت و پس از حریت رو با بادی نهاد و اهالی آنها بسیار شد و بسیاری از اهل اور و یار را بخا آمدند و رفته رفته بلاد داخله معور گردید و طائفه هند از پیش آنها گریختند و چند قسم دیگر داخل در معاهده آنها شدند تا اینکه الان عدد آنها بمقدار ۳۱ میرسد و اقسام زائده از ۱۳ قسم مذکور ماین و فرمانت و مشینگان و او هیو و اندیانا و آلتینوی و کنوکی و تنیسی و آلاباما و فلاریدا و میسیسی و لوئیسیانا و و اسکولس و آیووا و میسوری و آرکانساز و تکزاس و کلیفورنیاست اما ماین و فرمانت در شمالی اقسام اصلیه

است و بقیه اقسام در غربی آنهاست و اقسام میکه در این معاهده داخل نشدند منیسوتا و نبراسکا و اوریگون و اوتا و هندیا و نیومکسیکو است و اقسام سابقه بحسب وسعت مختلف است و بزرگترین آنها تکزاس است که مساحت آن مقدار ۱۰۰۰۰۰۰ میل مربع است و کوچکترین آنها رودایلند است که مساحتش ۱۲۵۰ میل مربع است و در این بلاد دو سلسله کوه ممتد است که یکی از آنها کوهها کتشل است که ارتفاع آنها بمقدار ۴۷۰۰ قدم میرسد و دیگری کوهها صخریه است که سابقا ذکر شد و نهرهای این بلاد بسیار است و اکثر آنها صلاحیت عبور کشتیهای بزرگ دارد و از جمله آنها نهر کنتیکوت است که در خلیج جزیره طولی که در نزدیکی شهر نیو هامپشایر ریخته میشود و طول آن مقدار ۴۰۰ میل است و دیگری نهر هدسون است که مخرجش در شمالی نیو یورک است و طولش مقدار ۳۵۰ میل است و دیگری نهر دلاویر است که مخرجش در جنوبی نیو یورک است و در خلیج دلاویر ریخته میشود و طولش مقدار ۳۰۰ میل است و دیگری نهر سسکوینا است که مخرجش در جنوبی نیو یورک است و در خلیج شسابیک ریخته میشود و طولش ۵۰۰ میل است و نهر یوماک که طولش مقدار ۵۰۰ میل است نیز در این خلیج ریخته میشود و چند نهر در اوکیانو ریخته میشود که از جمله آنها نهر جیس و رونوک و بید و سوانا



و غیر اینهاست و اما هر او هیو بجنوب غربی جاری میشود و  
مصب آن در هر مسیبی است و هر و با بش که طولش  
مقدار ۵۰۰ میل است در آن ریخته میشود و از جهت  
جنوب هر تنیسی که طولش مقدار ۲۰۰ میل است در  
آن داخل میگردد و اما هر مسوری از کوههای صخریه بیرون  
میاید و بجنوب شرقی جاری میگردد و در هر مسیبی  
ریخته میشود و طول آن مقدار ۳۱۰۰ میل است و  
هر بلات که طولش مقدار ۱۵۰۰ میل است و هر حجر  
اصفر که طولش مقدار ۱۱۰۰ میل است و چند هر دیگر در  
ریخته میشود و دیگر هزار کالیناس است که مخربش  
در کوهها صخریه است و بجنوب شرقی جاری میگردد و  
در هر مسیبی ریخته میشود و طول آن ۲۰۰۰ میل  
است و دیگر هر احر است که از جبال صخریه بیرون میاید  
و بجنوب شرقی جاری میگردد و در هر مسیبی ریخته  
میشود و طول آن مقدار ۱۵۰۰ میل است و اما هر  
مسیبی مخربش در شمالی منیسوتا است و بطرف  
جنوب جاری میگردد و در خلیج مکسیکو ریخته میشود  
و طول آن مقدار ۳۱۰۰ میل است و دیگر هر ریودلنور  
است که از کوهها صخریه بیرون میاید و بجنوب شرقی  
جاری میگردد و در خلیج مکسیکو ریخته میشود و  
طول آن مقدار ۲۰۰۰ میل است و دیگر هر برازوس  
است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر هر

کلرادو است که طولش مقدار ۶۰۰ میل است و دیگر  
هر کلومبیا است که از کوهها صخریه بیرون میاید و بشمال  
غربی پس بغرب جاری میگردد و در او قیانوس محیط ریخته  
میشود و طولش مقدار ۱۰۰۰ میل است و دیگر هر کلور  
است که از جبال صخریه بیرون میاید و بجنوب غربی جاری  
میگردد و در خلیج کلیفورنیا ریخته میشود و طولش مقدار  
۱۰۰۰ میل است و در این بلاد ترعهها بسیاری است که  
میانها و بحیرات را بیکدیگر وصل میکند و از جمله آنها ترعه  
ایست که میانها هر همدسون و بحیره اری را بیکدیگر وصل  
میکند و دیگر ترعه ایست که میان بحیره اری و هر او هیو را بیک  
دیگر وصل میکند و طول آن مقدار ۱۳۰۷ میل است و  
اما هوای این بلاد چهار شمالیه آنها سرد و جنوبیه معتدل  
و در فلوریدا حرارت شدت دارد و هم چنین جهاتیکه در نزد  
خلیج مکسیکو است و اجمالا موافق صحت احرجه است مگر  
این که در بعضی اماکن تب بسیار عارض میشود و لکن این اماکن  
بالنبه بوسعت این بلاد چیزی نیست و اما حاصلهای آنها  
بسیار و خاک آنها قابل انواع زراعت و جمیع انواع حبوب و  
اکثر انواع میوه ها در آنها یافت میشود و سیبها بسیار  
خوب است و در دنیا نظیر ندارد و از جمله معادن آنها طلا و  
نقره و آهن و مس و قلع و زینق و زغال سنگ و رخام است  
و چند بحیره شور در آنهاست که نمک از آنها استخراج میکنند  
و از حیوانات اهلیه آنچه در سایر بلاد موجود است در اینها



نیز یافت میشود و دیگر اسب بزرگ و کامیش بزرگ و خرس  
و کُرک و کره بزرگ و انواع بسیاری از طیور که بمقدار ۳۶۲  
نوع میرسد و بعضی از مارها که سم آنها مهلک است در  
این بلاد یافت میشود و اما حکم آنها از نوع جمهوری است  
حکام از قبل طوائف تامدت معینی انتخاب میشود و لکن  
قضاة تامدت حیانتشان بوظیفه خود قیام مینمایند مگر  
اینکه تقصیریکه موجب عزل است از آنها صادر شود و هر  
قتی از اقسام مذکوره صاحب حکم خاصی است مگر اینکه  
جمع در احکام عمومی که راجع بجمع اقسام است شریک  
متحدند و کلاًء خود را بدو دیوان که در شهر و شینتون  
برپاست میفرستند و در اینجا آنچه که چیز عمومی است و آنچه  
دول خارجه متعلق است ملاحظه میکنند و دین غالب را  
دیانت پروتستانیست و حریت و آزادی از برای جمع  
مذاهب حاصل است و در این بلاد مقدار ۳۰ مدرسه  
جامعه و ۱۰۸ مدرسه از برای تحصیل علوم جلیله و بسیار  
از مدارس متوسطه است و کتبارزان و فراوان و تحصیل آنها  
از برای هر کسی سهل و آسان است و دخل این بلاد از مرکب و  
غیر بمقدار ۵۵۰۰۰۰ ریال میرسد و عساکر قانونیه  
انها مقدار ۱۲۰۰۰ نفر و ردیف آنها ۲۰۰۰۰ نفر است  
و کشتیها جنگی آنها مقدار ۷۰ کشتی است و لکن در وقت  
حاجت هر قدر که بخواهند برای آنها ممکن است و از جمله شهرها  
این بلاد بستون است که در عرض شمالی ۴۲۲۱ و طول

غربی ۷۱۴ واقعست و تجارتان وسیع است و در نزدیکی  
ان تل بوئکر است که واقعه مشهوره میان عسکر انگلیس  
اهالی آن در اینجا واقع شد و دیگر شهر نیو هافن است و آن  
شهری است خوب محل تفریح و تماشایش بسیار و مدرسه اش  
مشهور و معروف است و دیگر شهر نیویورک است و آن  
بحسب تجارت و جمعیت اعظم شهرهای این بلاد است چند  
مدرسه از برای تحصیل علوم و فنون و معارف در آن مهیا  
و موجود است و اهالش بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفر میرسد  
و دیگر شهر فیلادلفیا است که میان هردالا و اواروهرسکولکل  
است و آن شهری است خوب بازاریش مستقیم و از بعض  
انها با بعضی دیگر زوایای قائمه مثل تقطیع صفحه شطرنج حادث  
میشود و در آن بناهای فاخره و مدارس که در علم طب مشهور  
و معروف است یافت میشود و دیگر شهر بالتیمور و شینتون  
و شرلستون و سقنا و نیوارلینس و سنسیناتی و سانت  
لوی و استوریا و مارفرنیس است پنجم مکسیکو است  
آن از جهت شمال و شرق بلاد متحد و از جنوب بکواتالا و  
اوقیانوس محیط و از غرب باوقیانوس مذکور و خلیج کالیفورنیا  
محدود و این بلاد تابع اسپانیا بود تا اینکه سنه ۱۸۲۴  
در تحت حکم جمهوری استقلال یافت و در آنها بسیار از معانی  
طلا و نقره و زینق یافت میشود و سلسله کوهها حفریه آنها  
خزق میکند و در آنها چند کوه آتش است که بلندترین آنها  
بئوکتا بل است که ارتفاع آن بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و



سأل و اهل اسپانیا این بلاد را فتح کردند و هندوئی که در آنها ساکن بودند صاحب تمدن و مدین و ضیاع و عقاربند پس کابرو و اشراف و اعیان آنها را بقتل آورده و رعایا را در تحت بندگی و اطاعت خود در آوردند و این بلاد را مالک شده با اهالی اصلی آنها خالط نمودند و اهالی حالیه آن یا از نسل اهل اسپانیا و یا مخلوط از آنها و هندو است و اراضی این بلاد مرعوب و خوب است و لکن چنانچه باید و شاید اعتنائی با آنها ندارند و از جمله شهرهای آنها تمیکو و فیراکروز و بتوی و مکیکو و زکاتیکاس و غیر اینهاست شبه جزیره کلیفورنیا در غرب و شبه جزیره یوکاتان و چون کمبیشی تابع آنهاست ششمی اریکای وسطی است که آنرا کوآتلا میگویند و آن از جهت شمال بمکسیکو و از شرق بحر کریک و جنوب به رنخ داریا و اوقیانوس محیط و از غرب باوقیانوس مذکور محدود و آن نیز تابع مملکت اسپانیا بوده و در سنه ۱۸۲۴ در تحت حکم جمهور گرد آمدن کردید و لکن بواسطه حرهای داخلیه که منیا اهالی آن واقع شد ترقی آن برای آن حاصل نگردید و کوهها صخریه آنرا خرق میکند و سه کوه آتش فشان در آن واقعست و از جمله حیرات آن بحره نکر است که طولش مقدار ۸۶ میل و عرضش مقدار ۷۷ میل است و هر سال آن جوانان بیرون میآید و در بحر کریک پخته میشود و از جمله شهرها آن تروکسلو و فیراباس و سانت سلود و رولپون و غیر اینهاست و اما جزایر هند غربیه مجموع جزایری است که در مدخل خلیج مکسیکو و در بحر کریک

واقع است و از جمله آنها مجموع جزایری است که آنرا آنتلیس کری میگویند که یکی از جزایران جزیره کوبا است که طولش مقدار ۷۰۰ میل و عرضش مقدار ۷۰ میل است و آن تابع مملکت اسپانیاست و دیگر بورتو ریکو است که طولش مقدار ۱۲۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و آن نیز تابع مملکت اسپانیاست و دیگر هایتی است که طولش مقدار ۳۹۰ میل و عرضش مقدار ۳۰ میل و مستقلا در تحت حمایت انگلیز است و اهالی آن بنده کانی هستند که آزاد شده اند و دیگر جمیکا است که طولش مقدار ۵۰ میل و عرضش مقدار ۴۰ میل است و آن تابع انگلند است و دیگر مجموع جزایر کریبیت و آن چند جزیره کوچک است که بعضی از آنها تابع انگلستان و بعضی تابع فرانسا و بعضی تابع هالند و بعضی تابع دمارک و بعضی تابع اسوج است و اعظم آنها جزیره ترینیداد است که تابع انگلستان است و دیگر مجموع جزایرها ما است و آن چند جزیره است که از جمله آنها جزیره کوانیهانی است و آن اول مدنی است که کلبوس بعد از مسافرت و از اسپانیا منته ۱۴۹۲ بان رسید و حاصلهای این جزایر سیسنا و شکر و قهوه و تن و پنبه و جمیع میوه های قائم است و این در آنها یافت میشود و هوای بعضی از آنها خوب و بعضی بد و کثیف است و بادها سخت که بعضی اوقات خانه ها را خراب میکند در آنها بسیار میوزد و از جمله شهرها آنها هانا و سانسلفد و روبرتو و برنس و کینتو و سانت جوان است اکثر آنها بنده کانی هستند که آنها را از



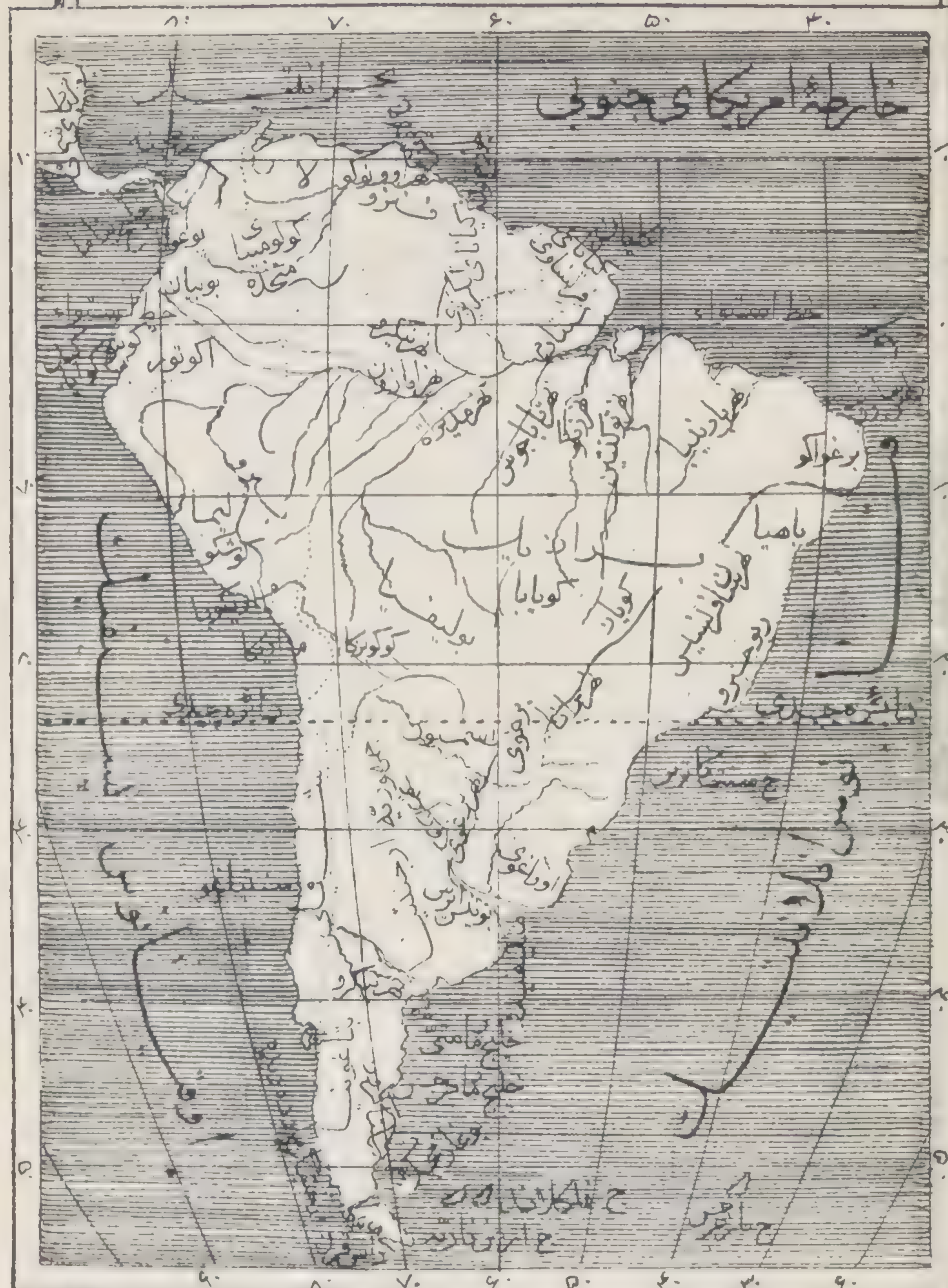
فضائل نون در پی

2.9

افریقا از برای کار زراعت و زرع پنبه و نیشکر آورده اند  
و اما امریکای جنوبی از شمال بجنوب سلسله کوههای اندس  
از افرق میکند و بلندترین آنها کوه سورا تا است که ارتفاع  
آن بمقدار ۴۰۰۰ ۲۵۰۰ قدم میرسد و در آن چند کوه الش  
فشان است که بلندترین آنها کوه کوتوبا کسی است که ارتفاع  
آن بمقدار ۲۰۰۰۰ قدم میرسد و از جمله کوههای آن هر  
اما ذون است که از کوههای اندس بیرون میاید و ذاقیا کو  
اتلانیتیک ریخته میشود و طول آن مقدار ۴۰۰۰ میل  
و عرضش مقدار ۱۰۰ میل است و کوههای بسیار از شمال  
و جنوب داخل آن میشوند و دیگر کوهها بلا تا است که طولش  
مقدار ۲۰۰۰ میل و عرضش مقدار ۵۰۰ میل است و آن  
بچند قسم تقسیم میشود که از جمله آنها کلومبیا است و آن بسه  
قسم منقسم است و نیز ویلا و غرناطه جدید و اکوادور و  
جميع آنها در تحت حکم جمهوری داخل است و اهالی آنها بمقدار  
۳۰۰۰۰۰۰ نفر میرسد و هزار و نو کور و نیز ویلا  
میکند و طول آن مقدار ۳۰۰۰ میل است و از جمله شهرها  
آن گراکاس است که اهالش مقدار ۳۰۰۰۰ نفر است  
و از جمله شهرها غرناطه جدید و شهر بوغوتا است که اهالش  
مقدار ۵۰۰۰۰ نفر است و دیگر شاغریس و پناما است  
و از جمله شهرها اکوادور و کویتوا است که اهالش مقدار  
۷۰۰۰ نفر است و کوه کوتوبا کسی مذکور در نزدیکی آن  
واقعست و این شهر متیا کوهها بلندی که از مساوات دریا

خارجہ امریکا کی جنوبی

PI.





بسیار مرتفع است و آغشته و در آنجا زلزله هائیکه خانه و  
قریه ها را خراب میکند بسیار حادث میشود و دیگر از اقبا  
ان بلاد بزرگ است که در جنوبی کواد و راست و در زمان  
قدیم تابع مملکت اسپانیا بوده و پس از آن در تحت حکم جمهو  
استقلال یافت و در آنجا معدن طلا و نقره و مس یافت می  
شود و اهالی آنها با امور فلاحه و زراعت چندان اعتنائی  
ندارند و قصبه این بلاد شهر لیماسیت که اهلیش مقدار  
۶۰۰۰۰ نفر است و عدد اهالی بمقدار ۱۷۰۰۰۰  
نفر میرسد و آنها از هندو یک اهالی اصلیه آنهاست و اهل  
اسپانیا که در آنجا متوطن شدند مخلوط و حمز و چند دیگر  
مملکت برازیل است آن اعظم اقسام امریکای جنوبی است  
مساحتش مقدار ۲۷۰۰۰۰۰ میل مربع و اهلیش مقدار  
۵۰۰۰۰۰ نفر است و جانب عظیمی از آن صحراها و  
بیا باهائی است که اشجار و حیوانات بریه آنها بسیار است  
و از جمله معدنهای آن طلا و نقره و الماس است و هزاران  
از غربت با شرق را حرق میکند و اعتناء اهالی آن با موفلا  
و زراعت کم است و تجارت آن در دست غرب است و قبا  
از هندو متوحشه در آنجا ساکنند و حکم آن از نوع مملکی  
مقتداست و دین غالب آنجا دینت لاتینه است و  
قصبه آن شهر ریو جنیر و است و آن در عرض جنوبی  
۵۰° ۲۲' و طول غربی ۵۴° ۳۹' و اهلیش  
اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر از شهرهای

سانت سلود و راست که در عرض جنوبی ۱۲۵° و طول  
غربی ۳۰° ۳۲' واقع است و اهلیش مقدار ۱۲۰۰۰۰  
نفر و تجارتش وسیع است و دیگر شهر برنامبوکو است  
که در عرض جنوبی ۱۵° و طول غربی ۵۱° واقع است و  
اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و دیگر شهر فلاریکا  
که اهلیش مقدار ۲۰۰۰۰ نفر است و این مملکت از شهرها  
بسیاری سیراب میشود و چند سلسله کوه در آن ممتد است  
و بواسطه قلت اعتناء اهالی آن حاصلهایش کم است و غنی و  
رتبه هیئت اجتماعیه آن از غیرش پست تر و در شمال بران  
بلاد کوپاناست اهالی آنها مقدار ۱۵۰۰۰۰ نفر است  
و شرقی آنها تابع فرانسا و غربی تابع انگلستان و اوسط تابع  
هولند است و اراضی آنها پست و ترعه ها آنها بسیار است  
و بیشتر اهالی آنها بنده کاند و اما بلاد بولیویا میانه بیرو  
و برازیل واقع است و چند شعبه از کوهها اندر سر در آنها  
منشعب است بلندترین رؤس این کوهها در این بلاد واقع  
است در حدی که فاصل میانه آنها و بیرو است بحیره تیاکا  
واقع است و طول آن مقدار ۵۰ میل است و در جنوب غربی  
آنها بریه کومبر است و حکم آنها از نوع جمهوری است و از جمله  
شهرهای آنها شوکولیناست که اهلیش مقدار ۳۵۰۰۰  
نفر است و در نزدیکی آن معدن نقره یافت میشود و اما  
بلاد شیلی اراضی ایست که میا کوههای اندس و دریای  
محیط از حد و بولیویا تا حد و باقا کونیا واقع است و د



اها چند کوه آتش نشان است و از جمله معدنهای اها طلا و نقره و زینق است و حکما اها از نوع جمهوری است و از جمله شهرها اها سائنتیا غواست که اهلش مقدار ۵۰۰۰ نفر است در کنار دریا شهر کوکیمبو و فالبراسو و کنسپشن و فالدیفیا واقعست و عدد جمیع اهالی اها بمقدار ۱۲۰۰۰۰ نفر میرسد که بعضی اها از اصد اسپانیولی و بعضی دیگر از اها و اهالی اصلیه این بلاد مخلوط و حمز و چند و اما بلاد بولسایرس که اها را لا بلاتا میگویند از شمال بولیویا و از غرب بشیلی و از شرق بپراگ و آوروکوای و اوکیانوس اتلانتیک و از جنوب بپاتا کونیا محدود و مستقلا در تحت حکم جمهوری داخل و از جمله شهرها اها بولسایرس است که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و از لا بلاتا از شمال تا مقدار ۳۰۰۰ عرض جنوبی در آن میکند و چند بحیره و چند نهر غیر از نهر مذکور در اها واقعست و اما هوای اها در جهت جنوب معتدل و در شمال گرم است و از آنجا بسیاری از پوست کاو و شاخ و پیه آن باطراف میرود و اما بلاد براکوا که از جهت شرق و جنوب میانه نهر برانا و از غرب میانه نهر براکوا است از اها منفصل است و از جمله شهرهای اها اسمشن است که اهلش مقدار ۱۰۰۰۰ نفر است و در جنوبی برازیل و آوروکوای است اهالی اها بمقدار ۵۰۰۰۰ نفر میرسد و از جمله شهرها اها منتفدیو است که اهلش مقدار

۱۲۰۰۰ نفر است اما پاتا کونیا از جهت شمال بشیلی و لا بلاتا و از سنایرجهات باوقیانوس محدود و مساحت سطح آن مقدار ۴۰۰۰۰ میل مربع و اهالی آن قبائل متوجه از هندو است و عدد اها بمقدار ۵۰۰۰۰ نفر میرسد اما ارض بارجزیره ایست و طرف پاتا کونیا و جنوبی و بوغان مجلان میا اها فاصله است و طرف جنوبی بزاراس هورون میگویند و اما جزائر فالکلند در شرقی مدخل بوغان مذکور است و تابع انگلستان است و خالی از سکنه است و همین جزائر شتکند که در عرض جنوبی ۱۰ تا ۴۰ و طول شرقی ۴۰ تا ۵۰ واقعست و جزیره جاورجیا که در عرض جنوبی ۴۰ و طول غربی ۳۰ واقعست و ارض سندویج که در جنوب شرقی است و جمیع اینها خالی از سکنه است و اما جزائر کلوبا غوس در تحت خط استواء محاذی اکوادور است و اها از سکنه است و اما جزیره سانت فیلیکس و جزیره جوافرناندز تابع شیلی است و جزیره اخیره بجزیره روبنصن کر و معروف است و در اوکیانوس اتلانتیک جزیره مرتین و جزیره فرناندز واقعست و اها تابع برازیل است **فصل بیستم** در اوسترالیا و جزائر بحر محیط بدانکه جزائر یک در بحر محیط است و بسیاری کایا اوکیانیا معروف است و آن بملایا و اوتوالیا و بلیندسیا تقسیم میشود اما ملایسیا جزائر بورنیو و جیلین و فیلبین و غیر اینها که سابقا ذکر شد مشتمل است و اما اوسترالیا هولند جدید و کینیا جدید و زیلند



خاتہ و قیانا

215



صلوات

در قاره اوقیانیا

212

جدید و ارض فاندیمان و چند جزیره کوچک مشتمل است اما  
هولند جدید قاره بزرگی است که اهل هولند سنه ۱۶۰۴  
از آن کشف کردند و مساحت آن مقدار ۳۰۰۰۰۰ میل  
مربع و اهلیش مقدار ۱۷۰۰۰۰ و بنا بر قول بعضی از جغرافیه  
۳۰۰۰۰۰ نفس است و جانب عظمی از آن الی الان غیر  
منکشف است و اما هوایش معتدل و انواع بسیار از حیوانات  
که در قارات دیگر نیست در آن یافت میشود و هم چنین طوطی  
و نباتات آن و اهالی اصلیّه اش نوعی از سودان است که بحسن  
ملقی نزدیک است و آنها بحالت بربریت و وحش اند و عدد  
نفوسی که از غرباء در آنجا ساکن اند بمقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس  
میرسد و در این نواحی شهر سیدنی که در ۵۵۵۵ ۳۵ عرض  
جنوبی و ۱۳۵۱ طول شرقی است در تحت حکم انگریزی  
داخل است و در جنوبی هولند جدید ارض فاندیمان است و  
بوغاز با سمنیا آنها فاصله است و مساحت این جزیره ۲۷۰۰۰  
میل مربع و اهلیش مقدار ۵۰۰۰۰۰ نفس و تابع دولت  
انگلیس است و اهالی اصلیّه آن هم چنانی است که در هولند  
جدید گذشت و از جمله شهرهای آن هو بارستن و لانسستن  
است و در شمالی هولند جدید کینیا جدید است که میان  
۲۳۲ و ۱۵۲ طول شرقی و میان خط استواء و ۱۰ عرض جنوبی  
واقع است و در آن کوهها بلند و جنگلهای وسیعی است  
و اهلیش از اهل هولند جدید با تربیت تر و متمدن تر اند و  
عدد آنها بمقدار ۵۰۰۰۰۰۰ نفس میرسد و اما زیلند جدید



در شرقی هولند جدید است و آن دو جزیره است که بؤغازی  
 مینا آنها فاصله است و مسافت این دو جزیره مقدار ۵۰۰۰  
 میل مربع و اهالی آنها مقدار ۶۰۰۰۰ نفر و هوای آنها  
 خوب و اراضی آنها خصیب است و در آنها سلسله کوهها نیست  
 که ارتفاع بعضی از آنها بمقدار ۱۴۰۰۰ قدم میرسد و  
 اهالی آنها قبا ئل متوحشه است که در این ایام بواسطه داخل  
 شدن مبشرین انجیل مینا آنها قدری تمدن و تربیت حاصل  
 کرده اند و در اینجا نوعی از کتان است که بنهایت خوبی است اما  
 کلید و نیای جدید مینا ۱۳۶ و ۲۲۳۰ عرض جنوبی مینا  
 ۳۷ ۱۶۳ و ۱۶۷ طول شرقی است و اهالی آن از  
 سگان جزائر ماضیه متمدن تر و با تربیت تر اند و در شمالی آن  
 جزائر هبریدک جدید است و آنها مجموع جزائر لیست که میان  
 ۱۴۱۰ و ۲۰ عرض جنوبی واقعست و در شمالی آنها جزائر  
 سلیمان است که مینا ۵ و ۱۰ عرض جنوبی و ۵۰ و ۱۰ طول  
 شرقی واقعست و اهالی آنها بنهایت توختر و بربریت اند و در  
 اوسترالیا جزائر بسیاری است که ذکر آنها موجب تطویل است  
 و اما بلینسیا مشتمل بجمیع جزائر بحر محیط است که تا جنوبی  
 خط ۳۰ عرض شمالی واقعست و سواى جزائر مذکوره از مالا  
 و اوسترالیا و از جمله آنها مجموع جزائر بیلو است که مینا ۴ و ۶  
 و ۱۲ عرض شمالی و مینا ۵ و ۳ و ۴ و ۱۳ طول شرقی  
 واقعست و دیگر جزائر فیجی و جزائر شرکه و جزائر اصدقا و جزائر  
 ربانین و جزیره تیکارن است که در ۴ و ۲۵ عرض جنوبی

۲۵ و ۱۳ طول غربی واقعست اما جزائر سند و یج مقدار  
 ده جزیره است که مینا ۵۰ و ۱۶ و ۲۲۰ عرض شمالی و میان  
 ۳ و ۴ و ۱۵ و ۱۶ طول غربی واقعست و اهالی آنها قبا ئل  
 چنگ کجالت توختر و بربریت باقی بودند تا اینکه مبشرین انجیل  
 در مینا آنها داخل شدند و از آنها تمدن و تربیت حاصل کردند و  
 حکم آنها از نوع ملکی مقید است و دولت بلاد متحده و انگلند  
 و سایر دول و اروپا استقلال آنها را مسلم داشته اند و  
 بواسطه آنکه این جزائر محط کشتیهای است که در این دریاها  
 جاری میشود لا بد اهالی آنها زیاده خواهد کرد و بد آنکه  
 بعضی از اهل امریکا و انگلستان اراضی وسیعه در جهت قطب  
 جنوبی داخل دائره جنوبیه کشف کرده اند و جمیع خالی از سکنه  
 بوده و این اراضی بسیار سرد و داخل شدن با آنها از کثرت یخ که  
 در دریا های این نواحی است کمال صعوبت و عسر دارد و کشتی  
 آنها سینه ۴۰ و ۱۸ تاریخ مسیحی بوده . . . این بقضیل  
 کره زمین و متعلقات آن بود که باینجا منتهی شد و دائره آن به  
 مقدار چهل هزار هزار متر که هر متری یک ذراع و ثلث آن میشود  
 میرسد و مع ذلك کوچکترین کواکب است و عدد نفوسى که  
 در روی آنند مقدار هزار و پانصد ملیون است قال مؤلف  
 هذا ما رأيت ان شرحه في هذا الفن مقتصر على اهم امور مع انه يمكن  
 ان يؤلف في كل بلاد مجلدات فحاء هذا الكتاب الحمد ثم كافي في باب فحاء  
 عن الاسماء الممل و الايجاز المخل و كان الفراغ من تبيده متراثلين  
 و خمسين و ثمانمائة بعد الألف من تاريخ المسح و الحمد أولا و آخر الله



اتنا	اطنا	ایرلاند	ایرلند
اجمیر	ازمیر	برلین	برلن
ادریانوپل	ادرنه	پسینیک	پسینیک
اربیل	صیدا	بترسبرج	بترسبورغ
اسکوتسیا	اسکاتلند	بغداد	بغداد
اسوج	سوایدن	بلجیک	بلژیک
استکم	استکلم	بناما	پناما
اسلامبول	قسطنطنیه	بوشهر	ابوشهر
اغره	اگره	بودیه	بودیه
افریقا	افریکا	بیتلم	بیتالم
البرت	البر	تتار	تاتار
البا	البا	تولش	تونیز
الصابات	الیزابت	جاپان	ژاپون
المان	نمسه	چرکس	چرکس
امریکا	ینکی دنیا	چنبارن	چنبارن
انکیترا	انکلند	گیلان	گیلان
اندلس	اسپانیا	ختن	خلم
اوسترالیا	استریلیا	خیوه	خوارزم
اوستریا	استریا	رکن	دکن
اورویا	فرنگستان	دمشق	شام
اورشلیم	بیت المقدس	دمغان	دامغان
	دینمارک	دینمارک	

ساردن	سردینیا	کلیپولی	کلیپولی
سجستان	سیستان	کلات	کلات
سرالون	سیرالون	کنک	کانک
سقوطره	سقطره	کورسیکا	کارسیکا
سیلان	سرانندیب	لکنو	لکهنو
سینا	طور	ماداکاسکا	مدکاسکر
شاهرود	شهرود	مرسیلیا	مرسیلیا
شوشتر	شستر	مغرب	ماروک
صلبستان	سربستان	مکسیک	مکزیک
صین	چین	ملتان	مولتان
صیام	سیام	میلان	ملان
طرابزون	طربزان	ناپولی	ناپولی
غمره	عموره	ناپولی	نیدل
فالکلاند	فالکلند	ندرلاند	ندرلند
قبرس	قبریس	نزوج	نوروج
قرطجنه	قرطاجنه	نیشابور	نیشاپور
قلزم	بحر احمر	ویانا	وین
قلمق	قالمق	همایا	همالیا
قوهستان	کوهستان	هندکوش	هندوکش
کابل	کابل	هولاند	هالند

مخفی نماند که چون کثر اسمای قایلیم و ممالک و بلاد و مد و قری  
بالنبت باختلاف لغات یاد رخت واحد مختلف میشود لذا بعضی



بوالاول والاخر

کتابخانه آستان قدس

میزه کتاب



لا  
مطبعة  
كلز احسنی  
واهتمام  
طبع امر استیث  
وید وید  
کسی حق  
جانب  
نقد

مبئی





۱۲۷۹



۱۲۷۹ / ۱۰ / ۱۰  
۱۲۷۹ / ۱۰ / ۱۰  
۱۲۷۹ / ۱۰ / ۱۰









ق. ٩١٦